



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

بیان حضرت امام ره ذیل کلام محقق نائینی ره

عرض کردیم بحث ما بیانات حضرت امام (ره) بود در ذیل فرمایش محقق نائینی (ره)

زیر ساخت اصلی کلام نائینی ره در فرمایشات حضرت امام ره

و عرض شد که امام (ره) در این بیانات مفصل شان نشان دادند که زیر ساخت اصلی فرمایش محقق نائینی (ره) مسئله ترکیب انضمامی است و ترکیب انضمامی مشکلاتی دارد که اجمالاً عرض شد و امام (ره) ارجاع می دهند مسئله را به خود مختار نهائی ایشان در بحث جواز که انشاءالله می آید ،

سرّ ارجاع ریشه اصلی کلام محقق نائینی ره به بحث جواز

سرّ ارجاع هم معلوم است ، سرّ ارجاع هم به این دلیل است که این در واقع از متفرعات مسئله جواز است یعنی کسی که بخواهد قائل به جواز بشود حالا چواز در وادی جعل یا جواز در وادی امتثال مثل محقق نائینی (ره) بخواهد این مسئله را تعقیب کند عرض کردم یعنی حق با محقق بروجردی (ره) می شود که اگر کسی بخواهد این نکات را بگوید این را باید بعد از تنبیهات قول مختار قرار بدهد ، منتهی امام (ره) دیگر شرح دادند و تفصیل دادند و نشان دادند که با مبناء حق که ما بخواهیم جعل و

تشریح را با تعدد عنوان حل کنیم کما اینکه مشکل امثال را می توانیم با تعدد عنوان حل کنیم و نه جواز در مرحله جعل و نه جواز در مقام امثال نیازی ندارد به ترکیب انضمامی ما آن موقع پاسخ محقق نائینی (ره) را در ... بیع دادیم کما اینکه نکته چهارمی هم امام (ره) داشتند که اصلاً تعبیر به ترکیب انضمامی در مقابل ترکیب اتحادی محل بحث است ، ما محمولات بالضمیمه داریم ولی محمولات بالضمیمه الزاماً ترکیب انضمامی از توی آن نمی شود تعبیر کرد ، یا ترکیب اتحادی که انشاء الله بعد از آن که قول مختارشان را تبیین کردند این روشن تر بیان خواهد شد ، حیثیت مفاهیم انتزاعی را تبیین کردند روشن تر خواهد شد که چه نکاتی در این بیان اجمالی ولی دقیق ایشان وجود دارد که انشاء الله ذیل قول مختار این می شود نکته چهارم

نکته ای در عبارات حضرت امام ره (نسبت عموم و خصوص من وجه باید در متعلق باشد نه در موضوع والا بحث می رود در باب تعارض)

یک نکته ایی باقی ماند در عبارات حضرت امام (ره) ، چون می خواهیم عبارات استادمان حضرت آیت الله فاضل (ره) را بررسی کنیم این نکته را اینجا هم یک تأکیدی بکنیم که اینجا امام (ره) فرمودند ولی قبلاً فرمودند و قبلاً هم ما توضیح دادیم ولی حصیله آن را ما باید اینجا بگوئیم که بعداً در بررسی عبارات استاد بزرگوار مان حضرت آیت الله فاضل (ره) یک دقتی کنیم که این نکته مخفی نماند ، آن نکته این بود که محقق نائینی (ره) در اینجا در آن فرض اول شان که این بود باید نسبت عموم و خصوص من وجه باید در متعلق باشد نه در متعلق المتعلق که موضوع است ، آنجا بیان شان این بود که اگر مسئله متعلق المتعلق مطرح بشود آن موقع مسئله متعلق تعارض می شود نه مسئله تراحم و اجتماع و آنها بخاطر به تعبیر ایشان ترکیب اتحادی که در آنجا وجود دارد نه ترکیب انضمامی می رویم در باب تعارض، چون مسئله این بود دیگر در واقع شما باید درباره صلاۀ و غضب

کار کنید ، صلاة و غضب مثل فعل اختیاری فاعل مختار هستند که نسبت شان عموم و خصوص من وجه است ، اما نمی خواهند درباره عالم و فاسق کار کنیم ، مولا بگوید اکرم العالم بعد بگوید لا تکرّم الفاسق ، چون عالم متعلق المتعلق است یعنی موضوع است نسبت بین عالم و فاسق که اگر یکی وجوب اکرام عالم را مطرح می کرد و یکی حرمت اکرام فاسق را اینها ولو اینکه نسبت شان عموم و خصوص من وجه است ولی من وجه ها در باب تعارض هستند ، چرا ؟ بخاطر اینکه ترکیب اتحادی است اکرام عالم و اکرام فاسق ، بین این دو تا فعل ترکیب اتحادی وجود دارد ، وقتی ترکیب اتحادی وجود داشت نه ترکیب انضمامی مسئله از باب اجتماع می ورد بیرون و می رود در باب تعارض ، این در عبارت محقق نائینی (ره) که امام (ره) از ایشان نقل کردند بود منتهی در پاسخ اما در اینجا نیامد .

عبارات منقول حضرت امام ره از محقق نائینی ره

عبارت محقق نائینی (ره) را که امام (ره) نقل کردند این بود که قد یقال أن جریان النزاع یتوقف علی امور منها أن تكون النزاع واقعاً بین نفس الفعلین الصادرین من المكلف بارادة و اختیار كما فی الصلاة و الغضب و اما اذا كانت بین الموضوعین كما فی العالم و الفاسق فهو خارج عن محل النزاع لانّ ترکیب بینهما اتحادی لا انضمامی و لابد فیهما من اجراء قواعد التعارض این تعبیر تعارض را هم اینجا [می آورند] حالا امام (ره) چون قبلاً در جایگاه خودش این مسئله را نقل کرده بودند و نقد کرده بودند دیگر اینجا به آن پرداختند ، اینجا سر اصل مسئله ترکیب انضمامی و تاثیر ترکیب انضمامی بر سه مدعا کار کردند که ما اگر ترکیب انضمامی را لازم ندانستیم و با ترکیب اتحادی کار کردیم بگوئیم اکرم عالم اکرام فاسق فرقی نمی کند ، بگوئیم شرب ماء غصبی اشکال ندارد ، بگوئیم حرمت شرب ماء غصبی اشکال ندارد ، جلسه قبل عرض کردم با عنوان ها مشکل ما حل می شود در هر سه مرحله چه در اشکال اول و چه در اشکال دوم و چه در اشکال سوم که کلاً بگوئیم تعظیم عمر ، تعظیم

زید ، تعظیم عالم ، تعظیم فاسق ، اشکالی ندارد حتی اگر با سبب تولیدی کار کردیم تعدد عنوان مشکل را حل می کند ، حتی اگر با موضوع کار کردیم یعنی متعلق المتعلق تعدد عنوان مشکل را حل می کند ، یعنی اینجا در این حد بحث را پرداختند ، درست هم همین است چون موضوع بحث ما الان همین است محور بحث محقق نائینی (ره) هم همین است

ملاک ورود مسأله در باب تزاحم یا تعارض از زبان آخوند ره

اما قبلاً در بحث خودمان که همین بحث که نسبت مسئله اجتماع و مسئله تعارض و اجتماع چیست امام (ره) آنجا نظرشان را دادند ، آنجا اصل مسئله مسئله ایی بود که مرحوم آخوند مطرح کردند ، مرحوم آخوند بیان کردند که ما آنجا برای اینکه مسئله را وارد بحث اجتماع یا تزاحم کنیم احراز ملاکین را لازم داریم اما اگر احراز ملاکین نشد می رود در باب تعارض ، فرمایش مرحوم آخوند است .

نقد حضرت امام ره به فرمایش آخوند ره

خوب امام (ره) این فرمایش مرحوم آخوند را نقد کردند و گفتند که نه لازم نیست ، چه بحث صغروی باشد و چه بحث کبروی باشد ما نیازی نداریم به احراز ملاکین ، ما اگر بخواهیم صغرای اجتماع ضدین را بحث کنیم کما اینکه ظاهر عبارت مرحوم آخوند این است که ایشان به دنبال بحث صغروی است ما نیازی به احراز ملاکین داریم ، که مرحوم آخوند می گفتند احراز ملاکین باید داشته باشیم ، امام (ره) می فرمودند نه خیر به این مسئله ما نیازی نداریم ، اگر بخواهیم بحث کبروی کنیم سر جواز و عدم جواز کار کنیم باز هم همین است یعنی ما بحث مان متوقف نیست بر مسئله احراز و عدم

احراز ملاکین که مرحوم آخوند شرط کرده است احراز ملاکین را برای اینکه بحث را وارد این مرحله کند ، چنین چیزی مطرح نیست ،

چرا مرحوم آخوند ره بحث احراز ملاکین را مطرح کرد؟

لذا اما آنجا امام (ره) حرف مرحوم آخوند را رد کردند و بعد وارد این بحث شدند که چرا مرحوم آخوند مجبور شده است که این بحث را کند ؟ چون مرحوم آخوند دیده است که عموم و خصوص من وجه آقایان در تعارض از آن بحث می کنند ، ولی در تعارض که از آن بحث می کنند متعرض مسئله اجتماع نمی شوند یعنی همین ، بحث خودمان که در مورد عموم و خصوص من وجه در باب اجتماع قیدی وجود دارد که حساب عموم و خصوص من وجه اجتماع را از عموم و خصوص من وجه باب تعارض جدا می کند یا نه ،

بعد امام (ره) فرمودند مرحوم آخوند به همین دلیل خواسته اند یک قیدی اینجا درست کنند بگویند عموم و خصوص من وجهی در اجتماع شرکت می کند که احراز ملاکین در آن وجود داشته باشد ، کأن در بحث خودمان این طوری می شود کأن مرحوم آخوند هم از کسانی است که هر عموم و خصوص من وجهی را وارد بحث اجتماع نمی کند بلکه عموم و خصوص من وجهی را وارد بحث اجتماع می کند که احراز ملاکین در آن شکل بگیرد .

شرط عموم و خصوص من وجه در باب اجتماع از دیدگاه محقق نائینی ره

محقق نائینی (ره) در مقابل مرحوم آخوند می خواهد بگوید نه ، عموم و خصوص من وجهی داخل در بحث اجتماع است که ترکیبش انضمامی است اما اگر عموم و خصوص من وجه ترکیب اتحادی داشته باشد می رود در بحث تعارض و نمی رود در بحث اجتماع ، این نکته است که الان من یک

مقداری عرض کردم که سر آن تأمل کنید بر آن از این جهت است که این در واقع این فرمایش محقق نائینی (ره) یک طوری می شود ادامه فرمایش مرحوم آخوند ، یعنی ما اگر بخواهیم برای عموم و خصوص من وجه یک قیودی قائل بشویم اولین کسی که این قید را قائل است مرحوم آخوند است ،

قید عموم و خصوص من وجه در باب اجتماع از دیدگاه مرحوم آخوند ره

مرحوم آخوند خواسته است بگوید نزاع در عموم و خصوص من وجه است ولی نه مطلق عام و خاص من وجه ، عام و خاص من وجهی که احراز ملاکین در آن صورت می گیرد ، اما اگر عام و خاصی داشته باشیم که احراز ملاکین در آن صورت دیگر بحث تعارض است و تکاذب دو دلیل است ، یک ملاک است مال یک دلیل است ، یا این ملاک مال مثلاً حرمت است که بواسطه فسق درست شده است یا مال وجوب است که بواسطه علم درست شده است ، پس مرحوم آخوند کسی است که قیدی برای عموم و خصوص من وجه درست کرده است ، محقق نائینی (ره) آمده و این قید را عوض کرده گفته نه قیدی که باید وجود داشته باشد ترکیب انضمامی است نه ترکیب اتحادی ، لذا اما آنجا وقتی دارد فرمایش مرحوم آخوند را نقد می کند سبب شده دیگر وقتی اینجا وارد بحث عموم و خصوص من وجه می شویم تمرکز سر حرف محقق نائینی (ره) باشد نه حرف مرحوم آخوند و الا حرف مرحوم آخوند را قبلاً نقد کرده اند

چرا در سازمان حضرت امام ره کلام محقق نائینی ره اینجا مطرح و نقد شده؟

چرا حرف مان سر حرف نائینی (ره) است ؟ چون حرف مرحوم نائینی (ره) را آنجا بیان کرده ولی نقدش نکرده است ، نقدش را را سپرده به بحث الان مان ، مرحوم آخوند را نقد کرده اند ، که حالا نقد

محقق نائینی (ره) را اینجا ملاحظه کنید بعد نقل مرحوم آخوند را عرض می‌کنم که حالا در بررسی فرمایشات استاد مان حضرت آیت الله فاضل (ره) به هر دو تالی آنها ما نیاز داریم ، محقق نائینی (ره) خلاصه نظریه شان این است ، امام (ره) آنجا عبارت محقق نائینی (ره) را این طوری نقل می‌کند : و بذلك يظهر أن ما ذكره بعض الاعاظم من أن هذه المسئلة محققة بموضوع مسئلة تعارض بذلك يعني با نقدي که ما با مرحوم آخوند کردیم که حالا عرض می‌کنم يظهر اشکال فرمایش محقق نائینی (ره) ، فرمایش محقق نائینی (ره) این است که أن هذه المسئلة یعنی مسئلة اجتماع محقق مسئلة تعارض است ، امام (ره) می‌فرمایند این فی غیر محلّه ،

مسألة اجتماع چطور علی الجواز محقق تزامم و علی الامتناع محقق تعارض است

اجتماع چطوری محقق مسئلة تعارض است ما علی الامتناع باید قائل به تعارض بشویم ، علی الجواز باید قائل به تزامم بشویم که شرحش را آنجا دادیم

بعد از اینجا وارد می‌شوند که ما ادعاه من أن التعارض بین البایین كما اینکه آن ادعای محقق نائینی (ره) که ادعا کرده تمایز بین البایین ، بین البایین یعنی مسئلة اجتماع و مسئلة تعارض ، أن التركيب فی باب الاجتماع انضمامی و فی باب التعارض اتحادی که همین بحث الان ما است ، محقق نائینی (ره) آمده گفته درست است مسئلة اجتماع علی الامتناع تعارض درست می‌کند چون صدور هر دو حکم از مولا محل اشکال می‌شود و مولا باید یکی از او صادر بشود و علی الجواز که اگر جوازی شدیم در واقع هر دو حکم از مولا صادر شده است باید برویم و ببینیم وقتی از مولا صادر بشود مع المندوحه فلان است و بدون مندوحه هم فلان است که بحث هایش را قبلا انجام دادیم

بعد گفته اند از همین جا معلوم می شود که در بحث اجتماع چون ترکیب انضمامی است تعارضی وجود ندارد ، دور هر دو مشکل ندارد ، هر دو ملاک دارند هر دو مناط دارند به همین جهت گفتیم که این نشان می دهد که جواز جواز در وادی امتثال بیشتر متمرکز است محقق نائینی (ره) می خواهد بگوید دو تا ملاک وجود دارند ، جواز تمرکزش سر جواز در وادی جعل نیست ، بعد گفته اند چرا ؟ چون ترکیب انضمامی است اما اگر ترکیب اتحادی بود و یک واقعیت داشتیم دیگر یک ملاک بیشتر وجود نداشت ما مجبور بودیم که امتناعی بشویم یعنی بگوئیم یکی از آنها از مولا صادر شده است ، خوب و منظم است فرمایش محقق نائینی (ره) ، ببینید پهلوان میدان ما است ، و ما الان هم خدمت تلامذه امام داریم می گوئیم که شما باید خوب این فرمایش محقق نائینی (ره) را بگوئید

تزامم و تعارض در سازمان محقق نائینی ره

پس تعارض مال ترکیب اتحادی است و سبب می شود که من بگویم امتناعی هستم و علی الامتناع تعارض شکل می گیرد ، ترکیب انضمامی جوازی ام می کند و وقتی جوازی شد دیگر تعارضی در کار نیست ، اگر مندوحه نباشد التزام است اگر مندوحه باشد اجتماع امر و نهی است ، ببینید سازمان زیبای است که محقق نائینی (ره) درست می کنند ، از این سازمان تکلیف اجتماع معلوم است تکلیف التزام معلوم است ، تکلیف تعارض معلوم است و معلوم می شود که ترکیب انضمامی می خواهد وجود دو ملاک را درست کند دو مناط را درست کند ، که اگر یادتان باشد گفتیم تلمیذ بزرگوار ایشان مرحوم آقای مظفر هم خیلی خوب خواسته اند حرف محقق نائینی (ره) و مرحوم آخوند را به یک جا برگرداند که مرحوم آخوند گفته اند احراز ملاکین محقق نائینی (ره) گفته اند راه احراز ملاکین ترکیب انضمامی است که معنایش این است که ترکیب انضمامی در وادی امتثال محل بحث است ، این سازمان را خوب تلقی کنید

امام در آنجا در واقع دو تا بحث دارند ، یکی از آنها این است که اصلاً این بحث درست نیست ، نه از مرحوم آخوند ره درست است و نه از محقق نائینی (ره) ، یکی اینکه ترکیب انضمامی درست است ، ترکیب انضمامی را ارجاع داده اند به اینجا ، نادرستی آن بحث را هم آنجا گفته اند لذا دیگر اینجا آن را تکرار نکرده اند ،

اشکال حضرت امام ره به ترکیب انضمامی

حالا یک یادآوری کنیم : نادرستی ترکیب انضمامی که الان معلوم شد معلوم شد که ما علی المبناء نشان تان می دهیم که ترکیب انضمامی اصلاً در کار نیست، یا خود مسئله تعدد عنوان می تواند مشکل ما را حل کند کما اینکه خود تعبیر به ترکیب انضمامی محل اشکال است که بحث می کنیم جواز در وادی امتثال را هم بحث می کنیم ، خوب این اولاً ،

اشکال حضرت امام ره به آخوند ره و نائینی ره

امام (ره) این جا جواب داند که کما ما ادعاه آنجا گفتند آن ادعای محقق نائینی (ره) من أن التمايز بين البابين باب اجتماع تركيب انضمامی است باب تعارض تركيب اتحادی لا يرجع الی محصل ال.. و سیتضح أن حدیث التركيب الانضمامی و والاتحادی اجنبی عن هذه المقام فالتقط که یک بخشی از آن را اینجا هم یادآوری کردند و تفصیلش هم انشاءالله در قول به جواز می آید ، جواز در وادی امتثال، این بخش آن بخش بالا را چطور رد کردند ؟ گفتند که نه ما اصلاً دو تا تعارض داریم یک تعارض عرفی داریم و یک تعارض عقلی داریم ، گفتند طرداً و عکساً بحث ها با هم فرق دارند و لذا به درد نمی خورد نه فرمایش مرحوم آخوند و نه فرمایش محقق تعارض عرفی مال جایی است که من موضوع را می خواهم از عرف بگیرم ، حالا چرا از عرف بگیرم ؟ با آن تفصیلی که استاد مان

آیت الله فاضل (ره) اشکالی اینجا داشتند که بحث کردیم، ایشان قشنگ و رو به راه مسئله را بردند سر تعارض و تعارض عرفی را امام (ره) جدا کردند از بحث ما، بحث ما بحث تعارض عقلی است صلّ و لا تغصب اصلاً عرفاً با هم تعارض ندارند، دو تا عنوان مجزّی هستند و هیچ ربطی به هم ندارند، اما تعارض عقلی پیدا می کنند علی الامتناع، یا تعارض عقلی شان منتفی می شود علی الجواز،

تعارض عرفی و تعارض عقلی در فرمایش حضرت امام

اصل حرف حضرت امام (ره) این است، ما یک تعارض عرفی داریم یک تعارض عقلی داریم، تعارض عرفی موضوعش مال عرف است حکم و موضوعش مال عرف است هیچ ربط ندارد به بحث ما، یک تعارض عقلی داریم که این دفعه از یک حکم عقلی در می آید حالا کبرویاً یا صغرویاً، بحث اجتماع ضدین مثلاً در صقع بالا نفس همان طوری که بحث کردیم در بحث عقلی مان از زبان زیبای محقق بروجردی (ره) امام (ره) تعبیر کردند، ما یک تعارض عقلی داریم که در واقع اگر وجود داشت که امتناعی می شویم اگر وجود نداشت جوازی می شویم، خوب این چه ربطی دارد به تعارض عرفی که بعد من بگویم مسئله جواز موضوع مثلاً تعارض را از بین می برد، امتناع مثلاً موضوع تعارض را درست می کند

امام (ره) می گویند کدام تعارض؟ تعارض عقلی یا تعارض عرفی، لذا این دو تا باب اصلاً به هم ربطی ندارند، باب متعارضین و ادله تعارض آنجا یک بحث بسیار روشن و عرفی است با ضوابط خاص خودش، اما الان ما داریم اینجا تعارض عقلی را مطرح می کنیم، این را باید اینجا بیاوریم بگوئیم حضرت آقای نائینی (ره) اینجا که شما آمدید و گفتید در ترکیب اتحادی تعارض درست می شود، نه خیر ترکیب اتحادی هم که باشد تعارض درست نمی شود مگر اینکه منظورتان تعارض

عقلی باشد ، تعارض عقلی درست اما تعارض عرفی هر کجا می خواستید تعارض بین باین را درست کنید نه خیر ،

اشکال به اینکه ترکیب اتحادی سبب ورد مسأله در باب تعارض می شود

پس اشکال این است که حتی اگر من گفتم در ترکیب اتحادی یک ملاک وجود دارد این یک ملاک متعارضین شان نمی کند عرفاً ، این بحث عقل است ، یک بحث فنی فلسفی دقیق عقلی است با توضیحاتی که قبلاً دادیم و نهایتاً در جواز درستش می کنیم ، یک بحث فنی عقلی هیچ ربطی به تعارض ندارد ، تعارض آنجا ندارد ، علی الجواز من تعارض را از بین می برم ، بله چون دو تا ملاک وجود دارد ، و صدور دو حکم از مولا بلا اشکال است عقلاً ، حالا عدم اشکال صدور دو حکم چه به وادی جعل برگردد و چه به وادی امتثال برگردد که انشاءالله امتتالش را بحث میکنیم ، مولا می تواند دو تا حکم جعل کند نه در وادی جعل مشکل پیدا می کند و نه در وادی امتثال ، بنابراین امام (ره) ملاحظه می کنید که خیلی این طور مطلب شان مرتب است ، فقط یادآوری بنده برای این بود که اینجا چون نقل شده بود از محقق نائینی (ره) که اگر ترکیب انضمامی نباشد و ترکیب اتحادی باشد تعارض پیش می آید ، اما این را قبلاً رد کرده اند ، امام (ره) هم حرف محقق نائینی (ره) را و هم حرف مرحوم آخوند را رد کرده اند ، حالا حرف محقق نائینی (ره) و مرحوم آخوند هم به یک جا برگشت کند مثلاً ، بنابراینکه جواز وادی امتثال باشد ، اگرهم که اعم شد حالا دیگر حرف محقق نائینی (ره) کأن أدق می شود ، حرف مرحوم آخوند و محقق نائینی (ره) رد شده است اولاً ، نسبت باب تعارض و مسئله اجتماع اصلا منتفی است ، اصلا مشابهتی با هم ندارد که مرحوم آخوند یا محقق نائینی (ره) بخواهند اینها را رد کنند ، تعارض یک امر عرفی است موضوعاً و محمولاً ، اجتماع یک بحث بسیار فنی عقلی است موضوعاً و محمولاً ، حالا یا نزاع صغروی در یک ... ، یا نزاع کبروی ،

اینها ارتباطی با هم ندارند ، ترکیب اتحادی و انضمامی هم البته خودش قابل بررسی است ، که قبلا هم گفته شد که ما تعبیر به محمولات بالضمیمه را از مرحوم آخوند داریم درست است این و وضع محمول بالضمیمه هستند از نظر مرحوم آخوند در عبارات ایشان در احکام وضعیه هم بیان شده است اما مرحوم آخوند تعبیر نکرده اند به ترکیب انضمامی ، این در واقع پایان توضیح عبارات حضرت امام (ره) است که در واقع با دقت و هماهنگی و مرتب و قول مختار خود ما هم هست حالا با این کمکی که داریم می کنیم و اضافاتی که داریم می کنیم که تبیین بشود آن فرمایش حضرت امام (ره) ،

خوب در این فضا که ما وارد بشویم زمینه فراهم می شود برای که ما بیانات استاد بزرگوارمان حضرت آقای فاضل (ره) را در پاسخ به اشکالات محقق نائینی (ره) بررسی کنیم ، و ملاحظه می کنید که که بیانات استاد بزرگوار ما در پاسخ به محقق نائینی (ره) که خیلی بیانت خوبی و دقیقی هم هستند باید نسبتش با بیان استادشان [امام] معلوم بشود ، چون خیلی از بیانات ایشان متخذ از بیانات استادشان است اما نه با آن دقتی که عرض کردم و لذا این یک مقداری کار را بهم می ریزد ،

اشکال آیت الله فاضل به محقق نائینی ره :

خوب استاد ما آیت الله فاضل (ره) اول بیان محقق نائینی (ره) را ذکر می کنند و توضیح می دهند آیا دو عنوانی که بین آنها نسبت عموم و خصوص برقرار است داخل در محل نزاع است ؟ مرحوم نائینی (ره) معتقد است که باید دارای سه شرط باشد تا بتواند در محل نزاع داخل شود ، شرط اول ، توضیح می دهند و خوب هم توضیح می دهند منتهی ذیل این توضیح آن نکته تعارض را ذکر می کنند متأسفانه ،

نقض در کلام آیت الله فاضل ره :

حالا ملاحظه می کنیم ولی در پاسخ می خواهند از آن استفاده کنند ، این یک نقضی است در بیان ایشان این نقض در بیانات استادشان حضرت امام (ره) نیست انصافاً ، اما با دقت هم آنجا و هم اینجا خیلی منظم است نقل شان از محقق نائینی (ره) ، ایشان شرط اول را که ذکر می کنند نسبت عموم و خصوص من وجه بین دو متعلق باشد نه بین دو موضوع ، که مراد ایشان از متعلق عبارت است از فعل مکلف و مراد ایشان از متعلق عبارت است از چیز که فعل مکلف به آن اضافه می شود ، خیلی خوب و روان ، یعنی متعلق المتعلق می شود موضوع ، خوب لا تشرب الخمر ، شرب فعل مکلف است ، شرب خمر ، این طوری ، صلّ مع قصد الامر ، یعنی قصد امر قصد فعل مکلف است ، امر در واقع موضوع است متعلق المتعلق است که الان توضیح دادم ، خیلی هم بیان ایشان بیان خوبی است و اینجا مشکلی نداریم ، توضیح می دهند که خلاصه محقق نائینی (ره) اختیار کرده است که باید بین دو فعل باشد نه بین دو موضوع ، چرا ؟ بخاطر اینکه ما تعدد مقوله را می خواهیم درست کنیم و تعدد مقوله هم در دو تا فعل درست است نه در دو تا موضوع ، در دو تا موضوع اگر وارد شدید نه ، اکرم العالم و لا تکرم الفاسق هر دو تایش اکرام است ، تمام می کنند ،

اشکال استاد به نقل آیت الله فاضل از محقق نائینی

خوب اینجا جای داشت که در این نقل باید دقیق باشند ، محقق نائینی (ره) می فرمایند اگر در جایی ما با دو موضوع کار کردیم که برگشت به یک فعل ، یعنی ترکیب اتحادی شد ، چه می شود ؟ می شود تعارض ، یعنی اکرم العالم و لا تکرم الفاسق بین عالم و فاسق که متعلق المتعلق یا موضوع هستند عموم و خصوص من وجه حاکم است و قانون تعارض پیاده می شود ، لذا می بینید عبارتی را دارد در نقل که ناقص است حالا برای اینکه برسیم به بقیه بحث های مان این عبارت ایشان را در این

اصول فقه شیعه در جلد پنجم یا در ... ملاحظه کنید تا انشاءالله بررسی کنیم فرمایشات استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله فاضل (ره) را و نسبت فرمایش ایشان را با فرمایشات استاد بزرگوارشان حضرت امام (ره) تلقی کنیم که انشاءالله وضع ما نسبت به مدرسه محقق نائینی (ره) درست در بیاید .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خارج اصول فقه ❖ استاد شیخ عبدالکریم فرحانی (دام غزه) جلسه ۱۴۲ ۴۰۰/۳/۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

تفاوت کلام آیت الله فاضل با حضرت امام در بررسی و نقد کلام نائینی

بحث ما درباره بررسی فرمایشات استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله فاضل (ره) بود و عرض کردیم که ایشان مقداری عبارت شان در بررسی سه شرط محقق نائینی (ره) چه در تبیین عبارات محقق نائینی (ره) و چه در ارتباط با نقد فرمایشات محقق نائینی (ره) با فرمایشات استادشان حضرت امام (ره) تفاوت هایی پیدا می کند که اگر این تفاوت ها را مورد توجه قرار ندهیم ممکن است که در ارتباط با مسئله دچار مشکلاتی بشویم ،

تفاوت آیت الله فاضل در تقریر کلام محقق نائینی

تفاوت اولی که در تقریر فرمایشات محقق نائینی (ره) ر جلسه قبل به آن اشاره کردیم این بود که ایشان مسئله داخل شدن در باب متعارضین را در ترکیب اتحادی متعرض نشدند در تقریر فرمایش محقق نائینی (ره) و حال آنکه ملاحظه کردید که هم در عبارات محقق نائینی (ره) و هم در تقریری که حضرت امام (ره) از فرمایشات محقق نائینی (ره) ارائه می کند این نکته وجود دارد ، یعنی محقق نائینی (ره) رسماً اعلام می کند که در مواردی که ترکیب ترکیب اتحادی است مسئله اجتماع مطرح نیست بلکه مسئله تعارض مطرح است ، و در مواردی که ترکیب انضمامی است ما قائل می شویم به مسئله اجتماع یا مسئله تراحم حالا با همان تفصیلی که جلسه قبل عرض کردیم ، این نکته در بیانات حضرت استاد در تقریر فرمایشات محقق نائینی (ره) نیامده بود .

توضیح خوب استاد از شرط دوم محقق نائینی

نکته دومی که باز در فرمایشات استاد وجود دارد خوب ایشان توضیحی می دهند درباره آن شرط دوم محقق نائینی (ره) ، شرط دوم محقق نائینی (ره) این بود که ما نباید در بحث اسباب تولیدی بحث را پیاده کنیم چون در سبب تولیدی آنچه که مامور به است واقعاً سبب است نه مسبب ، ولو ظاهر دلیل آن است که مولا امر به مسبب کرده امر به اکرام کرده نهی از اکرام کرده اما در واقع چون مسبب مقدور ما نیست امر خورده است به قیام للتعظیم و نهی هم خورده به قیام للتعظیم ، که قیام للتعظیم

سببی است که از آن عنوان اکرام متولد می شود در واقع و به اصطلاح مامور به ما سبب تولیدی است که مقدور مکلف است .

خوب استاد این مطلب را قشنگ توضیح می دهند و تبیین می کنند که محقق نائینی (ره) در اینجور موارد به واسطه اینکه ما یک سبب داریم و اضافه شده به عالم مثلا اکرام عالم است و عدم اکرام فاسق است ولی در واقع در اینجا یک قیام للتعظیمی داریم که اضافه شدن اکرام به عالم و فاسق در آن تعدد مقوله ایی ایجاد نکرده است یک فعل است که این یک فعل قیام است ، و این قیام از یک مقوله است ، ترکیب انضمامی در اینجا منتفی است و به دلیل انتفاء ترکیب انضمامی ما نمی توانیم در یک این جور موارد عموم و خصوص من وجه را داخل در محل نزاع قرار بدهیم ، خوب استاد مان حضرت آقای فاضل (ره) هم این را قشنگ تبیین می کنند و توضیح می دهند.

تبیین شرط سوم محقق نائینی

نکته سومی که در بیانات ایشان وجود دارد آن توضیح شرط سوم محقق نائینی (ره) است ، که شرط سوم را هم مطابق با آنچه که در عبارات محقق نائینی (ره) است تبیین می کنند که بله ما اگر در مثلا غصب و شرب ماء بحث کنیم لا تشرب الماء ، اشرب الماء و لا تغصب را محل بحث قرار بدهیم که امر به شرب ماء بخورد و نهی به لا تغصب بخورد برای این می توانیم دو مصداق داشته باشیم ، یک مصداقش این است که شرب در دار غصبی اتفاق بیافتد ، بله اینجا ترکیب انضمامی برقرار است و به واسطه ترکیب انضمامی نزاع وجود دارد ، یک مصداقش این است که نه ، کسی خود ماء غصبی را شرب کند و میل کند اگر شرب ماء غصبی محل بحث ما قرار بگیرد خوب شرب ماء غصبی در واقع تعدد مقوله ندارد هم غصب است از باب شرب و هم شرب ماء است از باب شرب ، یعنی هر دو یک

عمل است که در واقع هم مامور به واقع شده است و هم منهی عنه واقع شده و به اصطلاح ترکیب انضمامی ندارد ، خوب استاد این نکات را مطابق با فرمایشات محقق نائینی (ره) تبیین می کند ، همان نکته دوم را در بحث اسباب تولیدی و هم نکته سوم را در عموم و خصوص من وجهی که ترکیب انضمامی در آن محقق نیست .

بعد از اینکه اینها را تبیین می کنند استاد بزرگوارمان و ملاحظه خاصی ما نداریم درباره نکته دوم و سوم چون تبیین مطابق با عبارات محقق نائینی (ره) است بر خلاف نکته اول که عرض کردم حیث تعارض را باید متذکر می شدند

توضیح آیت الله فاضل در باب ترکیب انضمامی

در عبارت محقق نائینی (ره) ، استاد شروع می کنند توضیحی درباره ترکیب انضمامی دادن ، که ترکیب انضمامی یعنی وقتی که دو شیء یک ارتباطی با هم پیدا می کنند و یک چیز ثالثی می شوند ، به اصطلاح یا به تعبیر ایشان استقلال خودشان را از دست می دهند ، و می فرمایند که محقق نائینی (ره) فرمایش فرموده اند . عذر می خواهم در ترکیب انضمامی چون شیء ثالثی به وجود نمی آید و استقلال اینها محفوظ می ماند ما مشکلی نداریم ، اگر دو شیء در کنار هم باشند و استقلال شان محفوظ بماند و شیء ثالثی به وجود نیاید ترکیب انضمامی است ، اما گوئی در ترکیب اتحادی یک طوری می شود که شیء ثالثی به وجود می آید و به واسطه بوجود آمدن شیء ثالث و از بین رفتن این استقلال دو مقوله ، آن در واقع محل نزاع ما در بحث اجتماع امر و نهی نیست ، این توضیحی است که استاد ما درباره بیان ما محقق نائینی (ره) دارند که پس فارق بین ترکیب انضمامی و ترکیب اتحادی همین نکته است که حفظ استقلال دو مقوله در ترکیب انضمامی و صرفاً در کنار هم قرار گرفتن آنها

مطرح است ولی عدم حفظ استقلال دو مقوله و بوجود آمدن شیء ثالث در ترکیب اتحادی است که سبب شده است که اینها از محل بحث ما خارج بشوند.

حالا انشاء الله بعداً ملاحظه خواهید کرد که این یک مقداری از جهت فنی این توضیح استاد ما محل اشکال است ، این مطلبی را که می خواهند برای تبیین فرمایش محقق نائینی (ره) به کار ببرند یک مقداری دقتش پایین است و عرض خواهم کرد چرا . ولی این توضیحی که برای شرط دوم و سوم دادند توضیح خوبی است و منطبق با عبارات محقق نائینی (ره) است . بعد جناب استاد بعد از توضیحی که برای تکمیل فرمایش محقق نائینی (ره) ارائه می کنند یعنی بیان فارق ترکیب اتحادی و ترکیب انضمامی ، شروع می کنند به نقد فرمایش محقق نائینی (ره) ؛

نقد کلام محقق نائینی توسط آیت الله فاضل

در نقد فرمایش محقق نائینی (ره) از شرط اصلی یعنی شرط سوم یعنی بحث ترکیب انضمامی شروع می کنند که این هم کاملاً خوب و درست است چون عرض کردم آن نکته محوری در این سه شرط همین بحث ترکیب انضمامی است ، استاد برای نقد این مطلب دو نکته اشاره می کنند ،

نکته ای در نقد اول

نکته اول این است که محقق نائینی (ره) چون معنونی است و چون ماموربه و منهی عنه را به خارج سرایت می دهد دنبال ترکیب انضمامی است و می خواهد این شیء خارجی یعنی معنون خارجی که هم ماموربه است و هم منهی عنه است دو واقعیت باشد دو واقعیتی که به تعبیر ایشان استقلال شان را از دست ندادند و به اصطلاح ترکیب انضمامی است ،

ولی اگر ما اصل مبناء محقق نائینی (ره) را انکار کردیم و گفتیم که ما اصلا عنوانی هستیم و ما در واقع با عناوین کار می کنیم و وقتی که من با عنوان کار می کنم یعنی با این مفهوم ذهنی می خواهم کار کنم معلوم است که این دو تا عنوان دو عنوان هستند دیگر نیازی نیست به اینکه من بروم دنبال ترکیب انضمامی این دو عنوان در خارج ، اصرار کنم بر اینکه باید این دو عنوان ترکیب انضمامی داشته باشند ، نه خیر چنین چیزی لازم نیست ، چون عنوانی هستیم و عنوان صلاّه غیر از عنوان غضب است ، عنوان شرب ماء غیر از عنوان غضب است ، من چه کار دارم در عالم واقع خارجی ، شرب ماء و غضب ترکیب اتحادی پیدا می کنند یا ترکیب انضمامی پیدا می کنند ، من تا وقتی عنوانی باشم مسئله ام حل است ، لذا می خواهند بگویند که نقد اصلی ما به محقق نائینی (ره) این است که این فرمایش محقق نائینی (ره) مبتنی است بر اینکه کسی معنونی باشد و امر را به خارج سرایت بدهد و نهی را به خارج سرایت بدهد ، اما اگر کسی عنوانی بود و امر و نهی را در حد عناوین ذهنی نگه داشت آنموقع دیگر اصلا نیازی به بحث ترکیب انضمامی نیست ، این نقد اول ایشان است .

نقد دوم به کلام نائینی ره (ترکیب انضمامی)

نقد دومی که ایشان به محقق نائینی (ره) وارد می کنند این است که جناب محقق نائینی (ره) شما بر اساس جواز این حرف ها را می خواهید بزنید لذا این شرط شرط جواز است ، قول به جواز است که می خواهد بر اساس سرایت تکالیف به خارج و به اصطلاح معنون شدن دنبال ترکیب انضمامی باشد پس این شرطی برای اصل بحث نیست ، این شرط شرط است برای قول به جواز مبناء شما ، . ما نمی توانیم در واقع وقتی که یک مسئله ایی یکی از شرائط قول مختار ما است آن هم در احد المبانی آن را قیدی کنیم برای اصل نزاع ، نه ما چنین چیزی را نمی توانیم ملتزم بشویم و از شما قبول نمی کنیم

، این دو تا نقد را ایشان در واقع به فرمایش محقق نائینی (ره) در اصل مسئله ترکیب انضمامی و ضرورت ترکیب انضمامی در عام و خاص من وجه وارد می کنند .

اشکال به شرط دوم محقق نائینی (اشکال مبنایی)

درباره شرط دوم در واقع اصل مسئله شان همین می شود که در شرط دوم هم ما اشکال مان این است که چرا شما دستور را ظاهرش خارج می کنید ، ظاهر دستور تکلیف به مسبب است ، شما به چه مجوزی ظاهر تکلیف را از مسبب بر می گردانید به سراغ سبب ، بعد وقتی بر می گردانید آن را سراغ سبب می گوئید سبب ترکیب اتحای دارد پس محل بحث نیست ، ایشان می گویند نه ما می آئیم به ظاهر دلیل اخذ می کنیم مولا دستور داده است که قفل را باز کن ، باز کردن قفل یا باز کردن در افتتاح الباب ، اغلق الباب ، اگر دستور به غلق باب داد یا دستور به فتح باب داد ، شما مامور به فتح باب هستید ، شما می گوئید نه منظور مولا سبب تولیدی است و گفته است که شما کلید را حرکت بده در در تا در باز شود ، یا منظور مولا چرخاندن کلید است تا در قفل بشود ، شما ظاهر دلیل را خارج می کنید از معنای ظاهر آن ، بعد امری را که الان به مسبب تعلق گرفته است را می برید سراغ سبب ، بعد وقتی برید سراغ سبب آنموقع میگوئید خوب یک سبب است ، سبب تولیدی یک سبب بیشتر نیست پس ترکیب اتحادی است ، ما می خواهیم بگوئیم این خلاف ظاهر است شما به خود ظاهر اخذ کنید ، یعنی اشکال مبنائی داریم به بیان محقق نائینی (ره) .

نقد سبب تولیدی محقق نائینی

خوب این قلت اگر به ظاهر دلیل اخذ کنیم من قدرت بر مسبب ندارم ، ایشان می گویند نه ما در جای خودش گفتیم که همین مقدار که شما از طریق سبب بتوانید مسببی را انجام بدهید کافی است برای

صحت تکلیف به مسبب ، برای تحقق صحت تکلیف قدرت می خواهید و قدرت بر مسبب از طریق سببش هم کافی است که مولا حقیقتاً به مسبب امر کند ، لذا اگر من ظاهر دلیل را اخذ کردم و ظاهر دلیل هم امر به مسبب بود الان هم دو تا مسبب دارم خوب چه مشکلی دارم ، گفته اکرام عالم عدم اکرام فاسق ، لذا من وقتی دو مسبب داشته باشم شما اگر آمدید و مجاز شدید که دلیل را از ظاهرش منصرف کنید و ببرید سراغ سبب آن موقع در سبب گیر می کنید که اینجا ترکیب اتحادی بعد می گوئید [چون] اتحادی است محل بحث ما نیست ، نه خیر ما همان اول متوقف می کنیم می گوئیم اینجا تکلیف به مسبب خورده و تعدد عنوان در مسبب وجود دارد ، این را هم برای نقد بحث سبب تولیدی به کار می برند ، دیگر آن سوی هم خود به خود در همان بخش اول نقد شده ، سومی عین شرب ماء و غضب ، می گویند ما عنوانی هستیم همانطوری که توضیح دادند ، این اصل تقدی است که استاد ما به فرمایش محقق نائینی (ره) وارد می کنند .

جواب تلویحی آیت الله فاضل به محقق نائینی

بعد هم یک جمله ایی هم اضافه می کند که ما در مواردی که محقق نائینی (ره) مسئله ترکیب انضمامی را مطرح می کند مشکل مان این است که در واقع خروج بعضی از این موارد از محل نزاع نه به دلیل ترکیب اتحادی است ، به دلیل این است که ما احراز ملاک نمی کنیم در ماموریه و منهی عنه ، یعنی در پایان فرمایشات استاد بزرگوارمان آن نکته ایی که در جلسه قبل از زبان مرحوم آخوند نقل کردیم مطرح شده است که محقق نائینی (ره) ما در واقع اگر بعضی از این موارد را از محل نزاع خارج می کنیم به این جهت نیست که ما معنوی هستیم و در معنوی مان ترکیب اتحادی وجود دارد تا قانونی تعارض را پیاده کنیم نه تزام را یا اجتماع را بلکه به این دلیل است که ما برای پیاده شدن مسئله

اجتماع احراز ملاکین لازم داریم ، در این جور مواردی که یک ملاک بیشتر وجود ندارد مسئله تزام و اجتماع مطرح نیست از باب عدم احراز ملاکین ، تبعاً لمرحوم آخوند و الا اگر ما احراز ملاکین کرده بودیم هیچ فرقی برای مان نمی کرد که در واقع معنون خارجی ما ترکیب اتحادی باشد یا انضمامی باشد و لذا در واقع بدون اینکه فرمایش محقق نائینی (ره) را استاد در تبیین مسئله آورده باشند جوابش را سعی کرده اند که در اینجا بدهند ،

اشکال استاد به آیت الله فاضل (در تبیین کلام محقق نائینی)

تبیین محقق نائینی (ره) همانی بود که اول عرض کردم نیامده است ، محقق نائینی (ره) موارد ترکیب اتحادی را می برد سراغ تعارض و فقط موارد ترکیب انضمامی را نگه می داشت که با آنها کار کند ، استاد ما در تبیین این را بیان نکرده اند اما در جواب این را آورده اند که محقق نائینی (ره) اگر مواردی را شما خارج می کنید خروج این موارد نه به دلیل ترکیب اتحادی است به دلیل عدم احراز ملاک است ملاکین باید احراز بشود ، و خواندیم عبارت مرحوم آخوند را جلسه گذشته مرحوم آخوند برای اینکه ابداع فرق کند در عموم و خصوص من وجه هایی که در باب اجتماع مطرح هستند با عموم و خصوص من وجه هایی که در باب تعارض مطرح هستند حرف مرحوم آخوند این است که من وجه هایی در باب اجتماع مطرح هستند که در واقع احراز ملاکین در آنها وجود داشته باشد ، ایشان می خواهند همان مطلب را بفرمایند و در نهایت بگویند اگر بعضی از اینها می روند بیرون بخاطر عدم احراز ملاکین است نه به خاطر ترکیب اتحادی ، این در واقع فرمایش استاد بزرگوار ما است در نقد محقق نائینی (ره) ،

خوب حالا ما خدمت با سعادت شما این نکته را هم شروع کنیم بررسی فرمایش ایشان و فارق های فرمایش ایشان را با فریضات استادشان حضرت امام (ره) داشته باشیم که معلوم بشود که چرا ما اصرار داریم که یک مقداری انضباط مسئله در فرمایشات استاد مان حضرت آیت الله فاضل (ره) بهم خورده است

اشکال استاد به سازمان آیت الله فاضل ره

نکته مهمی که مطرح است در تبیین همان نکته ایی است که جلسه قبل عرض کردم و الان هم در آخر بحث به آن پرداختم ، انصاف مطلب این است که استاد ما جای داشت که اولاً آن بیان محقق نائینی (ره) را بیان کنند که محقق نائینی (ره) در تمام ترکیبات اتحادی را به تعارض بر می گردانند ، یک ، بعد این بیان را مقایسه کنند با بیان مرحوم آخوند ، و بگویند که مرحوم آخوند برای بحث ترکیب اتحادی دنبال احراز ملاکین است ، عذر می خواهم برای موارد تعارض در مقابل اجتماع مرحوم آخوند می گویند احراز ملاکین شرط است بر خلاف تعارض که یک ملاک بیشتر وجود ندارد ، محقق نائینی (ره) خواسته اند مسئله احراز ملاکین را بر گردانند به مسئله ترکیب انضمامی ، استاد باید این فارق اینها را بحث کنند و الا تقریباً مصادره به مطلوب می شود.

یعنی ببینید دو تا مسئله پیش می آید ، اولاً نمی گویند فرمایش محقق نائینی (ره) را در خود تبیین ، ولی در نقد می آورند ، ثانیاً در خود تبیین یا نقد باید خود این مسئله نسبت فرمایش محقق نائینی (ره) و مرحوم آخوند مطرح بشود ، بله ما بر اساس مسلک محقق خراسانی (ره) فارق بین عام و خاص من وجه بین تزامم و اجتماع را با عام و خاص من وجه باب تعارض در این می دانیم که در تعارض یک ملاک احراز می شود و در اینجا دو ملاک ، محقق نائینی (ره) می فرمایند که نه ما فراق

را اینطوری باید بگوئیم که در متعارضین ترکیب اتحادی است و در اجتماع و تراحم ترکیب انضمامی است ، چرا محقق نائینی (ره) این را می خواهند بگویند ؟ می خواهند بگویند که اصلا اگر اینطور نباشد دو ملاک قابل احراز نیست یعنی تکلیف بیان استاد در اینجا باید معلوم بشود ، اگر این را معلوم نکنند جوابی را که به محقق نائینی (ره) را دارند می دهند جواب وافی ایی نیست یعنی روشن نمی شود مسئله که شما دارید با مرحوم آخوند کار می کنید یا با محقق نائینی (ره) کار می کنید ؟ اصلا فارق بیان مرحوم آخوند و محقق نائینی (ره) در فارق تعارض و تراحم و اجتماع چه چیزی است ؟ این یک مقداری به نظر می رسد که کار را سخت می کند بنا بر این مدرسه ، حالا انشاءالله ریشه اش را عرض می کنم در جلسه آتی که ریشه این حرف این است که استاد متاسفانه از استادشان حضرت امام (ره) جدا شده اند ،

تبیین اشکال استاد به آیت الله فاضل

پس ببینید ما حرف اول و اساسی مان این است که حضرت استاد شما در تبیین ترکیب انضمامی و تبیین فارق بین ترکیب انضمامی و احراز ملاکین که محقق نائینی (ره) ترکیب انضمامی را شرط برای مسئله تراحم و اجتماع می داند ، مرحوم آخوند احراز ملاکین را شرط می داند ، شما اینجا کم گذاشتید ، مسئله روشن نیست و تا وقتی که روشن نشود یک حالت مصادره به مطلوبی پیدا می کند ، لذا توجه بفرمائید این نکته وقتی اهمیتش بیشتر می شود که آن توضیحی را که استاد ما برای فارق بین ترکیب انضمامی و ترکیب اتحادی در بیان محقق نائینی (ره) داشتند را شما ملاحظه کنید ، استاد اینطور بیان فرمودند که در ترکیب اتحادی استقلال دو تا حفظ می شود ، محقق نائینی (ره) می گویند

که همین را من می خواهم بگویم که ترکیب انضمامی به جهت حفظ استقلال واجد ملائین است اما در ترکیب اتحادی چون در واقع استقلال حفظ نشده و شیء واحد ثالثی به وجود می آید این شیء واحد ثالث یک ملاک بیشتر ندارد دیگر ، شیء واحد است ، شیء واحد ملاک واحد دارد ، لذا ملاحظه بفرمائید در واقع این بیان اخیر استاد یک مقداری ناسازگار است با آن توضیحی که برای محقق نائینی (ره) می دهند ، ما اصل مسئله مان که جلسه قبل هم عرض کردم این را باید لحاظ کنند .

عدم تبیین مدعا توسط آیت الله فاضل

کما اینکه براساس توضیحات جلسه قبل مان باید معلوم بشود که بالاخره اگر اینطور شد حالا تنزل می کنم از اشکال قبلی می گویم شما توضیح ندادید در مدعا ، [اشکال ندارد] ، در نقد تان هم فارق را تبیین نکردید آن را هم رهائش می کنیم ، قبول می کنیم که شما تابع مرحوم آخوند هستید یعنی با احراز ملائین کار می کنید ، محقق نائینی (ره) بحث ترکیب انضمامی را مبناء قرار داده است ، اشکال ندارد

شرط قائل شدن آیت الله فاضل برای عموم و خصوص من وجه بر خلاف حضرت امام حالا سوال می کنیم پس شما برای عموم و خصوص من وجه شرط قائل شدید یا نشدید ؟ پس بالاخره در نهایت المطاف حضرت استاد هم برای وارد شدن عام و خاص من وجه یک شرطی را قائل هستند و شرطش هم احراز ملائین است ، نمی خواهند بگویند هر عام و خاص من وجهی داخل در محل نزاع است ، بلکه عام و خاص من وجهی داخل در محل نزاع است که احراز ملائین در

آنها صورت بگیرد، در صورتی که حالا بعداً می بینید استاد شما حضرت امام (ره) می خواهند بگویند که نه خیر، ما هیچ کدام از شرط ها را قبول نداریم.

جدا شدن آیت الله فاضل از استادش حضرت امام در این بحث

ریشه این مسئله هم عرض می کنم بخاطر این است که استاد ما حضرت آیت الله فاضل (ره) از استادشان حضرت امام (ره) در این بحث جدا شدند اگر جدا نشده بودند چنین مشکلی برای شان پیش نمی آمد تا انشاءالله توضیح دیگری هم دارد یک مقدار بیشتر این نکته را توضیح خواهم داد، این خیلی بحث مهم و رئیسی ما است که روشن بشود حالا یک بحث دیگر هم داریم سر در واقع خود آن تعبیری که برای ترکیب انضمامی و اتحادی برای محقق نائینی (ره) بیان می کنند که حالا یک بار می خواهند این را به محقق نائینی (ره) نسبت بدهند اشکال ندارد، یک بار می خواهند بگویند حق این است در انضمام و اتحاد، که آن هم محل اشکال است، یک اشکال دیگری هم داریم سر بحث سبب تولیدی که آن را هم انشاءالله عرض خواهم کرد که نزاع را لازم نیست ما مبنائی کنیم و ما حتی با قبول مبناء محقق نائینی (ره) ممکن است که بتوانیم به محقق نائینی (ره) اشکال بگیریم و انشاءالله حالا این نکات را ملاحظه بفرمائید که انشاءالله این سه نکته را یک مقدار توضیح بیشتری جلسه آتی بدهیم و فارق فرمایش امام (ره) و محقق نائینی (ره) را نه در عبارات استاد مان حضرت آقای فاضل (ره) بلکه در عبارات خود امام (ره) با دقت بیشتری جویا بشویم.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

نپذیرفتن ملاک محقق نائینی در فرق باب تعارض و اجتماع توسط آیت الله فاضل

بحث ما درباره فرمایشات استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (ره) بود و عرض کردیم که ایشان با نقد فرمایش محقق نائینی (ره) در این مرحله مواجه هستند که می خواهند بفرمایند که ما ملاکی را که محقق نائینی (ره) برای فرق باب تعارض و باب اجتماع ارائه کردند را نپذیرفتیم ، ملاکی را که محقق نائینی (ره) ارائه کردند برای فارق مسئله اجتماع امر و نهی و مسئله تعارض وجود ترکیب انضمامی در مقابل ترکیب اتحادی قرار دادند ، استاد بزرگوار ما حضرت آیت الله فاضل (ره) می فرمایند که نه ما تبعاً لمحقق خراسانی (ره) احراز ملاکین را شرط قرار دادیم و بنابراین اگر چه بین علماء و فساق عموم و خصوص من وجه جاری است و علماء و فساق به جهت دو عنوان می توانند در محل بحث ما شرکت کنند چون شرط تعدد دو عنوان و نسبت عموم و خصوص من وجه را دارند ، اما به جهت آنکه در اینها احراز ملاکین نشده است از محل بحث خارج هستند ، بر خلاف صلاة و غضب که باز دو عنوان هستند و نسبت این دو عنوان هم عموم و خصوص من وجه است ولی این دو عنوانی که عموم و خصوص من وجه هستند بواسطه اینکه احراز دو ملاک در آنها صورت گرفته است در محل نزاع هستند .

اشکال استاد به آیت الله فاضل ره

خوب ما نکته مهمی که مطرح کردیم این بود که خوب حضرت آقا شما اگر بر اساس توضیحی که برای محقق نائینی (ره) دادید و گفتید ترکیب انضمامی یعنی استقلال دو مقوله و دو ماهیت در مقابل ترکیب اتحادی که گوئی در واقع شیء سومی به وجود می آید ، اگر این را درباره محقق نائینی (ره) قائل هستید ، خوب عملاً مسئله به یک جا بر می گردد ، شما می فرمائید ما احراز ملاکین را ملاک قرار دادیم ، محقق نائینی (ره) می فرمایند راه احراز ملاکین ترکیب انضمامی است ، چرا ؟ چون اگر یک واقعیت وجود داشته باشد ، یک ملاک بیشتر ندارد آن یک واقعیت ، لذا در ترکیب اتحادی که شیء ثالثی به وجود می آید ما یک واقعیت داریم با یک ملاک ، در ترکیب انضمامی که استقلال دو مقوله وجود دارد و دو واقعیت داریم دو ملاک خواهیم داشت

نکته دقیق استاد در دفاع از محقق نائینی و حضرت امام (اشکال اول به آیت الله فاضل)

لذا عنایت بفرمائید این نکته دقیقی که ما می خواهیم خدمت استاد بزرگوارمان در دفاع از محقق نائینی (ره) و نهایتاً دفاع از فرمایش استادشان حضرت امام (ره) که عرض خواهیم کرد بیان کنیم این است که حضرت آیت الله فاضل (ره) شما وقتی می روید سراغ احراز ملاکین کأن می روید سراغ فرمایش محقق نائینی (ره) ، نمی توانید مسئله احراز ملاکین را مقابل فرمایش محقق نائینی (ره) قرار بدهید و بگوئید عموم و خصوص من وجه فساق و علماء خارج از محل نزاع است ، چرا ؟ چون احراز ملاکین نشده است ، خوب محقق نائینی (ره) می گوید احراز ملاکین نشده است چون ترکیب اتحادی است ، وقتی یک واقعیت یک ملاک دارد ، شما می گوئید صلاة و غضب داخل در محل نزاع است چون احراز ملاک شده است ، محقق نائینی (ره) می گوید احراز ملاکین به دلیل ترکیب انضمامی است ، و شما قبول دارید که ترکیب انضمامی یعنی استقلال دو واقعیت ، ترکیب اتحادی یعنی بوجود

آمدن یک واقعیت ثالث ، تعبیرتان این است گویا یک واقعیت سومی به وجود آمده است ، خوب اگر این است خوب یکی می شود دیگر ، شما نمی توانید با حرف مرحوم آخوند حرف محقق نائینی (ره) را رد کنید ، لذا یک نوع سازگاری و یک تهافوت صدر و ذیلی متاسفانه در فرمایشات استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله فاضل (ره) به وجود می آید و ایشان نمی توانند با این توضیح حرف محقق نائینی (ره) را رد کنند ، این اولاً

اشکال دوم استاد به آیت الله فاضل

ثانیاً نهایتش به این بر می گردد که پس شما هم برای دخول عموم و خصوص من وجه شرط قائل هستید ، الان بحث این است که آیا عامین من وجه برای دخول شان در محل نزاع شرطی دارند یا ندارند ؟ شما باید اینجا تعیین تکلیف کنید موضع تان را نسبت به مسئله ، استاد شما حضرت امام (ره) می گوید شرط ندارند ، نه آن شرط احراز ملاکین است نه آن شرط احراز ترکیب انضمامی است ، محقق نائینی (ره) می گوید شرط دارند برای عام و خاص من وجهی ما داریم نزاع می کنیم که احراز ترکیب انضمامی بشود ، مرحوم آخوند می گویند که ما شرط داریم ، شرط ما احراز ملاکین است ، خوب حالا شما تعیین تکلیف کنید ببینیم که بالاخره با کدام نظریه هستید ، شرط قائل هستید ؟ می گوئید بله ، شرط چیست ؟ می گوئید احراز ملاکین ، اگر احراز ملاکین نشود تعارض است ، اگر احراز ملاکین بشود یا تراحم است یا اجتناع امر و نهی است ، پس عیبی ندارد شما قائل به شرط هستید ، شما جزء آن دسته از اصولیین و فقهای قرار می گیرید که در واقع شرطی قائل هستید ، فقط الان مسئله این است که آیا شرط شما که مسئله احراز ملاکین است با شرطی که محقق نائینی (ره) قائل است یکی است یا دو تا است ...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۰۰/۳/۲۹

جلس ۱۴۴

استاد شیخ عبدالکریم فرحانی (دام غزه)

خارج اصول فقه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

تبریک ولادت امام رضا علیه السلام و حضور حداکثری در انتخابات ریاست جمهوری تبریک عرض می کنیم ایام ولادت حضرت ثامن الحجج آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام را الحمد لله دهه دهه کرامت است و خدا را شکر که ملت انقلابی و غیور ما عشائر بصیر و فکور ما باز هم در این امتحان بزرگ الهی سر بلند بیرون آمدند و با حضور حداکثری و انتخابی قوی منطبق با فرمایشات و شاخص هایی که مقام معظم رهبری و علماء کشور اعلام کرده بودند انتخابی صورت گرفت و عزیزان ما هم سرو پا فعالیت و تلاش بودند در قرارگاه های مردمی هم برای تقویت حضور مردم که محقق شده خدا را شکر و هم برای انتخابی قوی و منطبق با شاخص ها که امیدواریم انشاءالله خیر این .. و این انتقال را ایران ببرد و آن یأس و ناامیدی ایی که در حلقه مدیریتی کشور متاسفانه وجود داشت و وجود دارد فعلاً و سبب شده است که مردم واقعاً سخت بشود برای شان زندگی اشتغال معیشت و تبعیض به عنوان مشکل مهم جامعه انقلابی ما ، فساد ، مدارا با ویژه خواری و فریبکاری

اقتصادی ، اینها تعابیری است که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به کار بردند ، و آقا هم فرمودند که این مطالب که ما باید به عدالت پردازیم و با فساد و تبعیض و ویژه خواری و اینها مقابله کنیم خیلی از اینها در قانون وجود دارد اما اجراء درست آن امید داریم که به یک مدیران جوان انقلابی و آشنای به مسیر انقلاب و مسیر امام (ره) و رهبری بیایند و آقا فرمودند انشاءالله این مدیران جوان و انقلابی ما کم هم نیستند بیایند و زمام کار را به دست بگیرند این امیدی است که در بیانیه گام دوم حضرت آقا به صراحت آمده و امروز انشاءالله قدمی برداشته شد برای تحقق امید مهم رهبر فرزانه انقلاب ،

مردم هم با اعتماد به رهبری با اعتماد به حاکمیت نظام مقدس جمهوری اسلامی با اعتماد به وعده های الهی از باب *إن تنصروا الله ینصرکم آمدند و نصرت دین خدا را و نصرت انقلاب اسلامی را و بیعت مجدد با شهداء ما خاصه حاج قاسم عزیز ما به رخ دنیا کشیدند ، حالا نوبت ما ها است که بتوانیم انشاءالله این آرزوی رهبری را در یک نظام اجرایی قوی انقلابی محقق کنیم انشاءالله به فضل پروردگار ،*

بنده هم تبریک عرض می کنم جداً این ایام نورانی را این عید بزرگ ولادت ثامن الحجج را ، این عید بزرگ تحقق کرامت دینی را در جامعه اسلامی مان که کرامتی محقق شد و واقعاً امیدواریم کرامت ها با مرعصه ظهور در بیاید و مردم عزیز ما طعم واقعاً آسایش اقتصادی را آسایش فرهنگی را ، طعم عدالت را در همه سطوح بچشند و البته عبرتی هم می شود برای ما ها ، از خدا تقاضا کنیم عاقبت ما را ختم به خیر کند ، در این امتحان الهی بعضی ها عاقبت به شر شدند ، بعضی ها قدر ندانستند نعمت ولایت را ، بعضی ها قدر ندانستند حمایت علماء عامل را ، بعضی ها قدر ندانستند رهبری بزرگوار نظام ما تمام قد ایستادند دفاع کردند حمایت کردند که اینها بتوانند خدمت کنند ، خدمت بی منت سالم

، اما قدر ندانستند ، و این قدر ناشناسی امروز برای آنایی که قدر این نعمت را نمی دانند و ندانستند یک روسیاهی به وجود آورد و به وجود می آورد .

تذکر سیاسی استاد به حوزویان و علماء

من در بعضی از فضاهاى مجازى نامه هاى روشنفکران بیمار و آلوده را دیدم ، این هم جای دارد که من امروز تذکری بدهم به عزیزان مخصوصاً به علماء و حوزیان ما ، این بیماران غرب زده ما این روشنفکری بیمار آلوده ما هر از چند گاهی سر بلند می کد ، وقتی مردم در گرسنگی و در فقر و در فساد اقتصادی و فساد اداری دست و پا می زدند نامه نمی دادند نامه پراکنی نمی کردند ، اما جای داشت این نامه ها را می نوشتند جای داشت که مطالبه می کردند حق مردم را ، نکردند متأسفانه بلکه توجیه می کردند بلکه همراهی می کردند با همان سازمان آلوده در واقع غرب زده ایی که غرب زدگی همراه آن بود ، در واقع همراهی می کردند با آن جریان مدیرتی ایی که به تعبیر زیبای آقا که من در یکی از جلسات خبرگان این را خواندم و یکی از آقایان وزراء خیلی جا خورد که آقا می فرمایند که ما در مدیریت کشور مدیرانی را داریم فعلاً که به نسخه غربی اعتماد بیشتری دارند تا نسخه اسلامی ، اینها آنموقع داد نمی زدند چون خودشان اینطوری فکر می کنند و اینطوری بودند ، اما الان که جریان انقلابی آمدند و نشان دادند که می شود با خلاصه اعتماد به وعده الهی و با یک برنامه متقن بیائیم و فساد را مقابله کنیم کارخانه های معطل را راه بیاندازیم ، آلودگی هایی که در خصوصی سازی ها و برنامه های مختلف بود برطرف کنیم ، الان که می شود این کار ها را کرد الان شروع کردند به نامه پراکنی ، الان دوباره شروع کردند بحث آزادی ، الان دوباره رفتند در مقوله آزادی و فرهنگ و مقولات دیگر ، خوب ما این جریانات را می شناسیم ولی علماء ما باید این جریانات را رسوا کنند ، بشناسانند با قوت باید اینها را بگویند نقد کنند بررسی کنند ،

جریان شناسی مطالبات رهبری

لذا من در بعضی از جلساتی که خدمت بعضی از نخب مان بودم ، روی این مسئله تاکید کردم ، تاکید کردم جریان شناسی مطالبه رهبری را خوب پیگیری کنید ، جریان شناسی مطالبه آقا را محدود نکنید به این انتخابات ، محدود نکنیم به این دولت نا توان و ضعیفی که منشاء خیلی از مشکلات ما بو ، بلکه جریان شناسی را یک مقداری عمیق تر ببینیم ، در دوره جهاد اکبر آن جریان شناسی را آقا تعقیب می کردند که رسوخ فساد و آلودگی و غرب زدگی و نگاه به بیگانه و اعتماد به دشمن مان در واقع در یک جریانی بعد از دفاع مقدس شروع شد ، و نشان دادند که این جریان در دوران جهاد اکبر یعنی در دوران درون سازی و تمدن سازی است که خیلی وقت ها مشکل ایجاد می کند و در انقلاب نخستین صدر اسلام به تعبیر آقا ، در دوره جهاد اکبر ما مشکل پیدا کردیم واقعاً مشکل پیدا کردیم و آقا فرمودند که علت آن هم این بود که خواص کار را گذاشتند زمین ، خواص آن رسالت تبیین و جریان شناسی را انجام ندادند ، یک مدت کوتاه انجام دادند بعد که فشار آمد رها کردند ، تعبیر آقا این است ،

من خواهش می کنم حواس مان را بدهیم الان که انشاءالله داریم می رویم به سمت حل مشکلات مردم این جریان شناسی را هم تعقیب کنید و مدل شناخت آسب های اساسی را که امام (ره) بزرگوار ما تشخیص دادند و ایستادند و حتی در وصیت شان تاکید کردند به اینکه حواس تان به این جریان ها باشد ، در بیانات مختلف شان تاکید کردند که حواس تان به این جریان ها باشد ، من خواهش می کنم حوزه علمیه ، دانشگاه ، علماء خوب ما علماء انقلابی ما چه در حوزه و چه در دانشگاه در این دوره هم این جریان جریان شناسی را رصد کنند ، اخیراً عرض کردم دیشب من نامه ایی را دیدم و نامه هایی که متاسفانه توسط یک عده عالم آلوده ، یک عده عالم مسئله دار به تعبیر حضرت امام (ره)

خدا رحمت کند ایشان را ، اینها دارند شروع می کنند این جریان سازی ها را که طعم این شربنی را که انشاءالله بواسطه عمل به منویات امامین انقلاب و تحقق عدالت و مبارزه با فساد بخواهد در کام ملت شربنی بیاید باز دوباره می خواهند برایش مسئله سازی کنند ، ما باید این جریانات را تعقیب کنیم خواهش دارم ، فرصت ندارم الان وقت درس است ولی باشد که من یک بار دیگر و چند بار دیگر بیایم و اینها را به تفصیل بگوئیم ما به نظرمان در مسئله فقه خمینی و تحقق فقه کبیر امام (ره) چه در فقه اکبر چه در اوسط و چه اصغر ، شناخت این جریانات و جریان شناسی ها و طراحی یک دستگاه قوی استنباطی که بتواند این ریشه ها را درمان کند و نگذارد که این ریشه ها و آلودگی های فکری خلاصه اثر گذار باشد ، بتواند یک سازمان فکری قوی این کار را انجام بدهد ، و بزرگان ما خدا رحمت کند شهید آیت الله مطهری را ، خدا رحمت کند شهید آیت الله بهشتی را خدا حفظ کند مقام معظم رهبری را ، خدا رحمت کند خیلی از بزرگان ما آیت الله فاضل (ره) استاد ما را ، آن موقع ایی که علیه خاتمی ارشاد قم را شوراندند احساس کردند که بله این جریانات فکری خلاصه این طوری کار می کند و این جریان سازی ها این طوری کار می کند ، حالا ما باید بگوئیم که خدا رحمت تان کند که بد تر از خاتمی هم پیدا شد ،

مدیریت جریان های فکری در کشور

بینید این مسائل امروز ما است که اگر این جریانات فکری را مدیریت نکنیم اگر این جریانات فکری را سازمان ندهیم ، اگر اشکالات مدل اسلامی ایرانی را تبیین نکنیم آن طوری که مرحوم آقای مطهری تبیین کردند ما دچار مشکلاتی خواهیم شد ، حواس مان باشد که انشاءالله این جریان شناسی را و این مطالبه گری رهبر فرزانه انقلاب را از حوزه از دانشگاه از فرهیختگان از نخب و خواص حفظ کنیم و بایستیم پای این مسیر نورانی و نگذاریم که خدای ناکرده مکتب حاج قاسم ما مرد میدان ما و این

مردم میدان انقلاب اسلامی که با یک امیدی و با یک اعتقادی به وعده الهی وارد این میدان ها می شوند و ما را یاری می کنند ما هم باید آنها را یاری شان کنیم ، شما هم خواص باید هوشیارانه این جریان شناسی را انجام بدهید ، این کاری بود که وجود مقدس ثامن الحجج در هجرت به ایران انجام دادند ، تبعاً لجدّ بزرگوار شان وجود مقدس امام صادق علیه السلام جریان شناسی فکری را برنامه ریزی کردند شناسائی کردند و یک توحید راقی و قوی را برای تبیین انسان در افق ولاء ارائه کردند امام (ره) صادق سلام الله علیه و فرزند بزرگوار ایشان ثامن الحجج عالم اهل بیت علیهم السلام اینها کار بزرگی است که باید انجام بشود ،

امیدوارم انشاءالله خدای متعال از همه شما و همه حاضران در این جهاد مقدس این تلاش ها را قبول کند و برکت بدهد و انشاءالله این جهاد و این تلاش ادامه پیدا کند که بنده عرض کردم علائم بعضی نزاعات جدی را که این جریان می خواهد برای انقلاب اسلامی حاکمیت و نظام ما به وجود بیاورد را می بینم و لذا دعوت می کنم همه فرهیختگان را همه بزرگان را همه عزیزان را که با هوشیاری انشاءالله این مسیر نورانی را انشاءالله مراقبت کنند پاسداری کنند و کمک بکنیم به این دولت انقلابی که انشاءالله این کار به سر منزل مقصود در همه ابعاد موثرش برسد انشاءالله .

ما سه شنبه و چهارشنبه ، چون مدل ما را آقایان می دانند قائل به جمع بین تکالیف هستیم هم در میدان بعضی از جلسات کاری در بعضی از استان های کشور عشایر غیور مان ناگزیر به حضور بودیم و هم درس را می دادیم ، یک جاهایی در بعضی از مناطق کوهستانی یا غیر کوهستانی اشکال اینترنتی عارض ما شد و یک مقداری بنده نسبت به بعضی از عزیزان بزرگوار سه شنبه و چهارشنبه یک مقداری شرمندگی عارض شد و انقطاعی به وجود آمد در بعضی از مطالب درسی ، آن مقدارش را که آقایان از این مجموعه رویکا استفاده می کردند حالا آنهایی که زنده استفاده می کردند یا آنهایی

که بعداً از سامانه استفاده می کردند منعکس است ، اما یک مقدار انقطاع دارد من سعی می کنم چون قرار بود که ما یکی دو روز اول هفته بحث را جمع کنیم حالا با یک مروری برای اینکه آن انضباط را حاکم کنم اگر انقطاعی حاصل شده و بعضی ها با من تماس گرفتند و صدا را نمی شنیدند یا بعداً بعضی از این مطالب منعکس نشده است در این سامانه خیل عذر خواهی می کنم و سعی می کنم انشاءالله یک مقداری جمع و جور کنیم که بحث ما هم تا انشاءالله این چند روزه فقه و اصول جمع و جور بشود به فضل پروردگار .

فرمایشات آیت الله فاضل ذیل کلام محقق نائینی

خوب بحث اصولی ما فرمایشات استاد بزرگوار ما حضرت آیت الله فاضل (ره) بود در ارتباط با نقد و بررسی فرمایشات محقق نائینی (ره) ، ما هم داشتیم فرمایشات استاد را جمع بنی می کردیم اجمالاً مطلب ما به اینجا رسید با استاد که تقریباً ما سه مسئله مهم را می خواستیم در فرمایشات ایشان بررسی کنیم ،

اعتراض اول به شرطی که محقق نائینی لحاظ کردند

مسئله اولی که تا حدود زیادی آن را بررسی اش کردیم و فقط نتایج آن را عرض کنم این بود که استاد در واقع به محقق نائینی (ره) اعتراض می کردند که شما در عموم و خصوص من وجه قائل هستید به اینکه فقط ترکیب انضمامی داخل در بحث ما است ، و لذا العلماء و الفساق اکرم العلماء و لا تکرّم الفساق را به جهت اینکه برای آن ترکیب اتحادی قائل بودید داخل در متعارضین قرارش دادید ، استاد اعتراض کردند که نه ،

شرطی که آیت اله فاضل برای جریان نزاع لحاظ کردند

ما به تبع مرحوم آخوند احراز ملاکین را شرط داخل شدن در محل نزاع می دانیم لذا اگر علماء و فساق هم ملاکین در آنها احراز بشود داخل در محل نزاع هستند ، مانعی ندارد که ترکیب اتحاد باشد و ، خوب ما در اینجا گرفتار شدیم یک چند نکته را عرض کردیم :

مقایسه فرمایش آخوند و محقق نائینی و نقض فرمایش آیت الله فاضل در این باره

نکته اول اینکه خوب ما اگر بخواهیم فرمایش محقق نائینی (ره) را با فرمایش مرحوم آخوند قیاس کنیم باید توجه داشته باشیم ، محقق نائینی (ره) می خواهد اصرار کند که ترکیب اتحادی در جایی است که ما با یک واقعیت کار می کنیم که به تعبیر خود استادمان حضرت آقای فاضل (ره) تعبیر سومی به وجود می آید ، یک واقعیت است از دو تا حیثیت یک چیز واحدی متولد می شود و به وجود می آید تقریباً و چون یک واقعیت است ما دیگر اینجا نمی توانیم دو ملاک داشته باشیم ، بحث اصلی این است با محقق نائینی (ره) ، لذا ایشان اصرار می کنند برای اینکه دو ملاک احراز بشود باید ترکیب انضمامی باشد ، استاد ما باید اینجا تعیین تکلیف کند مسئله را و اینجا باید نظر نهائی شان را بدهند که عرض می کنم امروز که ایشان به جهتی که از استادشان حضرت امام (ره) جدا شده اند اینجا مشکل پیدا کرده اند و الا این کافی نیست که من بیایم و خلاصه تبدیل کلمه ایی به کلمه ایی بکنم بگویم نه شما با ترکیب انضمامی کار می کنید و من با احراز ملاکین ، محقق نائینی (ره) می گویند یعنی چه ؟ یعنی شما می توانید در جایی که یک واقعیت دارد دو ملاک را احراز کنید ؟ اگر می توانید خوب این بحث اصلی ما است ، این نکته اول ما است که توضیحش را تا حدودی دادیم .

در نظر گرفتن قیدی دیگر در عام و خاص من وجه و جدایی از حضرت امام ره

نکته دومی که ما اینجا تاکید می کردیم این است که پس بالاخره استاد ما در عام و خاص من وجه قائل به یک قیدی است دیگر، یعنی رسماً ایشان باید اعلام کنند که من از استاد حضرت امام (ره) جدا شدم، امام (ره) در جایی تغایر دو عنوان محرز است می گویند نزاع جاری است، هیچ شرطی هم نداریم، نه احراز ملاکین لازم است و نه ترکیب انضمامی، اگر شما استاد بزرگوار ما می خواهید بگوئید چرا ما یک شرطی داریم، شرط مان این است که در واقع ملاکین اجراز بشوند، خیلی خوب پس شما در عام و خاص من وجه این را قائل نیستید، در هر عام و خاص مطلقاً این را قائل نیستید [بلکه] یک شرطی قائل هستید نمی توانید بگوئید در هر عام و خاص من وجهی مطلقاً نزاع جاری است، نمی توانید این را بگوئید، پس نباید خلاصه اینجا بگوئید که ما آن مسیر را رفتیم حالا بعداً در بحث های بعدی می بینید که استاد یک مقداری مشکل پیدا می کنند،

اشکال به آیت اله فاضل و خوب تبیین نشدن سه شرط محقق نائینی

حالا قبل از آن هم یک اشکال دیگری داشتید که ایشان در بیان فرمایش محقق نائینی (ره) در درس شان که ما خودمان نوشتیم و الان اصول فقه شیعه سری کامل است این نکته را خوب تبیین نکرده اند که محقق نائینی (ره) در واقع با این سه تا شرط می خواهد ملاک تعارض از تراحم و اجتماع امر و نهی را جدا کند و می خواهد همه این موارد را برگرداند به متعارضین به دلیل وجود ترکیب اتحادی، این را در بیان فرمایش محقق نائینی (ره) خوب بیان نکرده اند استاد سر بحث خودشان ولی در پاسخ آورده اند، که خوب حالا آن اشکال اشکال به بیان بود ولی این دو تا اشکال اخیر که در واقع فارق بیان خودشان یعنی احراز ملاکین و ترکیب انضمامی است اصلاً فارقی وجود دارد در فضای فرمایش محقق نائینی (ره) یا اینکه نه و اینکه بالاخره ایشان در جایی که تعدد عنوان وجود دارد و تغایر دو

عنوان را ما داریم شرط دیگری را قائل هستند یا قائل نیستند ، اگر قائل هستند باید رسماً بگویند که ما برای عموم و خصوص من وجه یا مطلق شرطی را قائل هستیم و آن شرط هم می شود احراز ملاکین و اگر نتوانند آن مسئله را با محقق نائینی (ره) حل کنند ، احراز ملاکین بازگشتش به ترکیب انضمامی است اگر نتوانند آن مسئله را با محقق نائینی (ره) حل کنند ، یعنی عملاً ما تسلیم فرمایش محقق نائینی (ره) شدیم ،

تکمیل فرمایش تلامذه حضرت امام توسط استاد

خوب حالا تکمیل کنیم این بحث را ، ریشه این مسئله می دانید بر می گردد به این نکته که اولاً ما چند بار تا الان تذکر دادیم که در فرمایشات تلامذه امام (ره) مثل استاد بزرگوارمان آیت الله فاضل (ره) یا بعضی از بزرگان حال حاضر این نکته خوب بیان نمی شود و آن نکته این است که جواز می تواند جواز در وادی جعل باشد و میتواند جواز در وادی امتثال باشد ، جواز در وادی جعل را محقق نائینی (ره) کأنّ می خواهد بگوید که من می توانم با تعدد عنوان حل کنم ، اما جواز در وادی امتثال و لزوم تحصیل ملاکین است که من را وادار می کند ترکیب انضمامی بگویم ،

ملاحظه می کنید الان این بحثی را که الان من مطرح کردم که احراز ملاکین بر می گردد به ترکیب انضمامی این مال وادی امتثال است ، بنابر سیستم محقق نائینی (ره) و تلامذه محقق نائینی (ره) ، مخصوصاً محقق خوئی (ره) و مرحوم آقای مظفر ، البته مرحوم مظفر مخالفت کرده است با آقایان ولی می گوید که نظر آنها این است ، ببینید اگر کسی خوب سر آن نکته رئیسی که ما دائم تاکید می کنیم شاید این اتفاق نیافتد این طور رهنز نشود بحث برایش ، یعنی متوجه باشد که ما وقتی می

گوئیم علی القول به جواز نیاز به ترکیب انضمامی داریم عمده تمرکز مان سر جواز حیث ملائین است ، یعنی جواز وادی امتثال ، یعنی کسی که می خواهد برود در وادی امتثال یعنی در متن واقع خارجی تحصیل ملائین کند ، محقق نائینی (ره) می خواهند بفرمایند در اجتماع امر و نهی نه اینکه قرار است که این اتفاق بیافتد این اتفاق فقط در ترکیب انضمامی قابل افتادن است ، این نکته ایی است که چند بار گفته بودیم .

مشکل آیت اله فاضل با حضرت امام (شرط جدایی باب تعارض و تراحم)

نکته بعدی که باز ریشه ایی تر از این است آن نکته ایی است که استاد بزرگوار ما آیت الله فاضل (ره) با استادشان حضرت امام (ره) یک مشکلی پیدا کردن ، مشکل مهمی که استاد ما حضرت آقای فاضل (ره) با استادشان حضرت امام (ره) پیدا کردند سر آن بحث مهمی بود که با مرحوم آخوند داشتند که ایشان در این بحث هم اینجا این را اشاره می کنند ، و آن این بود که محقق خراسانی (ره) آمدند یک مبنائی را قائل بشوند برای آن که عموم و خصوص من وجه باب تعارض را از عموم و خصوص من وجه باب تراحم و باب اجتماع جدا کنند ، اسمش را گذاشتند احراز ملائین ، که کأن ما در عموم و خصوص باب تعارض یک ملاک داریم در عموم و خصوص باب تراحم و اجتماع ما یک ملاک دارم ، استاد ما اینجا با استادشان حضرت امام (ره) مشکل پیدا کردند و ما آن موقع که این بحث را می کردیم گفتیم دو تا مسئله مهم برای استاد در اینجا پیش آمده است ، یکی اینکه آن نکته امام (ره) را که در المحصول صاحب المحصول ذکر کردند و خیلی هم به آن می بالند این است نگفتند ،

نکته ای در بیانات حضرت امام که صاحب المحصول ملتفت بودند اما آیت اله فاضل ذکر نکردند

یکی این است که سر اصل مسئله با امام (ره) اختلاف نظر پیدا کردند ، آن نکته ایی را که باید می گفتند و نگفتند آن نکته ایی است که صاحب المحصول هم خوب به آن پرداخته اند ، و آن این است که امام (ره) گفته است که به نظر من مرحوم آخوند چرا این کار را کرده است ؟ چون مرحوم آخوند دیده است که آقایان در باب متعارضین متعرض باب اجتماع نمی شوند ، یعنی در باب تعارض وقتی می رسند به عموم و خصوص من وجه و قواعد باب تعارض را می خواهند اعمال کنند هیچ کس نمی آید بگوید که یکی از راه حل های باب تعارض این است که من قائل بشوم به جواز اجتماع امر و نهی ، بعد امام (ره) می فرمایند مرحوم آخوند چون این در ذهن شان آمده خواستند این را حل کنند ، که آقای سبحانی می فرمایند استاد ما حضرت امام (ره) خیلی زیبا متفطن این نکته شده است ، خوب این نکته که اصلا در بیانات استادمان حضرت آیت الله فاضل (ره) نیست .

همراهی کامل نکردن بحث امام ، توسط صاحب المحصول

نکته مهم تر از این نکته این است که اصلا در اصل مسئله جدا شدند از امام (ره) ، آقای سبحانی این نکته اول را گفتند در ادامه با امام (ره) نرفتند ، ایشان [آیت الله فاضل] نکته اول را نگفتند ولی صریحاً با یک نکته روشنی از امام (ره) جدا می شوند ، امام (ره) وقتی آن نکته اول را می گویند که مرحوم آخوند خواسته عام و خاص من وجه باب تعارض را از عام و خاص من جه باب اجتماع جدا کند ، بعد خود امام (ره) جواب دادند که اصلا نیازی نبوده که این کار را بکنند چون تعارض در باب متعارضین عرفی است تعارض در باب اجتماع عقلی است ، بر اساس این مدل که امام (ره) اصلا می

خواهد بگوید که تعارض در یک جا عرفی است و در یک جا تعارض عقلی است خواسته بگوید که اصلاً اینها اختلاطی با هم نداشتند که مرحوم آخوند نگران بشود و برود اینها را از هم جدا کند ، حالا ملاک تعارض عقلی را بعد امام (ره) تبیین کرده اند که ملاک تعارض عقلی را بعد امام (ره) تبیین کرده که ملاک تعارض عقلی حالا مثلاً یک بحث کبروی یا صغروی است در بحث اجتماع ضدین مثلاً در مدرسه مرحوم آخوند که حالا بعداً ممکن است که ما در مورد اجتماع ضدین آن بحث داشته باشیم ، خوب توجه کنید امام (ره) در آنجا می فرمایند اگر کسی متوجه بشود که یک بحث عقلی دارد صورت می گیرد در اجتماع امر و نهی ، آنجا اصلاً بحث عقلی نیست ، لذا آنجا امام (ره) می فرمودند در همین بحث مرحوم آخوند که ما مثلاً بین صلاة و غضب عرفاً تعارضی داریم ولی عقلاً یک تعارضی به وجود می آید ، لذا اگر کسی مسئله را برد سراغ تفکیک فهم عرفی از فهم عقلی و گفت یک تعارض عقلی وجود دارد با بعضی از مبانی که آقایان می خواهند این را حل کنند و این تعارض عقلی در فضای عام و خاص من وجه شکل می گیرد و این هیچ ربطی به آن تعارض عرفی که در باب متعارضین دارند ندارد ، استاد ما اینجا از استادشان حضرت امام (ره) جدا شده اند ، چون جدا شده اند گرفتار این نکته می شوند

خلاصه فرمایش حضرت امام ره (نفی شرط احراز ملاکین)

امام (ره) خلاصه حرف شان این است شما اگر بحث را بردید در اجتماع امر و نهی سر تعارض عقلی دیگر هیچ کار با ملاکین ندارید ، ملاکین هم نباشد بحث تعارض عقلی دارید ، بله در ملاکین بخاطر جواز در وادی امتثال این بحث پیش می آید ، ولی قوام تعارض عقلی به این نیست ، من استدعاء می کنم که خوب توجه بفرمائید این سازمان بسیار زیبایی را که اما ارائه می کنند

امام(ره) می خواهند بفرمایند که اگر کسی این مسیر ما را برود که مسیر روشنی است آنموقع می گوید من چه کار دارم به احراز ملاکین ، برای تبیین مسئله عموم و خصوص من وجه باب اجتماع ، لذا من هیچ شرطی برای آن قائل نیستم ، این اولاً

حل شبهه ملاکین در تبیین جواز توسط امام ره

ثانیا : جواز را هم که می خواهم تبیین کنم (انشاءالله می رسیم) در جواز در وادی امثال هم حتی که شبهه ملاکین پیش می آید ما می خواهیم باز می توانیم حل کنیم با تغایر دو عنوان لذا هیچ شرطی قائل نمی شویم ، استاد ما حضرت آقای فاضل(ره) اینجا گرفتار شده اند شلوغ می شود مطبق شان ، از یک طرف مجبور هستند که احراز ملاکین را بیاورند ، چون در آن بحث تعارض عرفی و فرق تعارض عرفی و عقلی یک جور حرف زده اند ، ما آنجا البته ما نشان دادیم که ایشان می گویند ما با امام(ره) مخالف هستیم یک جا هم دوباره حرف امام(ره) را می زنند ، روشن نمی شود مسئله ، کما اینکه حضرت آقای سبحانی خود ایشان اصلاً صریحاً نکته اول را می گویند به عنوان مدح امام(ره) ، اما در نظر نهائی شان می روند به سمت محقق نائینی(ره) ، اینجا هم که اصلاً بحث درستی نکرده اند سر این بحث ها شروطی که محقق نائینی(ره) قائل هستند در عام و خاص من وجه ،

ترسیم سازمان بحث توسط استاد

ببینید این دوتا نکته مهم که من عرض کردم که یک کسی آن حدس قوی امام(ره) را در توجیه مرام مرحوم آخوند بگوید بعد آن جواب قوی امام(ره) را به مرحوم آخوند بگوید بعد روشن بشود که اگر بحث بحث تعارض عقلی است و این تعارض عقلی در اجتماع امر و نهی هیچ ربطی به آن تعارض عرفی ندارد لذا ملاک وجود تعارض عقلی و عدم تعارض عقلی به کجا بر می گردد که امام(ره) می

خواهد بگوید برای حل این تعارض همان تعدد عنوان کافی است ، حتی اگر کسی مسئله تحصیل ملاکین برایش مبناء قرار بگیرد ، حالا این را من باز یک مختصر توضیحی می دهم امروز هم ما باید بحث فقه را جمع کنیم که بیافتد سر یک روالی ، اگر این سازمان را کسی خوب ملتزم بشود آنموقع دچار یک چنین مشکلاتی که استاد بزرگوار ما حضرت آقای فاضل(ره) شدند نمی شود این بخش را که جمع می کنیم تازه می شود نکته اول ما ، یک تعبیری هم درباره ترکیب اتحادی و انضمامی محقق نائینی (ره) داشتند که آن را هم یادآوری می کنم ، یک مسئله هم درباره سبب و مسبب تولیدی داشتند که آن را هم انشاءالله عرض کردم باید این سه نکته نهائی بشود که این بحث ما با استاد بزرگوارمان تمام بشود ، ولی عبارات ایشان را در تقریر حضرت امام (ره) در معتمد الاصول ملاحظه کنید که معلوم بشود که مشکل ما با استادمان یک مقداری عمیق تر می شود یعنی ایشان ازابتداء تبیینی که برای فرمایشات استادشان حضرت امام (ره) می آورند به نظر ما یک مقداری نا تمام است و اگرهم دچار مشکلاتی می شوند به این دلیل است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۰۰/۳/۳۰

جلسه ۱۴۵

استاد شیخ عبدالکریم فرحانی (دام غزه)

خارج اصول فقه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جدایی آیت اله فاضل از استادش در بحث فرق باب تعارض و اجتماع و تزامم

بحث ما در ارتباط با بررسی فرمایشات استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله فاضل (ره) بود عرض کردیم که مشکل مهمی استاد ما دارند و آن مشکل این است که در بحث فرق باب تعارض و اجتماع و تزامم از استادشان حضرت امام (ره) جدا شدند و این جدا شدن سبب شده است که مسئله مبناء بحث در توضیحات ایشان گم بشود .

عبارت حضرت امام در تهذیب و توضیح مختصر استاد

استاد ایشان حضرت امام (ره) همان طوری که اشاره کردم و قبلاً هم خوانده بودیم عبارت شان در تهذیب این است و علیه فكل ما عدّه عرف متعارضاً مع الآخر فإن احرز المناط فيها فهو داخل في باب التعارض امام (ره) قشنگ اینجا ملاک را بیان کردند فرمودند که تعارض یک عنوان عرفی است هر چه را که عرف متعارض با دیگری ببیند ولو مناطین را واجد باشد ما نمی توانیم بگوئیم چون مناطین را واجد است برود در باب اجتماع ، نه چون عرف متعارض می بیند می رود در باب اجتماع ، و لابد فيه من اعمال قواعد آن موقع

متعارضین و قواعد باب تعارض

اگر متعارضین شدند قواعد باب تعارض من الجمع و الترجیح و الطرح دیگر حالا جمع عرفی اگر امکان دارد اگر نه باید ترجیح بدهیم آن را که مرجح دارد اگر هم نه طرح کنیم همان ضوابط باب تعارض که انشاء الله می آید ، کما أن ما لم یعدّه متعارضاً اگر یک چیزی عرف متعارض ندید و آنف

بینهما توفیقاً و عرف گفت که اینها با هم جمع عرفی دارند و آنّ عدّهما المتعارضین عقل می گوید اینها متعارض هستند ، ربطی ندارد به باب تعارض چون تعارض عقلی می شود ، اگر عرف گفت نه اکرم العلماء و لا تکرم الفساق جمع عرفی دارند مثلاً ، اکرم العلماء و لا تکرم الفساق من العلماء چون حالا آن من وجه در جمع عرفی اش اختلاف است اما عام و خاص مطلق اشکال ندارد وقتی عرف می گوید اینها تعارض ندارند و جمع عرفی بین آنها وجود دارد خوب چه اشکال دارد ما آن را مجبوریم که از باب تعارض بیرون ببریم چون عرفاً متعارض نیستند ، اگر چه عقلاً در آنها تعارض باشد .

خلاصه مبنای امام ره

لذا امام (ره) می فرمایند ما مجبوریم که هر جایی که تعارض عقلی وجود دارد ببریم در باب اجتماع و إن لم یحرز المناط فیهما ولو مناطی در آنها احراز نشود ، و بالجمله خلاصه این مبناء امام (ره) است که گفتیم این مشکل استاد ما است موضوع باب التعارض خلاصه موضوع باب تعارض هو الخبران المختلفان و المناط فی الاختلاف هو الفهم العرفی و الجمع هناک عرفی لا عقلی خیلی این حرف زیبا است ، شما در باب اجتماع بنابر جواز جمع می کنید اما جمع تان عرفی نیست عقلی است ، بنابر امتناع تعارض دارید تعارض تان عقلی است ، حالا امتناعی می گوید مثلاً این صغرای مثلاً اجتماع ضدین است ، جوازی می گوید نه صغرای اجتماع ضدین نیست و در هیچ مرحله ای تضاد یا هر باب دیگری که عرض کردم درباره اینکه تضاد اینجا هست یا نیست بعداً نظر می دهیم در قول مختارمان ، ولی بحث عقلی می کنیم ، امتناعی می گوید تعارض عقلی وجد دارد ، جوازی می گوید تعارض عقلی وجود ندارد ، جمعی وجود دارد بین تکلیفین آن جمع جمع عقلی است عرفی نیست ، چرا؟

فإنَّ المسئلةَ عقليةً در باب اجتماع دارید با عقل کارمی کنید ، فلا ربط بين البابين اصلاً بين دو باب تعارض که موضوعش را عرف می گوید حکمش را عرف می گوید ، محمول را عرف می گوید، عرف می گوید این جا توفیق عرفی وجود دارد جمع عرفی وجود دارد ، جمع عرفی وجود ندارد باید اعمال مرجح [بشود] عرف باید اینها را تشخیص بدهد ، فما ادعى من المناط غير تام

اشکال حضرت امام ره به محقق خراسانی

لذا آنجا امام(ره) از مرحوم آخوند جدا شدند و گفتند که آن حرفی که مرحوم آخوند زده اند غیر تام است طرداً و عکساً ، می تواند یک چیزی مناطین را داشته باشد و برود در باب تعارض اگر عرف تشخیص داد ، می توان مناطین را نداشته باشد برود در باب اجتماع اگر عقل تشخیص داد که اینجا یک تعارض عقلی وجود دارد ، این حرف [مرحوم آخوند] نه طرداً درست است نه عکساً ، نه مانع اغیار است نه جامع افراد است ، این مطلب اما عرض کردیم محل اصلی گرفتاری استاد ما است .

درگیری مبنایی حضرت امام با محقق نائینی

امام (ره) بر اساس این مبناء با محقق نائینی (ره) درگیر شدند و قبلاً خواندیم و بذلک يظهر أن ما ذكره بعض الأعاظم اینچه که بعض اعاظم یعنی محقق نائینی (ره) بیان کرده آن که أن المسئلة محققة لموضوع التعارض که مسئله اجتماع موضوع تعارض را درست می کند ، امام (ره) می گوید کدام تعارض را درست می کند ؟ موضوع تعارض عقلی بله ، اما ربطی به تعارض عرفی ندارد ، کما أن ما ادعیه بعد برهمن اساس آن سازمان را در می آورد کما أن ما ادعیه من أن التمايز بين البابين محقق نائینی (ره) ادعا کرد که تمایز بین باین یعنی تمایز بین باب تعارض و اجتماع این است که در تعارض

ترکیب اتحادی است در اجتماع ترکیب انضمامی ، امام(ره) می گویند این مبنائش این است که چون فارق را قائل نیست لا یرجع الی محصل خود این حرف نا تمام است و

اشکال بنایی و مبنایی حضرت امام ره به محقق نائینی (ترکیب انضمامی و اتحادی) سیتضیح آن حیث ترکیب الانضمامی و الاتحادی هم خود حرف غلط است و هم مبنائش نا درست است ، چرا مبناء نادرست است ؟ چون ما مبناء را هم قبول نکردیم ، حتی اگر این حرف را هم قبول کنیم ، ما می گوئیم می شود ترکیب اتحادی باشد برود در باب تعارض ، هیچ اشکالی ندارد یعنی احراز مناطین می کنید با ترکیب ^۱ ، می شود ترکیب انضمامی باشد اتحادی که در تعارض بود ، می شود ترکیب انضمامی باشد یعنی شما احراز مناطین بکنید ولی برود در باب تعارض ، اگر عرفاً متعارض باشند ، می تواند ترکیب اتحادی وجود داشته باشد ولی برود در باب اجتماع اگر بحث تعارض عقلی وجود داشته باشد ،

امام (ره) می خواهند بگویند که من هم مبناء را قبول ندارم چون محقق نائینی (ره) با انضمامی می خواست ملاکین را در بیاورد ، امام (ره) می گفتند خیلی خوب شما ملاکین را در بیاور، ولی رسیدن به ملاکین الزاماً آن را از تعارض عرفی خارج نمی کند ، کما اینکه در واقع نرسیدن به ملاکین آن را از اجتماع خارج نمی کند

مبنای حضرت امام در تعارض

ما یک مبنائی داریم تعارض عرفی و تعارض عقلی ، تعارض عرفی یک عنوانی است که ملقاء به عرف است ، تعارض عقلی یک بحثی است که ربطی به عرف ندارد ، الان صلاة و غضب را درست

^۱ در اینجا استاد خواستند کأن کلام ما قبل را تصحیح کنند

کنیم صلاه و غضب وضعیتش چطور است؟ صلاه و غضب عرفاً تعارض ندارند، عرف هر چه که نگاه می کند ربطی ندارند صلاه و غضب با هم، مزاحم هم نیستند در دلالتی و مدلولی کار با هم ندارند اما صلاه و در دار غضبی در محکمه عقل یک تعارض عقلی در آن وجد دارد علی الامتناع و عدم تعارض عقلی در آن وجود دارد علی الجواز، بحث عقل است

دو مرحله ای کردن جواز

حالا آن پله بعد را هم همین جا به آن اضافه کنیم که چند بار، اگر این دفعه کسی جواز را دو مرحله ایی کرد و گفت جواز در وادی جعل تعارض ندارد، جواز در وادی امتثال تعارض دارد، داشته باشد، عقلاً تعارض دارد یا جواز در وادی امتثال تعارض ندارد، عقلاً ندارد که حرف مهم خود ما است که حالا می گوئیم ببینیم، پس ملاحظه می کنید من دوباره کل مطلب را عرض کردم اگر کسی مبنائش را در مسئله تعارض و اجتماع عقلی و عرفی کرد، یک و در ارتباط با جواز دو فضای جعل و امتثال را جدا کرد، دو، آن موقع میتواند در این رابطه اظهار نظر عقلی کند، ما معتقد هستیم که استاد بزرگوارمان حضرت آقای فاضل (ره) مشکل مهم شان این است که اینجا نتوانسته اند همراهی کنند،

تبیین مجدد، جدایی آیت اله فاضل از امام ره

استاد ما حضرت آقای فاضل (ره) در آن بحث در مسئله تعارض گفتند نه ما قبول نداریم که تعارض دو عنوان عرفی است چون در متعارضین حکم عقل را هم بحث می کنیم، حالا ما آنجا بحث کردیم و به ایشان جواب دادیم ولی ایشان چون آنجا از امام (ره) جدا شدند آن موقع این تفکیک باب تعارض از باب اجتماع برایش درست نشد آمد و گفت ما در اجتماع احراز ملاکین می خواهیم، در متعارضین احراز ملاکین نداریم، بعد اینجا به محق نائینی (ره) جواب می دهند می گویند اگر ما در

موارد ترکیب اتحادی مسئله اجتماع را نداریم چون احراز ملاکین نکردیم ، در صورتی که در چند جای دیگر در بحث های قبلی شان این را نمی گفتند ، ما وقتی وارد فضای مسئله اجتماع می شویم می خواهیم ببینیم عقلاً تکلیفی که به دو عنوان متغایر خوردن تعارض عقلی پیدا می کند یا نمی کند ؟ همین ،

بله حالا اضافه می کنیم تعارض عقلی تاره در وادی جعل است و تاره در وادی امتثال ، استاد ایشان حضرت امام (ره) می خواهند بگویند در هر وادی باشند با تعدد دو تا عنوان مشکل حل می شود و ما نیازی به ترکیب انضمامی در هیچ وادی ای نداریم ، حالا جالب این است که خود استاد ما در پاسخ به محقق نائینی (ره) این مطالب را خود ایشان هم بیان می کنند ، که من جوازی هستم مطلقاً حتی در پاسخ به محقق بروجردی (ره) ایشان این را [بیان کردند] اگر یادتان باشد در ثمره ، که محقق بروجردی (ره) عملاً در وادی جعل جوازی بودند اما در وادی امتثال می گفتند که نمی شود ، مشکل مناط را پیدا می کردند ،

به اصطلاحی که خواهیم باز هم روی [بیان] محقق نائینی (ره) بگوئیم می گفت در ترکیب اتحادی مشکل پیدا می کنیم چون یک مناط بیشتر [نداریم] استاد ما جواب ایشان را دادند و گفتند که می شود لذا ثمره بار می شود علی القول به جواز یعنی صحت در دار غصبی درست می شود ، حیث مقربیت ، مبعدیت و تحصیل ملاک و تحصیل مناط و اشکالات آقای بروجردی (ره) اینها بود ، استاد ما آنجا جدا شدند از محقق بروجردی (ره) ، آن جدا شدن کاملاً درست است چرا درست است ؟ چون ما می خواهیم بگوئیم به صرف تعدد عنوان مشکل را حل می کنم نه در مقربیت مشکل دارم نه در مبعدیت مشکل دارم ، نه در تحصیل ملاک و مناط مشکل دارم .

بنابراین ببینید ما اصل مطلبی که خدمت استاد بزرگوارمان می گوئیم این است و اینجا ایشان دچار اشکال شده اند ، بر خلاف استادشان حضرت امام (ره) ، که امام(ره) آنجا در باب تعارض و اجتماع مبناء عرفی و عقلی شان روشن است

ضعفی که آیت اله فاضل در تقریر فرمایش امام ره دارند

و در این اشکالات محقق نائینی (ره) هم زیبا جواب می دهند و می گویند که شما به صرف تعدد عنوان می توانید مسئله جواز را درست کنید نه در جعل مشکل پیدا می کنید نه در مناط ، استاد ما نه متأسفانه این طور که استادشان حضرت امام (ره) گفته نمی گویند ، اگر کسی به تقریرات خود استاد در معتمد هم مراجعه کند یک چنین ضعفی در تقریر استادشان حضرت امام (ره) هست

اگر شما بخواهید ریشه این فاصله را هم ببینید بهترین جا این است که شما وارد بحث خود استاد بشوید ، استاد بزرگوار ما در تقریری که خود شان از فرمایشات استادشان دارند که خود شان معتمد را تقریر فرموده اند اگر فرمایشات استادشان حضرت امام (ره) شما مراجعه که می کنید می بینید این مشکل در آنجا هم تقریباً خودش را نشان می دهد ،

استاد در معتمد وقتی می خواهند فرمایش استادشان را تقریر کنند در ذیل امر سابع که قبلاً هم یک بخشی از آن را به یک مناسبت دیگری خوانده بودیم می رسند به این فرمایش محقق نائینی (ره) و نقد فرمایش محقق نائینی (ره) که تقریر بیان استادشان حضرت امام (ره) است ، ایشان خلاصه در تقریر فرمایش محقق نائینی (ره) ببینید

نقل کلام محقق نائینی در معتمد الاصول

اما العامان من وجه فقد يقال بدخوله في محل النزاع ليس على الاطلاق بل الظاهر اشتراطه ببعض القيود اين فرمایش محقق نائینی (ره) است و هو أن تكون هذه النسب أن سه شرط محقق نائینی (ره) را ذکر می کنند منتهی در اول تقریر خیلی روان است چون فرمایش امام (ره) است آن نکته دقیقاً در آن وجود دارد که محقق نائینی (ره) می خواهد بگوید هر چه این شرط ها را ندارد در باب اجتماع نیست در باب تعارض است ، صریحاً این را می گویند ، اولاً بین آن دو تا فعل باشد نه بین متعلق المتعلق که اینها را توضیح می دهند ، و اما اذا كانت النزاع ثابتة بين الموضوعين فهو خارج عن محل البحث بل هو مندرج في باب التعارض خیلی زیبا در این در تقریر می آید این نقطه قوت تقریر است و این در بیان خود ایشان وجود ندارد که قبلاً عرض کردم که باید صریح این مسئله را بگویند ولی در تقریرشان از حضرت امام (ره) وجود دارد ، كما أنه ليس من مسئله الاجتماع در بحث اسباب تولیدی که آن را هم انشاءالله بررسی اش خواهیم کرد اینها را هم نقل می کنند فإن القيام فعل الواحد و وجه خروجه عن محل النزاع أنه لما كانت تلك العنوانين من المسببات التي لم تتعلق الاردة المكلف بها اولاً و بالذات فلا جرم يكون متعلق التكليف هو السبب سبب هم یک واقعیت و هویت است ، آنموقع ترکیب انضمامی نمی شود اگر انضمامی نشد می رود در باب تعارض ، خیلی خوب اینها را بیان می کنند در تقریر ،

بعد می گویند اینجا فلا بد فی مثل ذلك من اعمال قواعد التعارض اول تقریر بیان استادشان حضرت امام (ره) را دارند از محقق نائینی (ره) ، خوب هم تقریر می کنند که عرض کردم که ای کاش همین تقریر را در درس خودشان هم بیان می کردند که خوب نشان می دهند که محقق نائینی (ره) در واقع .. بحثش ترکیب انضمامی است و هر جا هم که آن را از دست می دهند می روند در باب تعارض ،

نکته دیگر در تبیین کلام محقق نائینی (واقع خارجی و تحمل ملاک)

بعد توضیح می دهند حالا این نکته بسیار خوبی که نکته دوم تقریر ایشان است و سرّ فی ذلک سرّ اینکه محقق نائینی (ره) این کار را خواسته بکند این است که آن کلاً من الامر و النهی تعلق بموضوع خارجی امر و نهی می خورند به ... ملاک ، چون به واقع خارجی می خورند بخاطر حیث تحصیل ملاک آنموقع این واقع خارجی هر جا که انضمامی است می تواند دو تا ملاک را تحمل کند هر جا اتحادی است یک ملاک بیشتر در آن نیست ، این تقریر خیلی خوب و بیانی است که بیان محقق نائینی (ره) است در زبان استادشان ، خود استاد (حضرت آقای فاضل) هم این را قشنگ تقریر کرده اند از امام (ره) که ما مطالبه اول مان از ایشان آن است که ای کاش که در توضیح بیان محقق نائینی همین تقریراستادتان را می آوردید ، خیلی روان و روشن حیث مناط در آن وجود دارد ، تحمل دو مناطین در ترکیب انضمامی است نه در ترکیب اتحادی ، چرا مناط در آن است ؟ چون من می خواهم بروم جواز در وادی امتثال ، بروم مناط ها را تحصیل کنم ،

نقد کلام محقق نائینی توسط حضرت امام

خوب حالا امام (ره) در نقد این حرف یک جمله دارند ، می گویند من در تعدد عنوان مشکل را حل می کنم ، حتی مشکل واقع را حل می کنم ، باز این مطلب متاسفانه در در جواب آقای فاضل (ره) نیست ، چرا نیست ؟ چون اگر بود دیگر نمی توانست شرط کند احراز ملاکین را ، ایشان ترکیب انضمامی را می گذارند کنار ، اما احراز ملاکین را می آورند ، استاد شان می گویند نه ، و انت خبیر بعدم تمامیت کلامه شروع می کنند [تبیین] نقد امام (ره) را به محقق نائینی (ره) ، اما اعتبار کون التركيب اتحادی فلان الوجه می گویند چرا محقق نائینی (ره) رفته اند به دنبال ترکیب اتحادی یا انضمامی ؟ که حالا اینجا عبارت اگر برای اجتماع است اعتبار ترکیب انضمامی منظور است ، در

عبارت نوشته است ترکیب انضمامی محتمل ، منظور حالا انضمامی است در اجتماع ، اتحادی است در تعارض ، یا باید بگوئیم عبارت را باید اصلاح کنند ، اما اعتبار کون التركيب انضمامياً در باب اجتماع یا اتحادی در باب تعارض ، امام (ره) می گویند چون این رفته به دنبال ملاک خارجی و نحن سنبین فساد ذلك مفصلاً ما نشان میدهیم نه ، ما با تعدد عنوان مشکل مان حل است مطلقاً هم در جعل و هم در امتثال ، خیلی حرف اساسی ایی است ، این اصل مسئله است.

لذا استادشان حضرت امام(ره) خلاصه این است که شما حالا آن بحث بعد عبارت سبب تولیدی را می آورند که من در آن بررسی مسئله بعدی این را انشاءالله می گویم سر عبارات خود معتمد هم با آن کار داریم که باز ناقص است نسبت ، امام (ره) با این تبیینی که ارائه می کنند می خواهند نشان بدهند که من با تعدد عنوان مشکل همه مراحل را حل می کنم و چون با تعدد عنوان مشکل همه مراحل را حل می کنم فانقدح من جميع ما ذكرنا أن عامين من وجه و مطلقاً بدون هیچ شرطی فقط بخاطر تعدد عنوانش مشکلشان حل است و کذا لاعامين مطلقاً که حالا ما سر مطلقاً گیر داشتیم که استاد خوب تقریر نکرده بودند سر جای خودش ،

توضیح استاد برای برطرف شدن مشکل سازمان آیت الله فاضل و تبیین ناسازگار بیان

آیت اله فاضل با کلام استادش

پس ما می خواهیم بگوئیم که استاد بزرگوار ما در معتمد وقتی خواسته اند تقریر کنند نظر محقق نائینی (ره) را و تقریب کنند نقد استادشان را ، اگر سر این نکته بیشتر مانور می دادند که تعدد عنوان مشکل را حل می کند ، صرف تعدد عنوان مشکل را حل می کند ، مشکل تحصیل ملاکین واقع را حل می کند ، مشکل جعل و تشریح را هم حل می کند و عجیب است که این مختار خود استاد است و

حالا انشاءالله در مختارشان همین را می گویند ، ثمره را هم درست می کند ، در مقابل محقق بروجردی (ره) ، اگر این طور است دیگر شما چرا دنبال احراز ملاکین هستید در باب اجتماع ، ملاکین را برای چه چیزی میخواهید ؟ به نظر ما این بی انضباطی درست می شود خوب این اشکال اول ما حالا چون دیگر ما قبلاً هم خیلی اینها را توضیح دادیم همین مقدار هم کافی به نظر می آید که این ناسازگاری سازمان بیان استادمان را بدانیم و ریشه اش را هم بدانیم ، ریشه اش جدا شدن از استادشان در تعارض عقلی و عرفی است

جواز دو وجهی در بیان محقق نائینی ره

و دو : اینکه جواز محقق نائینی (ره) را باید توجه بکنند که هم در وادی جعل می خواهند بحثش را بکنند و هم در وادی امتثال و رفع اشکال چه در وادی جعل و چه در وادی امتثال با تعدد عنوان قابل انجام است کما سیتضح مفصلاً امام (ره) می خواهند بگویند که مفصلاً این طور است ، اینها در بیان استاد ما نیست ،

ریشه ضعف تقریر آیت الله فاضل

ریشه این نبودن هم ضعف تقریر بیان استادشان است در مقام جواب ، در مقام بیان محقق نائینی (ره) خیلی خوب تقریر کردند ، ای کاش که در درس خودشان هم همان بیان تقریر محقق نائینی (ره) را از بیان استادشان کامل می آورند اما در جواب تمرکز نکردند که ما با تعدد عنوان هردو را حل می کنیم و می توانیم ملاکین را مشکل مان را حل کنیم و بگوئیم حتی در جایی که ترکیب اتحادی است و یک

واقعیت وجود دارد شما میتوانید دو ملاک را تحصیل کنید و هیچ مشکلی هم پیدا نمی کنید ، خوب این نکته اول

عرض کردیم که اینجا یک عبارتی هم سر حیث ترکیب اتحادی و انضمامی داشته باشیم ، استاد بیانی که از محقق نائینی (ره) داشتند این بود که خواندیم و ملاحظه کردید که ما در واقع کأن در ترکیب اتحادی یک شیء ثالثی داریم ، وقتی دو تا حیثیت می آیند و می گوئیم این دو تا حیثیت اتحادی هستند اینجا یک شیء ثالثی داریم ، اینجا بعداً انشاءالله باید یک دقتی کنیم که اصلاً ما آنجا یک ترکیب می توانیم تعبیر کنیم یا بین حیثیات ...^۲ مختلفی دارند اینها را بیان می کنند

اشکال استاد به تعبیر ترکیب اتحادی و انضمامی

تعبیر به ترکیب یک مقداری محل اشکال است و من این تعبیری که به کار می برم ترکیب اتحادی است ، یک مقداری گیر دارم در آن ، یا ترکیب انضمامی است یک مقدار گیردارم، بله آن چه که در فلسفه جدی مطرح می شود این است که محمولات یا بالضمیم هستند یا من صمیم هستند ، محمولات بالضمیمه داریم ، محمولات من صمیم داریم ، ، خوب این حرف درست است عیبی هم ندارد که یک کسی مثل محقق خراسانی (ره) بگوید هر معقول اولایی محمول بالضمیمه است لذا این و وضع محمولات بالضمیمه هستند اما به آن می گویند ترکیب انضمامی ، این بحث است ، لذا آنجا بحث جدی می شود که این تعبیر به ترکیب یک مقداری خودش رهنز است ، مسامحه زا است ، بینید در بحث مرکبات و ترکیب یک بحث جدایی باید بحث کنیم که حیث عنوان ترکیب وقتی می آید در بحث وحدت و کثرت و اینها چه اتفاقی می افتد کما اینکه در آنجا بحث می کنیم که آیا هر

^۲ صوت قطع شده اما به نظر می آید که (عناوین مختلفی) باشد .

معقول اولایی حتماً می افتد در محمول بالضمیمه یا اینکه ما میتوانیم بعضی از معقولات اولی را هم محمولاً بالصمیم بدانیم ، یعنی باید قشنگ اینها را شماره گذاری کنیم سرش ، معقول اولی ، معقول ثانی ، معقول اولایی که محمول بالضمیمه است ، معقول اولایی که محمول بالضمیمه نیست ، که مثلاً در بدایه خواندیم مثل اضافه مثلاً ، محمولات سبعة نسبیه ، معقول اولی ، بله بعضی ها ممکن است که بگویند نه ، ملاک من در معقول اولی ، حتماً بالضمیم بودن است بعد که از ضمیم و صمیم خارج شدیم می رویم سراغ ترکیب ، واقعاً من در مفاهیم اعتباری ترکیب اتحادی دارم ، کلمه ترکیب در اینجا درست است ؟

لذا این تعبیراستادمان یک مقداری خودش مشکل دارد ،

مشکلی که در صورت استدراک حاصل می شود

بله اما اگر من بگویم نه این تعبیر را برای توضیح فرمایش محقق نائینی (ره) به کار می برم خوب آن موقع یک مشکلی پیش می آید که قبلاً عرض کردم که این دفعه شما چطوری می خواهید در واقع با توضیحی که برای محقق نائینی (ره) می دهید فارق بین احراز ملاکین را از ترکیب انضمامی در بیاورید دیگر آن توضیحات شما کافی نیست ، باید آن موقع در توضیح با محقق نائینی (ره) درگیر بشوید بگوئید بله شما چون ترکیب اتحادی را یک واقعیت می دانید یک ملاک دارید ، ترکیب انضمامی دو واقعیت است دو ملاک دارید ، باید این را آن موقع رد کنید بگوئید نه اصلاً ما ترکیب اتحادی نداریم که بگوئیم شیء ثالث به وجود آمد که بگوئیم یک ملاک دارد ، لذا ما اینجا هم یک مقداری مشکل داریم با استاد بزرگوارمان حضرت آقای فاضل (ره) درباره این تعبیر به ترکیب ،

مشکل سومی هم وجود دارد درباره آن بحث سبب تولیدی و مسبب تولیدی و آن را هم انشاءالله بیان
خواهم کرد به فضل پروردگار .

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

نقد ترکیب انضمامی (محقق نائینی) توسط آیت الله فاضل

بحث ما در ارتباط با بررسی فرمایشات استاد بزرگوار مان حضرت آیت الله فاضل (ره) بود در ذیل نقدی که به فرمایش محقق نائینی (ره) داشتند ، اجمالاً بحث ما به اینجا رسید که حالا قرار شد یک دو تا عبارات دیگر هم از ایشان ملاحظه بشود که با توجه به اینکه درس پایان پیدا می کند در این مبحث ، مسئله موکول به مطلب دیگری نشود و روشن بشود ابعاد مسئله ، خدمت شما عارضم که ایشان مسئله ترکیب انضمامی را نقد کردند و گفتند ما ملاک مان در ...^۳ ، از طرف دیگر عرض کردیم که استاد بزرگواران حضرت آیت الله فاضل (ره) در بحث جواز آن تمرکزی را که در بیانات استاد بزرگوار ایشان حضرت امام (ره) وجود دارد و سعی شده که جواز در وادی جعل را از جواز در وادی امتثال جدا کنند و تبیین جواز در هر دو مرحله صورت بگیرد و کفایت تعدد عنوان برای هر دو مسئله جواز تبیین بشود این را در ارتباط با محقق نائینی (ره) تمرکز پیدا نمی کند فرمایش ایشان

^۳ صوت به جلو پرش دارد و این بخش ضبط نشده است

تصحیح نقد (نظر محقق نائینی) آیت الله فاضل توسط استاد

اگر فرمایش ایشان در ارتباط با نقد نظر محقق نائینی (ره) متمرکز بشود بر تفکیک این دو مرحله اولاً و آن فرق تعارض عقلی و تعارض عرفی لحاظ بشود ثانیاً، این اشکالات در فرمایش استاد ما وجود پیدا نمی کند، حالا اینکه استاد ما از استادشان حضرت امام (ره) در آن مرحله جدا شدند عبارت شان را ملاحظه کردید و قبلاً هم خواندیم.

نکته ای که آیت الله فاضل، در نقد استادشان (کلام آخوند را) توجه نکردند

ایشان آن نکته مهم امام (ره) را در نقد مرحوم آخوند ملاحظه نکردند یا قبول نکردند که در واقع تعارض عرفی غیر از تعارض عقلی است و ما در مسئله اجتماع با تعارض عقلی کار داریم و در متعارضین معروف دنبال تعارض عرفی هستیم که عبارتش را هم در جلسه گذشته خوانیم، اما این بخش مسئله که ایشان در بررسی فرمایش محقق نائینی (ره)، که محقق نائینی (ره) می گویند علی الجواز من ترکیب انضمامی می خواهم منتهی باید معلوم بشود که کدام جواز؟ جواز در وادی جعل یا جواز در وادی امتثال، این مطلب را عرض کردیم اگر ایشان خوب متمرکز بشوند آنموقع این مشکلی را که الان برای ایشان پیش آمده است پیش نمی آید

اشکال استاد به آیت الله فاضل

منتهی ما مشکلی که با استادمان در اینجا داریم این است که استا در اینجا این مطلب را تمرکز نمی کنند، اما در جای خودش تبعاً لامام همین مسیر را می روند که بعد یک نوع در واقع ناسازگاری بین مطالب پیش می آید، چطور استاد ما در جای خودش این مطلب را گفتند و تبعاً لامام این را گفتند، گفتیم دو جا در بحث هایی که ما یکی از آنها را انجام دادیم و یکی از آنها را انشاءالله انجام خواهیم

داد ، دو جا ایشان این مطلب را تبعاً لامام ادامه دادند ، یکی از جاهای که این بحث را انجام دادیم و خیلی هم خوب استاد کمک کردند البته عبارات شان به دقت و تفصیل عبارت امام (ره) نبود ولی اصل مطلب را بیان فرموده بودند بحث ثمره بود که جلسه گذشته هم اشاره کردم اما لازم شد اصل عبارت ایشان را ملاحظه کنید که عرض کردم که چون درس دارد در اینجا تمام می شود دیگر نسیه نماند مطلب که خوب و واضح بشود مشکل اصلی ما با استادمان و مشکل اصلی ما با صاحب المحصول که ایشان در واقع کامل تبیین نمی کنند مسیری را که استادشان حضرت امام (ره) رفته است .

بازگشت به کلام محقق بروجردی در این بحث

یکی از جاهایی که بحث شد این بود که در ثمره محقق بروجردی (ره) قائل بود به جواز اجتماع امر و نهی چون با عنوان کار می کرد ، و می گفت تکلیف خورده است به عنوان صلاة و به عنوان غضب و اینها هیچ مشکلی ندارند و قبلاً هم خواندیم عبارت ایشان ، اما آقای بروجردی (ره) ثمره را منکر می شوند ، می گفتند چون صلاة در دار غضبی را ما نمی توانیم صحیح بدانیم ، چرا نمی توانیم ؟ چون (تعبیر محقق نائینی (ره) به کار ببرم) چون برای صلاة در دار غضبی ترکیب اتحادی قائل بودند و می گفتند یک واقعیت است و این یک واقعیت نمی تواند مقرب باشد چون مبعده مقرب نیست ، اصل حرف آقای بروجردی (ره) این است ، که ما چون در فضای یک واقعیت داریم کار می کنیم ، چون اگر دو واقعیت شدند و به تعبیر آقای نائینی (ره) ترکیب انضمامی شد دیگر اصلاً ما دعوایی نداریم و اجتماعی وجود ندارد ، اما اگر یک واقعیت محل بحث بود که الان فرض بر این است که واقعیت خارجی یک واقعیت است این یک واقعیت هم عنوان صلاة بر آن صادق است و هم عنوان غضب بر آن صادق است ما اجتماع امر و نهی را جائز می دانیم چون امر خورده به عنوان صلاة و نهی خورده به عنوان غضب ، اما این یک واقعیت خارجی که مبعده است نمی تواند مقرب باشد لذا صلاة در دار

غصبی باطل است ، که یادتان است که این مطلب را مفصل خواندیم و بعد آقای بروجردی (ره) .. می زدند می گفتند اصلاً مشهور امتناعی نیستند ، مشهور چون فتوا دادند به بطلان صلاة در دار غصبی آقایان فکر کردن که امتناعی هستند ، آنچه که مسلم است از مشهور این است که گفتند صلاة باطل است ، چرا باطل است ؟ بخاطر اینکه یا واقعیت نمی تواند مقرب و مبعد باشد

اشکال آیت الله فاضل به محقق بروجردی تبعاً للاستاذ

اینجا استاد بزرگوار ما تبعاً لامام نپذیرفتند حرف محقق بروجردی (ره) را ، ببینید تصویر زیبایی که دارند این است که من در مقربیت و مبعدیت با واقع خارجی کار می کنم چون بحث بحث وادی امتثال است ، ببینید در واقع محقق بروجردی (ره) کأن در وادی امتثال امتناعی شده اند ، یعنی گفته اند من در وادی جعل جوازی هستم اما در وادی امتثال نمی توانم بگویم هم امر دارم و هم نهی دارم فقط در وادی امتثال من نهی را فعلی می دانم و می گویم این مبعد است و دیگر مقرب نیست ، چرا ؟ چون مقربیت و مبعدیت دیگر با مفاهیم ذهنی نیست بلکه با واقع خارجی است ، واقع خارجی هم خوب یک واقعیت است چون یک واقعیت است مشکل ، استاد در اینجا خیلی قشنگ نظریه را هم بیان کرده اند و نقد کردند ، ببینید تعبیر که آنجا به کار بردند خیلی تعبیر به جا و روشنی بود البته عرض کردم تعبیر استادشان حضرت امام (ره) از این هم روشن تر بود که حالا بعداً دوباره عرض می کنم .

تعبیر آیت الله فاضل در بررسی کلام محقق بروجردی

ببینید تعبیر ایشان این است که بررسی کلام محقق بروجردی (ره) ما اگر چه مراحل فرمایش ایشان در ارتباط با جواز اجتماع امر و نهی را می پذیریم و مسئله جواز اجتماع را از همین راه حل می کنیم که تعدد عنوان باشد ، ولی نتیجه ای که ایشان گرفته اند مورد قبول ما نیست ، چرا ؟ چون صلاة در

دار مباح از نظر وجود خارجی دارای یک وحدت است یعنی یک واقعیت است ولی هم وجود واحد دارای دو عنوان است یکی صلاه و یکی مباح بودن ، آنچه که در مقربیت نقش دارد عنوان صلاه است ، خیلی عالی ، یعنی من با آن عنوان دارم مقربیت را حل می کنم بنابراین آنچه در مقربیت نقش دارد همان جهت اول است و وقوع آن در دار مباح نقشی در مقربیت ندارد ،

تصحیح سازمان آیت الله فاضل (نحوه صحیح نقد کردن محقق نائینی که نتیجه اش کلام حضرت امام است)

ببینید یعنی قشنگ ما می خواهیم با تعدد عنوان مشکل وادی امثال را هم حل کنیم ، این حرف درست امام (ره) است ، یعنی شما توجه دارید که مشکلات ما در جواز تاره می خورند به جعل ، تاره می خورند به جعل ، تعدد عنوان می خواهد هم مشکل امثال را حل کند و هم مشکل جعل را حل کند که این حرف درستی است ، خوب ما می گوئیم که شما هم که یک چنین فهمی دارید و یک چنین تبعیتی از استادتان حضرت امام (ره) دارید و لذا فرمایش محقق بروجردی (ره) را نقد و رد می کنید در واقع دارید در وادی امثال جوازی می شوید آن هم در ترکیب اتحادی ، این را بگوئید در نقد محقق نائینی (ره) ، شما اگر می خواهید محقق نائینی (ره) را نقد کنید این طوری نقد کنید .

اگر این طوری نقد کردید آنموقع میشود حرف استادتان حضرت امام (ره) که ما اصلا مشکلی نداریم ، حالا چند عبارت دیگر ایشان را هم ملاحظه کنید که خوب روشن بشود این نکته مهمی که داریم می گوئیم ، لذا ایشان قشنگ می گویند ، می گویند صلاه در دار مباح یک واقعیت است صلاه در ار غصبی هم یک واقعیت است ، این یک واقعیت با عنوان صلاه مقرب است با عنوان غصب مبعده است ، این یک واقعیت با عنوان صلاه مقرب است عنوان مباح بودن آن دخالتی در مقربیت آن ندارد ، که این

را ما فقط تنها اشکالی که اینجا به ایشان داریم این است که تحلیل ایشان در اینجا ناقص است ،استادشان حضرت امام (ره) در نقد محقق بروجردی (ره) تحلیل را کامل کرده اند که حالا انشاءالله بعداً دوباره می خوانیم تحلیل را ، الان نه در خود قول مختار ، ولی قبلاً خواندیم عبارت استاد را ، ولی اصل مطلب شان درست است ، اگر وجود خارجی واحدی ، دقت کنید وجود خارجی یعنی وادی وادی امثال است و واحد است ترکیب به تعبیر محقق نائینی (ره) می گوئیم اتحادی است ، دو عنوان تحقق پیدا کنند که یکی موضوع برای مقربیت و دیگری موضوع برای مبعدیت است چه مانعی دارد که ما آن وجود واحد را هم مقرب و هم مبعّد بدانیم ، ما می گوئیم که حرف مان این است بگوئیم که شما قشنگ باید اینها را درست کنید بیائید بگوئید آقای نائینی (ره) شما می خواهید با جواز ترکیب انضمامی را بیاورید نه ما نیازی به ترکیب انضمامی در جواز نداریم ، کدام جواز ؟ جواز وادی امثال ، خوب حالا یک مقداری باز جلوتر برویم

جواز دو مرحله ای حضرت امام (نکته ای که در تقریر تلامذه توجه نشده)

تعبیر ایشان خیلی عالی بود و خیلی خوب بود این نشان می داد که اینها به تبع استادشان حضرت امام (ره) واقعاً قائل هستند به اینکه جواز دو مرحله دارد ، یکی مرحله جعل و یکی مرحله امثال ، جعلش با عنوان حل می شود ، امثالش با وجود خارجی باید حل بشود ، ولی برای حل شدن مشکلات وادی امثال تعدد وجود خارجی لازم نیست ، این حرف به این خوبی و به این پختگی ، ما اگر بخواهیم با محقق نائینی (ره) درگیر بشویم همین یک جمله را درگیر می شویم ، ما می گوئیم آقای نائینی (ره) ما می خواهیم با وجود واحد خارجی می خواهیم مشکل جعل و امثال را اینجا حل کنیم ، ایشان باید این را در این جا بفرمایند ، حالا این وجود واحد دارای دو ملاک است درستش می

کنیم ، از هر طرف از هر طریقی احراز ملاک کردیم ، دارای یک ملاک است اشکال ندارد ، این میشود آن بحث قبلی مان که یک ملاک داشتن و دو ملاک داشتن ،

محقق نائینی (ره) فکر کرده اند که دو ملاک را با دو وجود باید حل کند ، ما می گوئیم دو ملاک را می شود با یک وجود حل کرد ، مبعدیت و مقربیت را می شود با یک وجود حل کرد ، ما باید این را به محقق نائینی (ره) بگوئیم ، تا جدا بشویم از محقق نائینی (ره) ، ما معتقد هستیم که تقریر زیبای استادشان حضرت امام (ره) این است و شما استاد بزرگوار ما که به تبع استادتان حضرت امام (ره) به استادتان و حضرت آقای بروجردی (ره) جواب می دهید و مقربیت را برای وجود واحد درست می کنید در عین حالی که مبعدیت را هم برای آن قائل هستید این را باید مطرح کنید

عبارت عالی آیت الله فاضل ذیل ترکیب انضمامی (محقق نائینی)

عبارت دیگر خیلی خوبی هم که ایشان دارند و خیلی عالی است این است که ایشان بعداً در اقوال قول به جواز که البته ما باز در ثمره هم یک مروری سر این مطلب داشتیم ، ترکیب انضمامی محقق نائینی (ره) را ذکر می کنند بعد آنجا یک مقدار صریح درگیر می شوند با محقق نائینی (ره) تحت عنوان ثالثاً که این مهم است ، ثالثاً بر فرض این که ما صلاة و غضب یا تصرف که حالا ما قبلاً عرض کردیم یک بار با عنوان غضب کار می کنیم و یک بار با عنوان تصرف در مال غیر کار می کنیم چون عنوان تصرف و غضب عموم و خصوص من وجه هستند ، این از نکات خوب محقق بروجردی (ره) بوده است در این جا که قبلاً به آن اشاره کردیم ، حالا اگر با ما غضب و تصرف را یک مقوله دانستیم و صلاة را هم یک مقوله دانستیم و بگوئیم که ترکیب بین این دو مقوله نمی تواند ترکیب اتحادی باشد می خواهیم تسلیم بشویم به حرف محقق نائینی (ره) ، دو مقوله وضع و این داریم ، مثلاً غضب مان

این است صلاة مان وضع است ترکیب اتحادی هم وجود ندارد ، خوب حالا که دو مقوله داریم و ترکیب به اصطلاح انضمامی است ایشان می خواهند بگویند اصلاً اینموقع شبهه ای در مسئله جواز اجتماع وجود ندارد ، قائلی وجود ندارد که اینجا بگویند امتناع که شما به او بگوئید جواز ،

این حرف حرف خوبی است ، یعنی ما بیائیم و بگوئیم آقای محقق نائینی (ره) در موارد ترکیب انضمامی اصلاً محل دعوی ما خارج است ، چه جواز جعلی و چه جواز امثالی ، این که من در ترکیب انضمامی دو ملاک را قطعاً دارم این حرف خوبی است که الان داریم می زنیم ، آنجا آمدیم ترکیب انضمامی را مقابل احراز دو ملاک [قرار دادیم] این غلط است

سازمان دهی دقیق بحث توسط استاد

این درست است که بگوئید :

۱. ما در موارد ترکیب انضمامی قطعاً دو ملاک داریم

۲. قطعاً جواز داریم

۳. قطعاً نزاعی در جواز وجود ندارد

۴. قطعاً نزاع نه در وادی جعل است و نه در وادی امثال

قشنگ این چهار تا نکته را به محقق نائینی (ره) بگوئید ، ببینید استاد ما قشنگ این نکته را می گویند وقتی بعداً می خواهند فرمایش محقق نائینی (ره) را بررسی کنند خیلی قشنگ و زیبا و روان اینها را می گویند ، می گوئیم اگر شما چنین چیزهایی را به محقق نائینی (ره) می گوئید ، چنین چیز

هایی را به محقق بروجردی (ره) می گوئید ، یعنی آقای بروجردی (ره) جلوتر از محقق نائینی (ره) است ،

خوب دقت کنید ، آقای بروجردی (ره) می داند که دعوا سر ترکیب اتحادی است نه ترکیب انضمامی ، چون دعوا سر ترکیب اتحادی است آنجا آمده است در وادی امتثال و نمی تواند ...^۴ اما اگر ترکیب انضمامی باشد خوب ما قطعاً در وادی امتثال مشکل نداریم ، در وادی جعل هم مشکل نداریم ، این مطلب مهم ما است که قبلاً هم در ثمره گفتیم

رتبه بندی کلام محقق بروجردی و نائینی و خوئی

که شما اگر می خواهید به آقای بروجردی (ره) یا به آقای نائینی (ره) یا به آقای خوئی (ره) بگوئید با اختلاف رتبه های شان ، رتبه بالا مال آقای بروجردی (ره) است که می داند دعوا سر ترکیب اتحادی است ، رتبه بعدی مال محقق خوئی (ره) است که می داند ترکیب مقولات انضمامی نیست ، رتبه بعدی مال محقق نائینی (ره) است ، آقای خوئی (ره) (قبلاً گفتیم) چون می گفت صلاة اصلاً مقوله نیست ، از این جهت جلوتر از محقق نائینی (ره) است ، ولی از این جهت مثل محقق نائینی (ره) فکر می کرد که که فکر می کرد اگر ترکیب انضمامی باشد مشکل حل است ، اصلاً مشکلی وجود ندارد که حل بشود در ترکیب ...، این حرف بسیار خوب استاد خوب ما است ، ما می گوئیم این حرف تان را باید در اینجا هم بزنید ، اینجا نگوئید ترکیب انضمامی ملاک شما است احراز مقولتین ملاک ما است ، اگر ترکیب انضمامی بود شما باید احراز ملاکین کنید که بگوئید ترکیب انضمامی حرف محقق نائینی (ره) است احراز ملاکین حرف من است ، تو می خواهی با ترکیب انضمامی آن را داخل در باب اجتماع کنی من می خواهم با احراز ملاکین ، اصلاً حضرت استاد اینها مقابل هم نیستند ، اگر ترکیب

^۴ صوت واضح نیست

انضمامی بود قطعاً ملاکین احراز می شود قطعاً جواز وجود دارد هیچ نزاعی هم در آن نیست ، بله نزاع آن طرف است اگر ترکیب اتحادی بود می شود در وادی امتثال جوازی شد ؟ آقای بروجردی (ره) می فرمایند خیر ،

جواب به آقای محقق بروجردی ره در فضای جواز و ترکیب اتحادی

لذا آنجا جواب آقای بروجردی (ره) را دادیم که نه آقای بروجردی (ره) شما اگر قائل به بطلان صلاه در دار غصبی شدید در واقع امتناعی وادی امتثال هستید ، چون می گوئید وجود واحد نمی تواند مقرب و مبعد باشد با هم ،

محقق خوئی ببینید این عبارت بسیار بسیار خوب استاد ما ، ثالثاً محقق نائینی (ره) را می گوید ، می گوید اگر قبول کردیم دو تا مقوله داریم و ترکیب شان هم ترکیب انضمامی است آن موقع مشکل ما این است که مرحوم آخوند که در رأس قائلین به امتناع است می گوید

دلیل مرحوم آخوند ره بر امتناع

اتحاد صلاه و غصب در خارج سبب می شود که امر از دائره صلاه به غصب سرایت کند و نهی از دائره غصب به صلاه سرایت کند ، نتیجه این می شود که شیء واحد ، خوب دقت کنید ایشان می خواهند بگویند که اصلاً محل نزاع سر شیء واحد است ، خیلی خوب می گوید استاد در اینجا به تبع امام (ره) می گویند آقای نائینی (ره) شما از بحث رفتید بیرون ، ما امتناعی اصلی مان مرحوم آخوند است و مرحوم آخوند می گویند کجا امتناعی هستم ؟ وقتی وجود واحدی در کار است یا ماهیت واحده ایی ، حالا ما کمک کردیم به مرحوم آخوند و گفتیم مرحوم آخوند قشنگ با صاحب فصول درگیر شده اند و گفتند چه وجود و چه ماهیت فرقی نمی کند ، یک واقعیت است ، نتیجه این می شود

که شیء واحد هم مامور به است و هم منهی عنه ، ملاحظه می شود که ایشان مبناء امتناع را عبارت است از اتحاد از صلاة و غضب دانسته اند و اگر مسئله انضمام مطرح شود دیگر اجتماع ممتنع نخواهد بود ، زیرا مجرد اتصال و مجاورت موجب نمی شود ، اگر واقعاً دو تا واقعیت منضم به هم هستند اجتماعی در کار نیست ، مرحوم آخوند هم می گویند جواز ، دو واقعیت یکی مامور به و یکی منهی عنه ، دو ملاک است یکی اینجا و یکی آنجا ، چه اشکالی دارد ،

اشکال به محقق نائینی ره در مورد محل نزاع

بر این اساس ما به مرحوم نائینی (ره) می گوئیم چیزی را که شما محل نزاع قرار داده و در مورد آن قائل به جواز شدید چیزی نیست که کسی بتواند در مورد آن قائل به جواز شود بلکه قائلین به امتناع هم در آنجا قائل به جواز هستند ، پس چیزی را که شما محل نزاع مطرح کردید خارج از محل نزاع است اصلاً محل نزاع این نیست

مشخص کردن محل نزاع

این حرف حرف بسیار خوبی است ، محل نزاع به تعبیری که ما می خواهیم با محقق نائینی (ره) به کار ببریم خیلی زیبا هم می گویند لذا ما در عنوان محل بحث گفتیم معنای تصادق در عبارت هل يجوز تعلق الامر و النهی بالعنوانین المتصادقین همان اتحاد و انطباق است به این معنا که این دو عنوان منطبق است بر یک وجود خارجی ، حالا ما بعداً می گوئیم که به این هم نمی گوئیم ترکیب ، خدا رحمت کند استادشان حرت امام (ره)، این اشکالی دومی که گفتیم سر کلمه ترکیب هم نباید ، ولی حالا تنزل می کنیم انطباق عنوان بر واقعیت واحده محل بحث است ، نه انطباق این عنوان بر یک

واقعیت و این واقعیت بر یک واقعیت دیگری که با هم ملاصق هم و مجاور هم هستند ، محل دعوا نیست ، و این خیلی عجیب است از محقق نائینی (ره) از محقق خوئی (ره) که به این سمت رفته اند .

اختلاف اصلی محقق نائینی و آیت الله فاضل

لذا تعبیر بسیار بسیار خوب استاد ما نشان می دهد که ایشان تبعاً لاستادشان در اصل مسئله با ما هستند اما تعجب ما این است که آنجا چرا این را که می گویند اختلاف ما با محقق نائینی (ره) این است که محقق نائینی (ره) ترکیب انضمامی را ملاک قرار داده است و ما احراز ملاکین را ، نه ما باید بگوئیم اختلاف ما با محقق نائینی (ره) این است که اصلاً محقق نائینی (ره) محل نزاع را اشتباه کرده است ، ترکیب انضمامی محل نزاع نیست

ریشه اشتباه محقق نائینی در تشخیص محل نزاع

البته این اشتباه بخاطر این است که نائینی (ره) خواسته جواز در وادی امتثال را درست کند ، باید این را بگوئیم امانت را رعایت کنیم دقت علمی مان را بالا ببریم جواز وادی جعل را از جواز وادی امتثال جدا کنیم ، حالا ما در قول مختار عبارت محقق نائینی (ره) را مفصل می خوانیم چون آنجا ما یک معرکه ...^۵ ، ما جواز وادی امتثال را اگر از جواز وادی جعل جدا کردیم ، محقق نائینی (ره) کأن گیرشان اینجا است خواسته اند در وادی امتثال جواز را متوقف کند بر دو واقعیت یعنی دو ملاک ، و انصافاً در بین تلامذه ایشان عرض کردم در عبارات مرحوم آقای مظفر در همان مجموعه محدود اصول فقه این دقت وجود دارد ، ریشه اش هم ریشه فهم فلسفی آقای مظفر است ، خدا رحمت کند

^۵ صوت واضح نیست

همه اساتید علماء را ، علی ای حال استاد ما خیلی قشنگ این مطلب را در آنجا می گویند اشکال ما این است که این را آنجا هم باید می گفتند

تبیین آیت الله فاضل (کار کردن با وجود و واقعیت)

بعد خود استاد ادامه می دهند که بله اگر کسی گفت در ترکیب انضمامی مشکلی نداریم پس باید بگویند در ترکیب اتحادی حتماً مشکل داریم ؟ استاد می گویند نه خیر ، می شود همان نزاع ما با مرحوم بروجردی (ره) ، ممکن است که کسی بگوید اگر در ترکیب انضمامی جواز بدیهی است در ترکیب اتحادی هم امتناع بدیهی است ، در پاسخ به او می گوئیم نه خیر ، ما با یک وجود کار می کنیم با یک واقعیت کار می کنیم ، منتهی بعد دقیق این را اینجا توضیح می دهد و این را باید ادامه می دادند ، می گویند نه نزاع می تواند در ترکیب اتحادی صورت بگیرد بخاطر تعدد عناوین باز باید تفصیل بدهیم تعدد عناوین چه در وادی جعل و چه در وادی امتثال ، اگر این سازمان خوب تلقی بشود که بنده عرض می کنم ببینید استاد خوب از این جهت وارد شده اند ، نزاع در جایی است که یک واقعیت داریم یعنی به تعبیر محقق نائینی (ره) ترکیب اتحادی می شود و نزاع در ترکیب اتحادی می تواند در مرحله جعل تصویر شود و می تواند در مرحله امتثال ، ما جوازی در هر دو مرحله هستیم ، در مرحله امتثال هم اگر بخواهد نزاع تصویر بشود یک بار از حیث مقربیت و مبعدیت می تواند مطرح بشود یک بار هم از حیث اشتمال بر ملاک ، حالا این هم عبارت سوم استاد است ، مقربیت و مبعدیت را در عبارت محقق بروجردی (ره) داشتیم ، حیث اشتمال بر ملاک را هم فردا ملاحظه بفرمائید در بیان استاد عزیز ما که باز ایشان هم دقت کرده اند آنجا و در آنجا تبعیت کرده اند از استادشان حضرت امام (ره)، ولی می گویم نتیجه مطلبی را که می گویند در آنجا منعکس شده است در نقد محقق نائینی (ره) در آن سه شرط نه این بخشی که می خوانیم ، چون اگر این بخش و

بخش بعدی که می خوانیم سر ملاک دیده بشود ما راحت می گوئیم به تبع استادمان حضرت امام (ره) هیچ شرطی را برای عموم و خصوص من وجه قائل نیستید ، قائل نیستیم یعنی تحقق پیدا می کند همه نکات ،

حل کردن مشکل وادی جعل و امتثال و مشکل مقربیت و مشکل اشتغال بر ملاک

ممکن کافی است با تعدد عنوان کار کنم می توانم با تعدد عنوان مشکل وادی جعل و مشکل وادی امتثال را حل کنم ، مشکل مقربیت را حل کنم و مشکل اشتغال بر ملاک را حل کنم فقط به صرف تعدد دو عنوان ، آن هم تعدد دو عنوانی که هیچ گونه تعارض عرفی با هم ندارند ، تعارض شان علی الامتناع عقلی است و علی الجواز تعارض ندارند نه در جعل و نه در امتثال ،

بازنگری مطلب با نگاه خیلی اجمالی به کلام محققین (نائینی و خوئی و بروجردی)

این اصل مطلب است بنده زیاد تکرار می کنم چون مورد غفلت قرار می گیرد در تلامذه امام اساتید بزرگوار خودم حضرت آیت الله فاضل (ره) حضرت آیت الله سبحانی ، آن را هم عرض می کنم برای شما ، و از آن طرف حق کلام محقق نائینی (ره) خوب اداء نمی شود که جواز را دو مرحله کرده و ایشان کأن اشکال مهم شان وادی امتثال است ، منتهی در واقع امتناعی وادی امتثال است در ترکیب اتحادی مثل آقای بروجردی (ره) ، فقط اشتباه ایشان این است که فکر کرده است با ترکیب انضمامی می تواند جواز را ... اصلاً ما دعوا نداریم ... حالا انشاءالله ملاحظه بکنید آن عبارت بعدی را هم از استاد که انشاءالله خوب درس جمع بشود و یک فاصله یکی دو ماهه ایی تا شروع درس بعدی و در واقع قول مختار در جواز و امتناع دیگر مقدمات تمام بشود دیگر من خیالم راحت بشود که این مرحله را کافی وافی و شافی تمام کرده باشیم ، مقدمات تصویر محل نزاع را انشاءالله .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۰۰/۴/۱۹

جلسه ۱۴۷

استاد شیخ عبدالکریم فرحانی (دام غزه)

خارج اصول فقه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

بحث ما در ارتباط با فرمایشات استاد بزرگوارمان حضرت آیت الله فاضل (ره) بود و عرض کردیم که معظم له تعبیری را دارند در بررسی فرمایش محقق نائینی (ره) که به اینجا می رسانند در مسئله شروطی که محقق نائینی (ره) برای مسئله عام و خاص من وجه قائل شدند و تکرار نمی کنیم آن شروط را ، اما پاسخ ایشان این است که :

پاسخ آیت اله فاضل به محقق نائینی ره (راجع به شروط ملحوظ محقق نائینی)

ما در پاسخ محقق نائینی (ره) می گوئیم یکی از مقدماتی که مرحوم آخوند مطرح کردند و ما نیز آن را مورد بحث قرار دادیم علت خروج اکرم العلماء و لاتکرم الفساق این است که در ماده اجتماع وجود هر دو ملاک را احراز نکردیم و برگرداندند به اینجا که ما برای بحث اجتماع هر دو ملاک را

لازم می دانیم فرقی با باب تعارض این است که هر دو ملاک در باب تعارض احراز نمی شود اما در باب اجتماع هر دو ملاک احراز می شود ،

بعد ایشان بر همین اساس می خواهند جواب محقق نائینی (ره) را بدهند که بله پس فرق بین اکرم العلماء و لا تکرم الفساق این است که در عین حالی که هر دو تا در عموم و خصوص من وجه مشترک هستند .

احراز ملاکین و ترکیب انضمامی و اتحادی دو سازمان طراحی شده در بحث

فرق این است که در صلاه و غضب که عموم و خصوص من وجه هستند و علماء و فساق هم عموم و خصوص من وجه هستند فرق شان در احراز ملاک و عدم احراز ملاک است ، بر همین اساس به محقق نائینی (ره) جواب می دهند ، محقق نائینی (ره) با توجه به اینکه مبنای قول به اجتماع را تعدد مقوله قرار داده اند ناچار شده اند که یک چنین شرطی را به نام ترکیب انضمامی مطرح کنند ، ایشان فرمایش فرمودند که نه ، ما ملاک مان در واقع فارق بین باب تعارض و اجتماع را احراز ملاکین می دانیم نه تعدد مقولتین ، ولی ما که بر تعدد مقوله تکیه نمی کنیم و قول به اجتماع را بر مبنای تعدد عنوان مطرح می کنیم ، اکرم العلماء و لا تکرم الفساق را خارج از محل نزاع می دانیم به شرط اینکه وجود ملاکین را در ماده اجتماع احراز کرده باشیم و خلاصه اصل نقد ایشان به محقق نائینی (ره) این است که شما به دنبال ترکیب انضمامی هستید و ما دنبال احراز ملاکین هستیم ، ما داشتیم این را بررسی می کردیم ، خوب این فرمایش استاد ما حضرت آقای فاضل (ره) است .

اشکال به محقق نائینی (ترکیب انضمامی)

ما عرض کردیم که خوب اینکه من مسئله را برگردانم به ترکیب انضمامی یا احراز ملاکین این کافی نیست ، اصل حرف این نیست ، ایشان باید اصل حرف را این طور بیان می کردند که خودشان هم قائل هستند ، که ما در واقع ترکیب انضمامی را اصلاً خارج از محل نزاع اجتماع می دانیم ، ما اصلاً در ترکیب انضمامی مخالف نداریم ، که یک بخشی از این مطلب را توضیح دادیم ، گفتیم که اصلاً کسانی که نزاع را می برند سر ترکیب انضمامی جواز را می برند سر ترکیب انضمامی محل نزاع را توجه نکردند ، اصلاً ترکیب انضمامی چیزی نیست که کسی بتواند (به تعبیر ایشان خواندیم عبارت ایشان را در جلسه قبل) کسی نمی تواند آنجا امتناعی بشود ، اصلاً دعوا سر ترکیب اتحادی است ، حرف مهم این بود ،

اشکال دقیق به آقای نائینی ره (تصحیح اشکال توسط استاد)

اگر ایشان تعبیر این طوری به کار می بردند آن موقع مطلب روشن تر می شد که حضرت آقای نائینی (ره) شما چرا مسئله را بردید دنبال ترکیب انضمامی ؟ اصلاً ترکیب انضمامی که محل دعوا نیست ، دعوا سر ترکیب اتحادی است ، گفتیم اگر استاد ما حضرت آقای فاضل (ره) این طور بگویند مطلب درست در می آید ، در ترکیب اتحادی ممکن است که شما امتناعی بشوید ولی امتناعی در وادی امثال ، مثل محقق بروجردی (ره) ، که محقق بروجردی (ره) در وادی جعل جوازی است اما در وادی امثال می گوید نمی شود یک واقعیت که مقرب است مبعده باشد ، ما اشکال مهم مان به استاد مان این بود و گفتیم که شما به تبع استاد تان حضرت امام (ره) این را می گوئید در جای خودش اما اینجا چرا از آن درست استفاده نمی کنید ؟

راههای اثبات امتناع در فرمایشات محقق نائینی ره

گفتیم تعبیر دومی که ایشان دارند این است که محقق نائینی (ره) در همان مسئله اقوال مورد طرح در بحث یکی از استدلال‌هایی که برای قول به امتناع آورده می‌شود مسئله ملاک است، یک استدلالش را جلسه قبل خواندیم، بحث مقربیت و مبعدیت، یک استدلال مسئله ملاک است، ایشان خیلی عالی حتی عالی تر از مسئله مقربیت این را طرح می‌کنند، که ما داشتیم این شاهد‌ها را می‌خواندیم و گفتیم شما عبارتش را نگاه کنید

اثبات امتناع از طریق یک واقعیت نمی‌تواند دو ملاک داشته باشد

راه سوم برای اثبات امتناع این است که واقعیت واحده نمی‌تواند واجد دو ملاک باشد، خوب چقدر تعبیر خوب است، کاملاً نشان می‌دهد که نزاع سر ترکیب اتحادی است نه ترکیب انضمامی، بعد هم نزاع مال وادی امتثال است که بحث ملاک است، بعد هم به جهت اینکه ما نمی‌توانیم در وادی امتثال برای یک واقعیت دو ملاک داشته باشیم که در واقع تحصیل ملاکین بشود می‌خواهند بگویند ما امتناعی هستیم، ممکن است گفته شود وجود امر کاشف از مصلحت ملزومه در ماموریه است و وجود نهی کاشف از مفسده ملزومه در منهی عنه است و اگر بخواهیم صلاة در دار غصبی را هم ماموریه و هم منهی عنه بدانیم باید ملتزم بشویم که موجود خارجی واحد هم دارای مصلحت ملزومه و هم دارای مفسده ملزومه است و چنین چیزی امکان ندارد، خیلی عالی [بیان می‌کنند] بعد می‌آیند این را مقایسه می‌کنند با بحث قبلی، ما حالا کار به پاسخ آن نداریم و اصل مطلب را داریم می‌گوئیم،

بعد ایشان جواب می‌دهند که شما نمی‌توانید این کار را بکنید چون مصلحت و مفسده مثل ثواب و سواد و بیاض با هم تضاد ندارند، حالا چرا ندارند کیفیت بیانش سر جای خودش، اما اصل مطلب

مهم است امام (ره) توضیح خیلی خوبی بیان می کنند که شما به نظر می رسد مقایسه مصلحت و مفسده به سواد و بیاض مقایسه درستی نیست ، درست است که هر دو تا بر می گردد به وجود خارجی ، این مهم است ، ملاک ها به وجود خارجی سواد و بیاض به وجود خارجی بر می گردند اما باز مقایسه غلط است اما کیفیت غلط بودن آن سر جای خودش ، می خواهند جواب این اشکال را بدهند آن هم به تبع استادشان حضرت امام (ره) که حالا عرض خواهم کرد سر جای خودش انشاءالله در ادله ، ولی الان می خواهیم این جمله را از آن استفاده کنیم که :

چینش سازمان بحث (رفتن به سمت جواز)

۱. حضرت آقا شما می خواهید نزاع را ببرید سر ترکیب اتحادی

۲. بعد نشان بدهید که در ترکیب اتحادی نه مشکل جعل وجود دارد و نه مشکل ملاک

ولذا ما هم جوازی هستیم در مرحله جعل و هم جوازی هستیم در مرحله امتثال ، هم ملاکین وجود دارند و هم ملاکین قابل تحصیل هستند ، و به محقق نائینی (ره) باید این طوری جواب بدهید ، و خودتان هم در جای خودش این را به تبع استادان حضرت امام (ره) می گوئید اما تعجب می کنیم چرا اینجا نمی گوئید ، حالا چرای آن عمیق تر می شود که این بحث را جمعش کنیم .

اشکال استاد به پاسخ آیت الله فاضل به محقق نائینی

بر اساس این تحلیلی که بنده عرض کردم کاملاً معلوم می شود که در واقع بیان استاد ما در پاسخ به محقق نائینی (ره) در شروطی که آنجا قائل هستند بیان نا تمامی است ، بیان اصلی همین بیان است که ما ترکیب انضمامی را محل نزاع نمی دانیم ، در ترکیب انضمامی وجود دو ملاک هیچ مشکلی ندارد ،

در ترکیب انضمامی مقربیت و مبعدیت هیچ مشکلی ندارد ، چون دو واقعیت هستند ، اصلاً دعوا وقتی است که سر یک واقعیت کار می‌کنیم و ما از همین جا است که باید تعجب کنیم از محقق نائینی (ره) و از تلمیذ بزرگوار ایشان محقق خوئی (ره) که چرا دعوا می‌کنند سر وجود و عدم وجود ترکیب انضمامی برای قول به جواز یا قول به امتناع ، و اینجا باید تمجید کرد از نگاه محقق بروجردی (ره) که نزاع را برد سر ترکیب اتحادی ، منتهی صادقانه گفته است که من در امتثال امتناعی هستم ، نمی‌توانم در واقعیت واحده بگویم دو ملاک احراز شده است ، نمی‌توانم در واقعیت واحده بگویم مبعده مقرب است ، حالا امام (ره) هم می‌خواهند پاسخ بدهند ،

قبول پاسخ های حضرت امام توسط آیت الله فاضل

استاد خوب ما هم پاسخ های امام (ره) را قبول کرده اند ولی باید اثر این پاسخ ها را در نزاع با محقق نائینی (ره) ما ببینیم ،

تعیین مسیر کردن برای آیت الله فاضل توسط استاد

اگر این را بگوئیم چه می‌شود ؟ اگر استاد ما نخواهد این مسیر را برود آن مطلب شان را می‌شود جواب داد ، چه جوابی به آن مطلب می‌دهیم ؟ جواب می‌دهیم می‌گوئیم محقق نائینی (ره) با ترکیب انضمامی خواسته ملاکین را درست کند ، شما می‌گوئید من راهم برای در واقع مسئله اجتماع احراز ملاکین است ، محقق نائینی (ره) می‌گویند نمی‌تواند احراز ملاکین کنید الا در ترکیب انضمامی ، پس آن حرف شما نا تمام است مگر اینکه این مطلب را در جای خودش بگوئید و قائل بشوید ، ببینید بدون این مطلبی که ما می‌گوئیم آن فرمایش استاد که من خواندم اول بحث عمداً هم دوباره خواندم ،

ما در پاسخ محقق نائینی (ره) می گوئیم نه ، ما راه مان احراز ملاکین است شما راه تان تعدد مقولتین است ، نه خیر محقق نائینی (ره) می خواهد بگوید من تعدد ملاکین را کردم قنطره احراز ملاکین

احراز ملاکین (ترکیب انضمامی) در بیان محقق نائینی ، تحلیل اصل مسأله

، بله مگر شما صاف بگوئید محقق نائینی (ره) ما مسئله مان احراز ملاکین است و ما احراز ملاکین را در ترکیب انضمامی برای تان نشان می دهیم که وجود دارد ، و تضاد بین مصلحت و مفسده را قائل نیستیم و می گوئیم واقعیت واحده می تواند دو تا ملاک داشته باشد ، حالا با تحلیلی که می کنیم اگر آن را بگوئید مطلب تمام است تمام است یعنی اینکه نشان می دهد که ترکیب انضمامی خارج از دعوا است ، اگر آن را نگوئید ، مطلب ما نا تمام است ، یعنی محقق نائینی (ره) دارد با شما بحث می کند می گوید من با تعدد مقولتین می خواهم احراز ملاکین کنم ، محقق خوئی هم در اصل مسئله تابع استادشان محقق نائینی (ره) است ، فقط نزاع صغروی دارند که ما مثلاً در صلاة و غصب تعدد مقولتین داریم یا نداریم ، در اغتراف از آنیه غصبی چه می شود در صلاة و غصب چه می شود ، حالا صلاة و تصرف ، صلاة و غصب ، فرقی نمی کند که قبلاً عرض کردیم آن فرمایش محقق بروجردی (ره)، پس ببینید اصل مسئله را باید اینطوری تحلیل کنیم. این تا اینجا

ریشه اینکه چرا آیت اله فاضل تا پایان همراه حضرت امام نشده

حالا ریشه مسئله چه چیزی است و چرا استاد آنجا مشکل پیدا کرده است و نرفته دنبال حرف خودشان و قول خودشان به تبع استادشان حضرت امام (ره) ؟ ریشه اش این است که استاد بزرگوار ما در فارق بین مسئله تعارض و اجتماع آن مبناء امام (ره) را ملاحظه نکرده است مبناء امام (ره) این بود ، امام (ره) می گوید

چینش مبنای حضرت امام ره

یک : نزاع سر ترکیب اتحادی است

دو : ترکیب انضمامی از محل بحث خارج است نه حیث جعلش مشکل دارد و نه حیث ملاکش ، در ترکیب اتحادی احراز ملاکین یک دقت عقلی فنی می خواهد ، عدم احراز ملاکین یک دقت عقلی فنی می خواهد لذا امتناعی می گوید تعارض عقلی وجود دارد ، جوازی می گوید نه خیر تعارض عقلی وجود ندارد ، امام می گوید این غیر از بحث تعارض عرفی است ، ببینید دوباره برگشتیم به آن حرف امام (ره)

کلام منسجم حضرت امام ره

اما یک حرف منسجمی دارند می زنند ، امام (ره) می خواهند بگویند مسئله اجتماع امتناعش تعارض عقلی است ، جوازش عدم تعارض عقلی است ، احراز ملاکینش با قوت برهان عقلی است ، عدم احراز ملاکینش هم با یک بحث فنی عقلی است ، عرفی نیست مسئله ، لذا خوب دقت کنید ، حالا که بحث به اینجا رسید ما یک جواب دیگری در واقع داریم به استادمان می دهیم در مسئله تعارض و اجتماع و تراحم ، آنجا گفتیم خود این مسئله که ترکیب انضمامی ملاکین را دارد ترکیب اتحادی که ندارد عقلی است ، خوب بله من باید عقلی بحث کنم که آیا این دو مقوله عشر ترکیب شان انضمامی است یا اتحادی است ؟ محمول بالمضمیه هستند یا خارج محمول است ؟ این که قطعاً عقلی بود ، حالا ببینید بالاتر می بریم آن را ، می گوئیم اگر ما قبول کردیم که ترکیب انضمامی از محل بحث خارج است که خارج است و خودتان هم اقرار می کنید و دعوا رفته است بر واقعیت واحده و اشتغال آن بر ملاکین اینجا باید عقلی درست کنید ، این ریشه اش تائید می کند همان فرمایش

حضرت امام (ره) را ، که ما در مسئله اجتماع و در مسئله تراحم یک بحث صد در صد فنی عقلی داریم ، آیا این دو تا تکلیف از ناحیه مولا می توانند صادر بشوند نسبت به واقعیت واحده ، جوازی می گوید بله ، آیا این دو تا تکلیفی که صادر شدند نسبت به واقعیت واحده قابلیت امثال را دارند ؟ آیا مولا برای واقعیت واحده ملاکین را احراز کرده و تکلیف کرده است ؟ جوازی می گوید بله ، امتناعی می گویند نه ، اینها عقلی است ، حالا اگر صحت و صدور داشتن بینیم مندوحه دخالت می کند در فعلیت تکلیف یا دخالت نمی کند ، ... ، و الا یا می شود تراحم یا می شود مسئله اجتماع ، مسئله این می شود یک بحث فنی صد در صد عقلی فارق باین است

فرق کلام امام ره با تلامذشان

منتهی فرق بیان استاد ما حضرت آقای فاضل (ره) یا استاد مان حضرت آقای سبحانی دام ظلّه با استادشان حضرت امام (ره) همین است که استادشان یک نظم دقیقی را قائل هستند و آن نظم دقیق کار را تا آخر حل می کند ، حضرت آقای فاضل (ره) این نظم را قائل نشدند و آنجا از استادشان جدا شدند ، حضرت آقای سبحانی هم از استادشان جدا شدند ، ایشان هم در آن مسئله رفتند دنبال فرمایشات محقق نائینی (ره) و محقق خوئی ، در عین حال که آن نکته فنی را از امام (ره) نقل کردند که فرمودند ما اولین بار از امام (ره) فهمیدیم که چرا مرحوم آخوند دارند تلاش می کنند که فارق اینها را درست کنند ولی در خود بیان فارق رفتند دنبال فرمایش محقق نائینی (ره) ، که الان من چون عبارت آقای فاضل (ره) را خواندم عبارت آقای سبحانی را هم یک اشاره می کنم در جلسه بعد ، ولی استادشان حضرت امام (ره) از اول مسئله را منظم ورود کردند ، فارق بین وجود دارد ، فارق بین تعارض و اجتماع صد در صد عقلی است هیچ ربطی به آن تعارض اخبار علاجیه ندارد ، و ترکیب انضمامی هم از بحث خارج است چه در مرحله جعل و چه در مرحله امثال ، آن مخالف ندارد مطلقاً

و این دیگر زیبا می شود مطلب ، نزاعی که الان بین امام (ره) و محقق بروجردی (ره) مطرح شده است دیگر خیلی افکش بالاتر از نزاعی است که ما بخواهیم با محقق نائینی (ره) یا با محقق خوئی داشته باشیم ، ولی تلامذه بزرگوار امام (ره) اساتید ارزشمند ما بخاطر نبود این انضباط یکی در میان می شود مطلب شان ، پایان این بخش در عبارت آقای فاضل (ره) ، یک عبارت مختصری از آقای سبحانی هم من یادآوری کنم که دوستان که علی بصیرت دیگر چیزی باقی نماند برای سال بعد ، سال بعد دیگر برویم در ادله ، بر می گردیم دو تا سوال دیگر هم جواب دادیم که آیا به این می شود اصلاً گفت ترکیب ؟ یک مطلب سومی هم داریم که آن را عرض خواهم کرد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۰۰/۳/۲۰

جلسه ۱۴۸

استاد شیخ عبدالکریم فرحانی (دام غزه)

خارج اصول فقه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

بحث ما در ارتباط با بخش اول فرمایشات استاد بزرگوار مان حضرت آیت الله فاضل (ره) در اختلافی که با محقق نائینی (ره) داشتند در ترکیب انضمامی یا احراز دو ملاک برای مسئله اجتماع تمام شد و توضیحاتی دادیم و تمام شد .

فرمایشات آیت الله سبحانی در فرق بین تعارض و اجتماع

قرار شد تلمیذ دیگر حضرت امام (ره) حصرت آیت الله سبحانی دام ظلّه هم دچار همین مشکل هستند به نظر ما و عرض کردم عبارت ایشان در المحصول در ذیل همان بحث فرق باب تعارض و مسئله اجتماع است که ایشان عرض کردم یک امتیازی دارند در عبارت شان و عرض کردم آن امتیاز این است که ایشان آن سوال امام (ره) را بیان کرده اند و ما قبلاً هم آن را خواندیم و بیان کردیم اما تذکر می دهیم که امانت و ارزش تعبیر ایشان از بین نرود.

امتیاز فرمایش آیت الله سبحانی (مطرح کردن سوال حضرت امام)

تعبیرایشان این است که : ثم سیدنا الاستاذ اول من تنبه لهذه الموضوع نذكر نصحه في درسه الشريف ایشان سوالی را آنجا مطرح کردند و گفته اند که این اول بار ابداع و تنبه امام (ره) است در این مسئله و آن این است که چرا مرحوم آخوند دنبال فرق باب اجتماع و مسئله تعارض است ، و خلاصه مسئله واحده ایی به عنوان عموم و خصوص من وجه چطوری موضوع دو تا مسئله شده است در علم اصول ، که یک مسئله اش در باب اجتماع مطرح است و یک مسئله اش در باب تعارض ، بعد امام (ره) خواسته است بگوید که

چرا علماء در مسأله تعرض ، متعرض مسأله اجتماع نمی شوند؟ (تعبیر امام از آخوند)

مرحوم آخوند چون دیدند که علماء در مسئله تعارض هیچ یادی از مسئله اجتماع نمی کنند ، هیچ کس در تعارض نمی آید و بگوید که این بر می گردد به مسئله اجتماع امر و نهی در صورتی که جا داشت علماء وقتی به مسئله عموم و خصوص من وجه می رسند در باب تعارض اکرم العلماء و لا تکرّم الفساق را بحث می کنند با اینکه اکرم العلماء و لا تکرّم الفساق عموم و خصوص من هستند

آنجا سوال کنند بگویند که این چه اشکالی دارد که برگردد به مسئله جواز اجتماع امر و نهی و بگویند تعارض از بین می رود بخاطر اجتماع امر و نهی ، مرحوم آخوند خواسته اند بگویند که چرا علماء این کار را نمی کنند ، تعبیر امام (ره) این است ، که آقای سبحانی این تعبیر را کامل نقل می کنند و تمجید می کنند از فرمایش استادشان حضرت امام (ره) و این امتیاز فرمایش ایشان است و این سوال و جواب و این ابداع فرق در عبارت استاد مان حضرت آیت الله فاضل (ره) وجود ندارد و ما آنجا هم که می خواندیم از این جهت از آقای سبحانی تمجید کردیم که نذکر نص عبارت امام (ره) را بعد نص عبارت امام (ره) را از تهذیب که تقریر خود ایشان از درس حضرت امام (ره) است نقل می کنند:

نص عبارات صاحب المحصول

و هو ابداع الفرق بين هذا المقام و بين باب التعارض دفعاً عن اشكال ربما يرد في المقام و هو أن القوم رضوان الله عليهم لما عنونا مسئله جواز الاجتماع مثلوا له بالعامين و اختار جمع منهم جواز الاجتماع لكن هذا الجمع لما وصلوا الى باب التعارض جعلوا العامين من وجه احد وجوه التعارض و لم يذكر احد منهم جواز الجمع بينهما بصحة الاجتماع يك کسی بگویند ما تعارض بين عموم و خصوص من وجه را در باب تعارض با جواز اجتماع حل می کنیم فصار مرحوم آخوند خواسته اند بگویند که جوابش این است که خواسته اند بگویند که ما در مسئله اجتماع احراز ملاکین می کنیم اما در مسئله تعارض احراز ملاکین نمی کنیم ، این طوری ، اول آقای سبحانی این نکته خوب را از امام (ره) بیان می کنند که لذا مرحوم آخوند به جا کار کرده اند .

پاسخ اشکال (محقق نائینی و خوئی) به محقق خراسانی

بر اساس این نکته ایشان یک پاسخی می دهند به اشکال محقق خوئی (ره) و محقق نائینی (ره) به مرحوم آخوند : و بهذا تفق علی ما یورد علی المحقق الخراسانی

تبیین حضرت امام در دفاع از مرحوم آخوند

با این توضیحی که امام (ره) می دهند که هدف مرحوم آخوند از ابداع فرق این است که بگوید عام و خاص من وجهی که در آن احراز ملاکین شده است مال باب اجتماع است ، عام و خاص من وجهی که در آن احراز ملاکین نشده است مال باب تعارض است لذا نباید محقق خوئی (ره) و مثلا محقق نائینی (ره) به مرحوم آخوند اشکال کنند و بگویند که چرا شما ضابط را بیان نکردید ضابط اصلی در مسئله تعارض تنافی در مقام جعل است ، بر خلاف باب تزاحم که ما در مرحله جعل مشکل نداریم در مرحله امتثال مشکل داریم ، اشکال آنها به مرحوم آخوند این است ،

پاسخ به اشکال محقق خوئی و نائینی به مرحوم آخوند (آیت الله سبحانی به نقل از امام) آقای سبحانی می گویند با این توضیحی که استاد ما حضرت امام (ره) داده اند ما به محقق خوئی (ره) و به محقق نائینی (ره) می گوئیم که شما حق ندارید به مرحوم آخوند این اشکال را بگیرید ، مرحوم آخوند حواس شان بوده است که در مسئله تعارض و تزاحم آنجا قانون این است که اگر تنافی به مرحله جعل برگردد و دو تا دلیل از مولا نتوانند صادر بشوند تعارض است ، اگر نه ، دو تا بتوانند صادر بشوند ولی در وادی امتثال مکلف نتواند جمع بین امتثالین کند این تزاحم است مع المندوحه و خلاصه اجتماع است مع عدم المندوحه ، آنها اینطوری می گویند به مرحوم آخوند اشکال می گیرند.

بیان دیگر دفاع آیت الله سبحانی از مرحوم آخوند ره

آقای سبحانی اینجا به تبع امام (ره) که امام (ره) خواسته اند دفاع کنند از مرحوم آخوند و بگویند هدف مرحوم آخوند از این بحث این است خواسته اند بگویند که پس شما اینجا این اشکال را به مرحوم آخوند نگیرید ، تا اینجا هم آمده است ، پس آقای سبحانی هم سوال امام را و هم آن نکته در واقع دفاع امام (ره) از مرحوم آخوند را قشنگ می گویند ،

اشکال بیان آیت الله سبحانی

اما مشکل آقای سبحانی چه چیزی است که حالا ما می خواهیم بگوئیم از این جهت [بیان ایشان] مثل [بیان] آقای فاضل (ره) است ، تا اینجا قشنگ آمده است آقای سبحانی ، مسیر را رفته اند ، دفاع کرده اند از مرحوم آخوند اما اشکال شان این است که ایشان بعد از آنکه این اشکال را می گیرند [می گویند] فإِنَّه لیس بصدد بیان فرق بینهما بل هو بصدد ابداع الفرق بین مسئله واحده که همین مسئله بود که عرض کردم که فیبحث عنها تارة فی باب الاجتماع و آخری فی باب التعادل و حاصله وجود المقتضى لكلا العنوانین فی الجمع و عدمه و الاول من صغریات باب الاجتماع که مقتضى در هر دو یعنی ملاک در هر دو وجود دارد ، و در دومی یک ملاک بیشتر وجود ندارد و الثانی من صغریات باب التعادل و التراجیح

حالا خوب دقت کنید حالا اشکال این حرف چه چیزی است ؟ اشکال این حرف این است که اصلا حضرت آقای سبحانی شما قبول کردید که ما در باب اجتماع نیاز به احراز ملاکین داریم ، این را قبول کردید ، در صورتی که ما اصلا داریم می گوئیم شما باید حرف امام (ره) را بزیند ،

سازمان بیان حضرت امام ره

حرف امام (ره) این است ، امام اول این دفاع را از مرحوم آخوند می کنند ولی بعد به مرحوم آخوند اشکال می گزند که اصلا تعارض در باب اجتماع عقلی است ، تعارض در باب تعادل و تراجیح عرفی است ، نباید حیث تعارض عقلی با حیث تعارض عرفی خلط بشود ، اصلا اینها در واقع مقایسه شان غلط است ، درست است که ما مرحوم آخوند را از آن اشکال نجات دادیم ولی می خواهیم خودمان یک اشکال عمیق تر به مرحوم آخوند بگیریم ، بگوئیم جناب آقای آخوند اصلا اینها با هم مشابهتی با هم ندارند که شما بخواهید ابداع فرق کنید ،

اشکال به آیت الله شبحانی (تبعیت نکردن از فرمایش استادش حضرت امام)

اشکال ما به آقای سبحانی این است ، می گوئیم شما بخشی از حرف استادتان را زدید تمام آن را بیان نکردید ، استاد شما در مرحله اول از مرحوم آخوند دفاع می کنند ابداع فرق را می گویند ، با ابداع فرق به محقق نائینی (ره) می تازند که جناب آقای نائینی (ره) شما چرا اینجا آمدید و به مرحوم آخوند اشکال کردید؟! ما هم به محقق خوئی (ره) تاختمیم و گفتیم چرا شما آمدید به مرحوم آخوند به تبع استادتان محقق نائینی (ره) اشکال کردید؟! که فرق بین تعارض و اجتماع و تراحم این نیست که شما جناب آخوند گفتید بلکه فرق این است که یکی بر می گردد به مقام جعل و یکی بر می گردد به مقام امتثال ،

اشکال به مرحوم آخوند در سازمان حضرت امام

اما اول این را می گویند از مرحوم آخوند در مقابل تلامذه اش و تلامذه تلامذه ایشان دفاع می کنند بعد خودشان به مرحوم آخوند اشکال می کنند می گویند جناب آقای آخوند شما چرا تعارض مسئله

اجتماع را با تعارض باب تعادل یکی کردید که فارقی بین آنها ، اصلاً قیاس اینها با هم غلط است ، یعنی حضرت آقای سبحانی دام ظلّه اصل حرف محقق خوئی (ره) اینها را قبول دارند که اینها قابل مقایسه هستند و باید فارقی بین اینها قائل شد اما فارقی که حق است این است نه فارقی که مرحوم آخوند بیان کرده است ، اما می گویند اصلاً قابل مقایسه با هم نیستند چون یکی عقلی است و یکی عرفی ، که این را اینجا گفتیم ،

نتیجه جدایی آیت الله سبحانی از سازمان حضرت امام

پس ببینید آقای سبحانی هم جدا می شوند ، وقتی جدا می شود از امام (ره) آن موقع این جدا شدن ایشان از امام (ره) با این مطلبی که می خواهد بعداً با محقق نائینی (ره) مطرح کند نمی سازد ، یعنی همین اتفاقی که برای استاد ما حضرت آقای فاضل (ره) افتاد در جدا شدن از حضرت امام (ره) و رفتن به سمت بحث احراز ملاکین در مقابل مسئله محقق نائینی (ره) ، این اتفاق برای آقای سبحانی هم می افتد ، لذا آقای سبحانی ببینید اولش به آقای خوئی (ره) و آقای نائینی (ره) جواب می دهند که شما نباید به مرحوم آخوند این اشکال را بگیرید ، مرحوم آخوند در مقام ابداع فرق است و الا خود ایشان می دانند که در مسئله تعادل و تراجیح فرقی با تعارض و تراحم این است ، بعد هم در ذیل آن می گویند :

يظهر من المحقق النائيني أنّ الفرق بين البابين أنّه اذا كان التركيب بين العنوانين انضمامياً فهو من باب الاجتماع كما في الصلاة و الغصب فإنّ التركيب المبادئ انضماميٌ و اما اذا كان التركيب اتحادياً فهو من باب التعارض حالا بعد يك پاروقی ایی هم دارند که قبلاً به آن اشاره کردیم ، ببینید ما گیر می

کنیم همان مطالب را طابق النعل بالنعل در ارتباط با مطالبی که ما به استادمان حضرت آقای فاضل (ره) وارد کردیم به فرمایشات حضرت آقای سبحانی هم وارد می آید .

اشکال دقیق به مرحوم آخوند ره در سازمان حضرت امام

جناب آقای سبحانی شما باید دو تا حرف استادتان را می زدید اولاً مرحوم آخوند حساسیت شان به جا است چون فکر کرده اند که یک عنوان است به نام تعارض ، این یک عنوان به نام تعارض در مسئله اجتماع یک طور سرنوشت پیدا می کند و در مسئله تعادل و تراجیح یک طور ، خواسته اند ابداع فرق کنند بگویند اینجا ملاکین وجود دارد آنجا یک ملاک ، لذا نمی شود به مرحوم آخوند آن اشکال را گرفت که تعارض مال تنافی در جعل است و تراحم مال وقتی است که مسئله جعل حل شده است در وادی امثال ، ما مشکل داریم ، نه ، مرحوم آخوند آن را بلد هستند و سر جای خودش آن را هم می گویند ولی ابداع فرق است این اشکال را نمی شود به مرحوم آخوند گرفت کاملاً درست است ، ولی اشکال دیگری باید به مرحوم آخوند بگیریم و آن اشکال این است که اصلاً تعارضی که در باب اجتماع است غیر از تعارضی است که در باب تعادل مطرح است ،

تفکیک تعارض عقلی و تعارض عرفی

ما یک تعارض عرفی داریم در مقابل جایی که جمع عرفی وجود داریم در مقابل جایی که جمع عرفی وجود دارد ، یک تعارض عقلی داریم در مقابل جایی که جمع عقلی وجود دارد ، این را باید بگوئید ، بعد باید بگوئید که این تعارض عقلی تاره از باب ترکیب انضمامی حل می شود که محقق نائینی (ره) خواسته اند حل کنند ، تاره در خود ترکیب اتحادی هم ما می خواهیم بحث را پیاده کنیم با همان بحثی که گفتیم بعد بیائیم و به محقق نائینی (ره) اشکال کنیم و بگوئیم آقای نائینی (ره) اصلاً

ترکیب انضمامی محل دعوای تعارض عقلی نیست ، اصلاً در ترکیب انضمامی تعارض عقلی وجود ندارد ، شما بیراهه رفتید ، کما اینکه تلمیذ بزرگوارتان محقق خوئی (ره) و حتی شهید بزرگوار آیت الله صدر رضوان الله تعالی علیهم اجمعین که ما بعداً ممکن است که سال آینده که وارد بحث ادله شدیم فرمایش آقای صدر را م بررسی کنیم ، نه آقای سبحانی شما باید قشنگ تمام مطلب استادتان حضرت امام را م می گفتید و مسییرتان را با امام (ره) می رفتید .

نزاع در سازمان محقق نائینی ره (در ترکیب اتحادی است)

و عرض کردم مطلب پایانی جلسه قبل مان را دوباره تاکید می کنم مخصوصاً اگر کسی قبول کرد از امام (ره) و از آقای بروجردی (ره) که اصلاً نزاع در ترکیب اتحادی است به اصطلاح آقای نائینی (ره) و اصلاً کسی ترکیب انضمامی نزاع ندارد ، چون دو واقعیت مجزای ملاصق با هم وجود دارد که یکی ماموریه و یکی منهی عنه است نه ملاک شان مشکل دارد و نه مقریبت و مبعدیت شان مشکل دارد ، نه جعل شان مشکل دارد و نه مجعول شان مشکل دارد ، اصلاً هیچ مشکلی وجود ندارد ، اگر کسی این را قشنگ به محقق نائینی (ره) گفت و

اشکال به محقق نائینی و محقق خوئی

گفت آقای نائینی (ره) اصلاً شما بیراهه رفتید و چرا ترکیب انضمامی را وارد بحث کردید ، محقق خوئی (ره) چرا شما رفتید سراغ صغرای ترکیب انضمامی که آیا واقعاً بین صلاة و غضب ترکیب اتحادی است یا انضمامی ، آیا وضو از إناء مغضوبه که در آن ترکیب چطوری است ، که بعد بشود همین تفصیلات محقق نائینی (ره) در شروط عموم و خصوص من وجه که محقق نائینی (ره) بگوید بعضی از جای مثلاً وقتی خود ماء غضبی است فرق می کند با وقتی که صلاة در دار غضبی است ،

همه اش بخاطر همین است ، نه خیر آقای نائینی (ره) اصلاً ما در ترکیب انضمامی نزاع نداریم ، اگر نزاعی داریم در ترکیب اتحادی است ، سر همان جایی که ماء غصبی است وقتی ما داریم با ماء غصبی وضوء می گیریم...^۶ ، اگر این را بگوئیم آن موقع بعد می گوئیم خیلی خوب اینجا خیلی واضح است که تعارض عقلی است حل تعارض هم عقلی است ، در انضمامی اش هم عقلی بود چون بحث مقولات عشر است بحث این است که مقولات عشر مخصوصاً مقولات سبعة نسبيه مقولات بالضمیمه هستند یا خارج محمول هستند ، اینها همه اش بحث های عقلی هستند و اصلاً عرفی نیست در آنجا ، ولی مهم تر از آن این بحث خودمان است که اصلاً در ترکیب اتحادی دعوا داریم .

مشکل ساز شدن عدم تبیین درست شروط محقق نائینی

پس ملاحظه فرمودید که ما حرف مان این است در ارتباط این شروطی که محقق نائینی (ره) قائل است و شرط مهم و شرط رئیسی این شروط اصرار بر ترکیب انضمامی است که توضیحاتش را قبلاً دادیم اساتید بزرگوار ما تلامذه حضرت امام (ره) علیرغم مزایای خوبی که در بیانات شان وجود دارد این است که فرمایش استادشان حضرت امام (ره) کامل تبیین نشده است و لذا ما مشکل پیدا می کنیم ، خوب این پایان بخش اول فرمایشات استادمان حضرت آقای فاضل (ره) ، که البته این بحث شروط را آقای سبحانی کامل در اینجا بحث نکرده اند ، قبلاً هم گفتی اینکه این سه تا شرط محقق نائینی (ره) را رسیدگی نهائی نکرده اند ایشان ، عام و خاص من وجه را در حد همان بحث های قبلی انجام داده اند .

^۶ صوت واضح نیست

ترکیب اتحادی در سازمان آیت الله فاضل

بحث بعدی ایی که ما با استادمان حضرت آقای فاضل (ره) داریم نکته بعدی است که اصلاً آیا ما تعبیر به ترکیب اتحادی می توانیم داشته باشیم که استادمان حضرت آقای فاضل (ره) به کار می برند؟ یا مسئله ترکیب اتحادی و انضمامی خودش در آن یک مسامحه ایی است اصلاً، آنچه که ما تعبیر کردیم این است که واقعیت واحده ایی مجمع دو عنوان باشد، یا دو واقعیت هر کدام مجمع مصداق یک عنوان قرار بگیرند، ما نمی گفتیم ترکیب اتحادی و ترکیب انضمامی، چرا؟ این را هم باید یک توضیح بدهیم که اشکال بیان استادمان حضرت آقای فاضل (ره) دربیاید، و متأسفانه ایشان این نکته را در آن بحث با محقق نائینی (ره) هم بیان نمی کنند، خود این کار بردن کلمه ترکیب در اتحادی و انضمامی این گرفتاری دارد

بیان حق مسأله

حق مسئله همین مقداری است که ما می گوئیم که آیا ما نزاع مان در مسئله اجتماع امر و نهی وقتی است که دو عنوان بر واقعیت واحد منطبق بشوند، انطباق عناوین بر واقعیت واحده محل نزاع است نه انطباق دو عنوان بر دو واقعیت، بحث این است اگر این طوری بگوئید هیچ مشکلی ندارد و هیچ اشکالی هم به آن وارد نیست،

توضیح و تبیین ترکیب اتحادی و انضمامی برای واضح مسامحه در مسأله

هر چه هم که تا الان توضیح می دادیم این بود که محقق بروجردی (ره) فهمید که اصلاً دعوا سر این است ولی در واقعیت واحده در وادی امتثال امتناعی شد، محقق نائینی (ره) از واقعیت واحده تعبیر می کند به ترکیب اتحادی، انطباق دو عنوان بر دو واقعیت را از آن تعبیر می کند به ترکیب انضمامی،

این را باید یک توضیح بدهیم که مسامحه فنی این مسئله یک مقداری واضح تر بشود ، وقتی این را خوب واضح کنیم باز معلوم می شود

چرا تلامذه حضرت امام از سازمان ایشان پیروی نکردند ؟

که چرا تلامذه حضرت امام (ره) با استادشان خوب جلو نرفته اند و چرا محقق خوئی (ره) یا حتی شهید آیت الله صدر رضوان الله تعالی علیهم به تبع آقای نائینی (ره) یک مسیر دیگری رفته اند ، این اشکال دوم ما است ، یک اشکال هم درباره بحث سبب تولیدی داریم که انشاءالله با توضیح این دو تا اشکال بحث امسال ما تمام می شود انشاءالله .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۰۰/۳/۲۱

جلسه ۱۴۹

استاد شیخ عبدالکریم فرحانی (دام غزه)

خارج اصول فقه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

نکته مغفول در بیانات تلامذه حضرت امام

خوب آن بحث مهم و اصلی ما با محقق نائینی (ره) تقریباً تمام شد و هم نظر امام (ره) را و هم نظر اساتید مان را گفتیم و بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که جای داشت آقایان در بررسی فرمایش محقق نائینی (ره) آن بحث مهم حضرت امام (ره) را بیان می کردند و لذا جای ندارد که استاد عزیز ما جناب آقای فاضل (ره) در نقد محقق نائینی (ره) اینجا بگویند که محقق نائینی (ره) ترکیب انضمامی را در اینجا به این دلیل آورده اند که جوازی هستند ، جای داشت این طوری بگویند چون در اینجا این طوری فرمودند که اگر یادتان باشد که محقق نائینی (ره) چون جوازی است این حرف را بیان می کنند ، جای داشت اینجا بگویند که نه اصلاً حتی اگر کسی بخواهد جوازی بشود در ترکیب اتحادی جوازی بشود ما در ترکیب انضمامی مخالفی نداریم که بخواهیم بحث جواز را مطرح کنیم و اصلاً ترکیب انضمامی خارج از محل بحث ما است ، جای داشت که این طوری بگویند که نگفتند و ریشه های آن را هم گفتیم

علی ای حال بخشی از اشکالاتی که باید به محقق نائینی (ره) گرفته می شد گذشت .

کلام اصلی در این بخش

حرف اصلی در این بخش همان حرف حضرت امام (ره) است که ما با تعدد عنوان می توانیم مسئله را چه در مرحله جعل و چه در مرحله امتثال حل کنیم و چون با تعدد عنوان مسئله را حل می کنیم برای ما فرقی نمی کند که صلاة در دار غصبی باشد یا ماء غصبی باشد یا به تعبیری ترکیب انضمامی باشد یا ترکیب اتحادی باشد ، همین که تعدد عنوان مطرح باشد مشکل حل است ، فرقی نمی کند که خلاصه اکرام عالم و اکرام فاسق مطرح بشود که یکی مامور به و یکی منهی عنه باشد ، تعدد عنوان چه

در ترکیب اتحادی در تعبیر ایشان و چه در ترکیب انضمامی شکل را حل می کند و وارد کردن مسئله ترکیب انضمامی اصلاً خروج از محل دعوای ما است در مسئله اجتماع امر و نهی ، باید این طوری گفته بشود.

این حرف امام (ره) حرف محکم اصلی بحث ما است و متأسفانه این فرمایش شریف و روشن حضرت امام (ره) که منطبق با مبناء است و نشان دادیم که خود استاد مان حضرت آقای فاضل (ره) این مبناء را تایید می کنند در جای خودش اینجا در این بحث ما در شروطی که محقق نائینی (ره) در عام و خاص من وجه آوردند این حرف مهم و اساسی گفته نشده است بلکه چیز دیگری گفته شده است مثل همین جمله ایی که ایشان می گویند که محقق نائینی (ره) چون جوازی است آمده و بحث ترکیب انضمامی را مطرح کرده است ، خود این موهم به این است که کأن واقعاً ترکیب انضمامی جواز را درست می کند ، در صورتی که این طوری نیست و ترکیب انضمامی محل دعوا نیست . خوب این بحث تمام شد و به شکل مستوفی هم جمع بندی هم شد الحمد لله و اشکالات فرمایشات محقق نائینی (ره) و تلامذه حضرت امام (ره) استاد بزرگوارمان حضرت آقای فاضل (ره) و حضرت آقای سبحانی دام ظلّه إن شاء الله تبیین شده باشد .

تعبیر به ترکیب می توانیم داشته باشیم؟ (که در بیان محقق نائینی مطرح شد)

نکته بعدی که ما گفتیم باید در اینجا تبیین کنیم و رسیدگی کنیم مسئله ایی بود که آیا اصلاً ما تعبیر به ترکیب می توانیم در اینجا داشته باشیم ؟ حالا از حیث انضمام تنزل می کنیم و از حیث اتحاد ، تعبیر به ترکیب آنجا جا دارد و درست است که من از کلمه ترکیب استفاده کنم ؟ یا اینکه نه مسئله ترکیب اصلاً رهن است و اشتباه است ، این نکته بسیار خوب را امام (ره) بیان کرده اند باز در جای خودش

که ایشان وقتی وارد فرمایشات حَقِّقِ نائینی (ره) می شوند اما در تهذیب و مناہج وقتی وارد بررسی فرمایش محقق نائینی (ره) خیلی خوب به این نکته پرداخته اند حضرت امام (ره) که این نکته هم باید گفته بشود که تعبیر به ترکیب در اینجا یک مقداری حل اشکال است و بحث ترکیب را نمی شود اینجا به کار برد ، خود کلمه ترکیب ذهن را دچار خطا می کند.

حضرت امام : مسأله مسأله ترکیب نیست

تعبیری که امام (ره) دارند وقتی که توضیح می دهند مسأله را می خواهند نشان بدهند که اصلاً مسأله مسأله ترکیب نیست ، بعد خیلی اساسی می خواهند درگیر بشوند با فرمایش محقق نائینی (ره) ، این مطلبی که اما دارند و مطلب را درست می کنند از سوی استاد ما حضرت آقای فاضل (ره) مورد غفلت قرار گرفته است و این غفلت سبب می شود که اصل مسأله تا یک حد زیادی خراب بشود ، تعبیر که ایشان دارند که اگر من این تعبیر را پیدا کنم در عبارت ایشان چون در مناہج ما در آوردیم عبارت امام (ره) را ، تعبیر امام (ره) اینجا این است که اصلاً تعبیر به کار بردن حیث مرکب و ترکیب در اینجا محل اشکال است و نباید کسی مسأله را با ترکیب بله ترکیب شان در اینجا این است :

عبارت حضرت امام (ره) (تعبیر قوی ایشان در ترکیب)

ثم إن تسمية ما ذكر بالتركيب الانضمامي و الاتحادی مجرد اصطلاح و الا فليس انطباق العناوين على شئ من قبيل التركيب این تعبیر بسیار تعبیر قوی ایی است ، باز ما اثر این تعبیر را در فرمایشات استادمان نمی بینیم ، اما در جای خودش این بحث را رسیدگی کرده اند خیلی هم خوب ، استاد ما حضرت آقای فاضل (ره) هم رسیدگی کرده اند اما این را دیگر آنجا نمی گویند که اگر من حالا مسأله یک واقعیت و از دو واقعیت را از آن بگذرم ، یعنی دعوا تا الان این بود که اگر خارج دو

واقعیت باشد اصلاً محل دعوا نیست و اگر یک واقعیت باشد محل دعوا است که ما در یک واقعیت می‌خواهیم جوازی بشویم چه در جعل و چه در امتثال، در دو واقعیت که ... ، حالا تا الان بحث این بود .

تعبیر ترکیب انضمامی مساوی دو واقعیت است ؟

حالا آیا می‌شود از این دو واقعیت به تعبیر انضمامی تعبیر کرد ؟ آیا می‌شود آن یک واقعیت را از آن به ترکیب اتحادی تعبیر کرد ؟ دعوا این است ، تعبیر بسیار زیبایی امام (ره) این است که اصلاً این تعبیر غلط است ، ما در فلسفه اگر ترکیب ترکیبی باشد که حقیقتاً باشد خوب این باز می‌شود وحدت نمی‌شود کثرت لذا اگر من واقعاً ترکیب انضمامی داشته باشم دیگر در وعاء ترکیب من دو واقعیت ندارم ، لذا این تعبیر غلط است که من بگویم ترکیب انضمامی یا بگویم ترکیب اتحادی ، اصلاً این طوری نیست ، بله آن چه که من دارم این است که مفاهیمی که بر اشیاء صادق هستند بعضی از آنها مفاهیمی هستند مقولی و بعضی از آنها مفاهیمی هستند از جنس معقولات ثانی، مفاهیم مقولی آیا همیشه محمولات بالضمیمه هستند ، خوب این بحث بسیار خوبی است ، بعضی‌ها مثل مرحوم آخوند می‌گویند همیشه این طوری است ، بعضی‌ها مثل ملاصدرا و مثل علامه طباطبایی می‌گویند نه مقولات می‌تواند خارج محمول باشد مثل مقولات سبعة نسبیة ، ببینید انطباق این عناوینی که در درست مان است که یا معقول ثانی هستند یا معقول اولی هستند بر یک شیء واحد محل بحث است نه اینکه من بگویم این انطباق عناوین بر این شیء ترکیب انضمامی است ، کلمه ترکیب در اینجا رهن می‌شود ،

دقت حضرت امام ره در بحث (که ناشی از فقه اکبر است)

خدا رحمت کند امام (ره) را ، اما این دقت ها را داشته اند که این دقت ها مال آن حیث فقه اکبر امام (ره) است و آن دقت حکم امام (ره) است ، ببینید تعبیر شان چقدر عالی است ، امام (ره) وقتی بحث قول به جواز را تصویر می کنند و می خواهند با تعدد عنوان مشکل را حل کنند وارد بحث محقق نائینی (ره) می شوند و بذلک یسقط ما افاده بعض الاعاظم بترتیب المقدمات که عصارتهای کون الخارج مولفاً من مقولتین و ترکیب بینهما انضمامی لا اتحادی ، شروع می کند این را نقد کردن که اصلاً این طوری نیست و بعضی از این مطالبی که گفته شد بعد می رسند به این جا :

انطباق دو مقوله بر واقعه خارجی ترکیب است؟

ثم إن التسمية ما ذكر این اشکال بعدی است که آیا می توانیم اگر هم انطباق دو مقوله را بر واقع خارجی خواستیم بحث کنیم اسم آن را بگذاریم ترکیب انضمامی در مقابل ترکیب اتحادی ، آیا اگر ترکیب حقیقی ایی وجود داشته باشد در وعاء ترکیب آن مرکب واقعیت واحده می شود ، من قاعدتاً باید منظورم از ترکیب انضمامی دو واقعیت ملاصق باشد دیگر ترکیبی در کار نیست کما اینکه در ترکیب اتحادی منظورم یک واقعیت است ، آیا من با یک واقعیت کار می کنم یا با دو واقعیت کار می کنم ، دو واقعیت ملاصق کنار هم محل بحث من هستند یا یک واقعیت محل بحث من است ، خوب این است بحث ما

بنابراین ببینید این دقت را باید کنیم که ما ضمن اشکالات قبلی ایی که به بیان اساتیدمان داشتیم که شما درست با مسئله ترکیب انضمامی محقق نائینی (ره) برخورد نمی کنید که اجمالاً توضیح آن را دادیم و آن حرف هایی که خودتان قبول دارید به تبع استادتان حضرت امام (ره) در اینجا پیاده نمی

کنید و ریشه این پیاده نکردن هم این است که در مسئله تعارض و تزامم از امام (ره) جدا شدید اینجا ملاحظه دیگری داریم که حضرت آقایان اصلا شما باید سوال کنید حتی اگر ما دو مقوله از مقولات عشر داشته باشیم آیا این و مقوله از مقولات عشر را می شود اسمش را گذاشت ترکیب انضمامی ؟ اصلا کلمه ترکیب در اینجا جا دارد ؟ یا اینکه اگر کسی مقولات عشر را خارج محمول تصویر کرد در مقولات سبعیه نسبیه مثل مثلا وضع و این و اینها می شود اسم آن را گذاشت ترکیب اتحادی ؟

بهترین احتمال در دفاع از تعبیر ترکیب محقق نائینی

یا اصلا کلمه ترکیب در اینجا مجرد اصطلاح است یعنی بهترین احتمالی که ما باید برای دفاع از فرمایش محقق نائینی (ره) بدهیم همین است که بگوئیم این مجرد اصطلاح است و الا کلمه ترکیب جایش اینجا نیست ، اصل مسئله همین است که گفته شد آیا من با یک واقعیت کار می کنم یا با دو واقعیت ؟

محقق نائینی (ره) می خواهند بگویند که باید دو واقعیت داشته باشم ، جوابش این است که اصلا دو واقعیت محل اختلاف کسی نیست

بیان محقق بروجردی در مسأله (کار کردن با یک واقعیت)

محقق بروجردی (ره) می گویند که بله ما باید با یک واقعیت کار کنیم ولی این یک واقعیت نمی تواند واجد دو ملاک باشد یا این یک واقعیت نمی تواند هم مقرب و هم مبعده باشد لذا من فتوا می دهم به بطلان صلاه در دار غصبی که معنایش این است که در وادی امثال امتناعی هستیم ولی در وادی جعل جوازی هستیم ، چون او فهمیده است که با یک واقعیت باید کار کنیم .

محقق خوئی (ره) هم افتاده است با اختلافی که با استادشان محقق نائینی (ره) که آیا این دو واقعیتی که شما تصویر می کند درست است یا درست نیست؟ می شود در صلاة در دار غصبی تایش کرد یا نمی شود؟ کلیتش درست است یا موجه جزئیه آن درست است،

سازمان حضرت امام ره برای حل مشکل مسأله

این طوری امام (ره) می خواهند بگویند که اصلاً دو واقعیت محل دعوی ما نیست، ما اولاً با یک واقعیت کار می کنیم این یک واقعیت را نمی شود اسمش را ترکیب اتحادی گذاشت و آن دو واقعیت را ترکیب انضمامی گذاشت ثانیاً، آن یک واقعیت هم می توان بواسطه تعدد عنوان هم مشکل جعل آن حل شود و هم ملاک آن، و هم مقریبت و مبعدیتش که تفصیلش بعداً می آید، دیگر شما مسئله را نبرید در فضای اینکه ترکیب است، ببرید در همان فضا یک واقعیت یا دو واقعیت، اگر بخواهیم در واقع اشکال و فنی به ما وارد نیاید و در این مسئله به مشکل نخوریم حق این است که همین مقدار ما کار را انجام بدهیم، خوب این هم مسئله دومی بود که ما باید رسیدگی می کردیم وعده اش را داده بودیم، حالا اجمالاً دیگر من وارد ترکیب و فلسفه و ریزه کاری های بحث ترکیب و مرکبات حقیقی و فعل و انفعال و تحقق شئی ثالث نشدم که امام (ره) در جای خودش اینها را بحث کرده است، اگر ترکیب باشد آنطوری می شود اصلاً، انطباق عناوین است بر واقعیت خارجی و اینکه دو واقعیت دارم یا یک واقعیت دارم با تفصیلی که بیان شد.

نکته پایانی بحث (سبب تولیدی و نقد آیت الله فاضل بر محقق نائینی)

نکته پایانی که این بحث دارد و آن را هم باید رسیدگی کنیم این است که استاد ما حضرت آقای فاضل (ره) در ارتباط با آن بحث سبب تولیدی نقدی که به محقق نائینی (ره) می کنند یک نقدی است

که محدود می کند بحث را ، ایشان در ارتباط با بحث سبب تولیدی حرف مهم شان این است که می خواهند بفرمایند ما معتقد هستیم که چرا محقق نائینی (ره) می خواهند دلیل را از ظاهرش منصرف کنند ؟ ظاهر دلیل ببینید بحث این بود که آقای نائینی (ره) می فرمود ما دو عموم و خصوص من وجه مان باید به سبب تولیدی بر نگرود چون اگر به سبب تولیدی برگردد یک واقعیت است ، استاد می خواهند بفرمایند که نه ، ما تکلیف را واقعاً می دهیم به مسبب خودش سر جای خودش ، با مسبب کار می کنیم که توضیح آن را دادیم ، وقتی مامور هستم به باز کردن در ، خوب ماموریت من باز کردن در است نه پیچاندن کلید ، پیچاندن کلید سبب است و باز کردن در مسبب است ، محقق نائینی (ره) می گفت من مامور به پیچاندن کلید هستم ، اینها می گویند نه دستور داده افتح الباب ، اغلق الباب ، شما چرا دستور را از ظاهرش منصرف می کنید می برید آن را سراغ سبب ، نه ما با مسبب کار می کنیم ، منتهی مسبب باید مقدور باشد قدرت بر سبب برای تعلق تکلیف به مسبب کافی است ، یعنی استاد اختلاف را با محقق نائینی (ره) مبنائی می کنند .

اختلاف مبنایی آیت الله فاضل با محقق نائینی (آقای نائینی شما نباید مشکل با مبنای خودتان حل کنید)

و لذا تعبیرشان این است عقیده محقق نائینی (ره) این است که تکلیف به سبب خورده است نه به مسبب ، یعنی به مقدور بلا واسطه تعلق رفته است نه مقدور با واسطه ، استاد می گویند نه این درست نیست .

اشکال آیت الله فاضل به محقق نائینی (راجع به افعال تولیدی)

ما در پاسخ محقق نائینی می گوئیم که ضرورتی ندارد که در افعال تولیدی حکم را از ظاهر خودش منصرف کرده و آن را روی سبب پیاده کنیم ، وقتی مولا به عبدش می گوید که این در را باز کن چرا حکم را برگردانیم به فلان و بگوئیم مراد مولا این است که این کلید را به حرکت در آور ، چه ضرورتی دارد ؟ اگر نظر شما چنین چیزی است ما چگونه می توانیم در مسئله ایی که مورد بحث همه اصولیین است آن را پیاده کنیم ، استاد می خواهد اشکال کند به محقق نائینی (ره) بگوید محقق نائینی (ره) شما آمدید و می خواهید مطلب را با مبناء خودتان حل کنید ، نه اصولی ها همه می خواهند در این بحث شرکت کنند بعضی ها قائل هستند به صحت تکلیف در مسبب از باب کفایت قدرت بر سبب بر صحت تکلیف ، بعضی ها هم قائل هستند به اینکه نه وقتی مسبب مقدور نیست ، تکلیف قدرت می خواهد و قدرت هم در مورد سبب است پس ظاهرش سبب است ، که اگر اینطوری شد بعضی وقت ها چون آن موقع یک واقعیت می شود سبب یک واقعیت است مثل همان قیام که بحث کردند دیگر ، قیام للتعظیم مثلا ، یک واقعیت می شود آن موقع دیگر نمی شود ، استاد می گوید نه بحث بین همه اصولیین است همه اصولیین در این بحث شرکت می کنند همه اصولیین که در این بحث شرکت می کنند روال این است که من مسئله را در حد مسبب نگه بدارم یعنی ظاهر دلیل را مبناء قرار بدهم منصرفش نکنم به مسبب که مبناء خود محقق نائینی (ره) است ، نه همه اصولیین بحث می کنند همه اصولیین هم مبناء شما محقق نائینی (ره) را قبول ندارند ، استاد در این حد بحث را مطرح کرده اند .

خوب این حد از مسئله یک ملاحظه در آن وجود دارد که با عنایت به تقریری که استاد از بیان استادشان حضرت امام (ره) دارند تقریر را که خواندیم یک نگاهی به آن بیاندازید که انشاءالله جلسه بعد این بحث را تمام کنید چون هر چه که می بینم نمی خواهم این ملاحظه ام خراب بشود یعنی

ضعیف گفته بشود حیف است ، جلسه بعد انشاءالله این ملاحظه را تبیین کنیم و مخصوصاً با توجه به تقریری که خود استاد در معتمد الاصول از فرمایشات استادشان حضرت امام (ره) دارند ، آیا ما باید پاسخ به محقق نائینی (ره) را اینطور ارائه کنیم ؟ یا می شود پاسخ دیگری را به محقق نائینی (ره) داد که بحث بحث مبنائی نشود ، این را ملاحظه کنید که انشاءالله جلسه بعد به فضل الهی پایان این بحث و بحث امسال ما باشد و انشاءالله دیگر ادله اقوال و قول به امتناع و جواز و بقیه نکات را انشاءالله در خدمت دوستان باشیم به شرط اینکه خدای متعال توفیق عنایت کند .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خارج اصول فقه ❖ استاد شیخ عبدالکریم فرحانی (دام عزه) جلسه ۱۵۰ ۴۰۰/۳/۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اشکال آیت الله فاضل به محقق نائینی (سبب تولیدی)

بحث ما در ارتباط با فرمایشات استاد بزرگوارمان در ذیل این بخش پایانی بود که عرض کردیم ایشان در ارتباط با اینکه ما سبب تولیدی را خارج کنیم بخاطر اینکه محقق نائینی (ره) فرموده اگر

شما قیام کردید للتعظیم مثلاً آن قیام متعلق تکلیف است وقتی قیام متعلق تکلیف باشد قیام للتعظیم یا عدم قیام آنموقع شیء واحدی ، در واقع ترکیب اتحادی پیش می آید .

استاد عزیز ما در واقع فرمایش فرمودند که لازم نیست که ما دلیل را از ظاهرش منصرف کنیم ، دلیل می خورد به مسبب ، چرا شما دلیل را به سبب می زنید ، نمیتوانید این کار را کنید و از این طرف هم اگر بخواهید این کار را بکنید نزاعی را که مشهور در آن شرکت کرده اند شما حمل می کنید بر قول خودتان ، مشهور همه با شما نیستند ، دو تا دیدگاه در آنجا وجود دارد.

معرفی راهکار برای حل مشکل توسط آیت الله فاضل (در مقابل بیان محقق نائینی)

یک دیدگاه این است که برای تعلق تکلیف به مسبب قدرت بر سبب کافی است برای اینکه تکلیف به خود مسبب بخورد ، اگر کسی این مبناء را قبول کرد و خواست ظاهر دلیل را حفظ کند دیگر شما چرا او را وادار می کنید که تکلیف را برگرداند به سبب ؟ و بعد در سبب بحث ترکیب اتحادی مطرح بشود که قیام باشد و ما توضیح دادیم ، با مسبب کار می کنیم و با مسبب اگر کار کردیم مشکل حل است این فرمایشات استاد بزرگوار ما بود در دروس خودشان که ما خواندیم این را ،

ما در پاسخ به آقای نائینی (ره) می گوئیم که هیچ ضرورتی وجود ندارد که در افعال تولیدی حکم از ظاهرش منصرف شود که خواندیم .استاد بحث را همینطور تمام می کند و لذا می گوئیم مبناء ما این است اگر نظر شما محقق نائینی (ره) چنینی چیزی است ما چگونه می توانیم در مسئله ایی که مورد بحث همه اصولیین است فقط خودمان را محدود کنیم به مبناء شما ،

مقایسه جواب آیت الله فاضل به محقق و کلامشان در معتمدالاصول

جلسه قبل عرض کردم این [بیان] را یک مقایسه ایی کنیم با معتمد که تقریر ایشان از حضرت امام (ره) است ، استاد ما در معتمد که فرمایشات استادشان حضرت امام (ره) را تقریر کردند و ما قبلاً هم آن را خواندیم در جلسات و گفتیم تقریر خیلی خوبی است در بیان اشکالات محقق نائینی (ره) ، یعنی عبارات ایشان در بیان اشکالات محقق نائینی (ره) بسیار بسیار روان تقریر شده از حضرت امام (ره) ، و عرض هم کردم قبلاً که ای کاش همین جا هم که می خواستند اینی (ره) را تقریر کنند از همان بیان معتمد استفاده می کردند که روان تر بود که حالا دیگر تکرار نمی کنیم .

تقریر پاسخ حضرت امام به نائینی به صورت ناقص

اما در مقام پاسخ امام (ره) به محقق نائینی (ره) ایشان بیانات شان در تقریر یک مقداری ناقص است و آن نقص بیان ایشان در تقریر امام (ره) در درس فعلی خودشان هم منعکس شده است ، ایشان اینجا می خواهند نقد کنند آن بخش آخر فرمایشات امام (ره) را این طوری نقل می کنند و اما کون متعلق التکالیف العناوین التولیدیة هی السبب الذی یتوّلّد منه فقد عرفت سابقاً أنّه لا وجه لـصرف الامر عن المسبب بعد کونه مقدوراً ولو مع الواسطه همین که الان عرض کردم اذ هذا المقدار من المقدوریة کاف فی تصحیح تعلق التکلیف بالسبب بعد هم می گویند خوب دیگر تمام شد و برویم به دنبال ادله و فانقدح من جمیع ما ذکرنا أن العامین من وجه مطلقاً و کذا العامین مطلقاً بقسمیه داخل فی محل النزاع همین مقدار را فقط نقل می کنند که امام (ره) بیان فرموده که محقق نائینی (ره) خواسته دلیل را از ظاهر منصرف کند ، ظاهر دلیل تکلیف به مسبب است گفته اکرم العلماء نگفته قم لتعظیم ، لا تکرّم الفساق نگفته لا تقم ، که قم و لا تقم سبب تولیدی عنوان اکرام و عدم اکرام است ، ایشان [در تقریرشان] از امام (ره) همین مقدار نقل کرده اند ، همین نقل را هم در درس شان بیشتر گفته نشده

است که بله استاد ایشان حضرت امام (ره) در نقد محقق نائینی (ره) این مقدار گفته اند که ما حرف محقق نائینی (ره) را قبول نداریم چون مبناء ایشان را قبول نداریم ، مبناء محقق نائینی (ره) این است که در این جور موارد تکلیف به سبب خورده اما مبناء ما که قبلاً هم در مقدمه واجب قبلاً عرض کردم بحث آن را امام (ره) انجام دادند این است که نه ، ظاهر دلیل تکلیف به مسبب است و ما تکلیف به مسبب برای مان موضوعیت دارد ، و مقدوریت سبب کافی است برای تکلیف به مسبب و ما اجازه نداریم از ظاهر دلیل منصرف کنیم دلیل را ، ملاحظه می فرمائید عین مطلبی که ایشان در معتمد از امام (ره) تقریر کرده اند در درس شان هم آورده اند .

بیان حضرت امام در تهذیب و مناهج

در صورتی که امام (ره) در تهذیب و در مناهج بیان شان این نیست ، حالا بیان امام (ره) را در تهذیب مناهج ملاحظه کنید که حالا تهذیب جلوی من است از لازم شد بعداً مناهج را هم ملاحظه می کنیم ، ببینید امام (ره) در تهذیب دارند :

و كذا في الافعال التوليدية امام (ره) وقتی می خواهند حرف محقق نائینی (ره) را نقد کنند در تهذیب که این عبارت هم عبارت خود مناهج امام (ره) هم هست نمی آید مبنائی نقد کند و بگوید که من چون مبناء شما را قبول ندارم حرف شما غلط است ، نه ، این کار را نکرده است ،

حضرت امام لو سلم بحث را ارائه کرده اند :

امام (ره) فرموده و كذا في الافعال التوليدية و إن قلنا بتعلق الامر بالاسباب امام (ره) می خواهند بگویند حتی اگر کسی مبناء محقق نائینی (ره) را قبول کند حرفش در اینجا غلط است ، ما قبول می کنیم مبناء محقق نائینی (ره) درست است و ما مامور به سبب هستیم و إن قلنا بتعلق التكليف

بالاسباب ما مامور به سبب هستیم ، اما اینجا مسئله چه چیزی است ؟ باز دو عنوان داریم قیام لزید و عدم قیام لعمر ، مولا گفته اکرم زیداً من می گویم اشکالی ندارد مولا دستور به قیام داده دستور به اطعام داده ، سفره بیانداز ، قیام کن ، سبب را خواسته نه مسبب ، اما همین که قیام لزید مامور به باشد قیام لعمر منهی عنه باشد دو عنوان است دیگر ،

بیان امام و عدم نقل آن توسط آیت الله فاضل

بینید حرف مهم امام (ره) این است ، ما معتقد هستیم که استاد برگوارمان حضرت آقای فاضل (ره) این را باید بیان می کردند از زبان امام (ره) ، چرا این را نمی گویند بخاطر آن بحث قبلی مان که کفایت تعدد عنوان در صحت تکلیف را باید بگویند ولو اینکه تکلیف به سبب خورده باشد ، همین که عنوان ها متعدد است ، خوب دقت کنید خواهش می کنم ایشان باید سر این مسئله بایستند .

نقد استاد بر سازمان محقق نائینی ره

لذا ما هر سه مطلب محقق نائینی (ره) را با یک جمله نقد می کنیم ، ما می گوئیم اگر شما رفتید سراغ موضوع نه متعلق مثل فساق و علماء که بگوئید فساق و علماء متعدد هستند و من وجه هستند اما متعلق اکرام است می گوئیم نه ، ولو متعلق اکرام است اما اکرام فساق یک عنوان است و اکرام عالم یک عنوان است ، اگر رفتید سراغ سبب تولیدی می گوئیم سبب تولیدی قیام است نه اکرام ، راست می گوئید ، اما قیام لزید یک قیام است و قیام لعمر یک قیام یکی مامور به و یکی منهی عنه ،

حرف اصلی حضرت امام که مغفول تلمیذ شان واقع شده

ببینید ما اصل مسئله ایی که با استاد بزرگوارمان داریم این است که آن حرف اساسی استادتان کفایت تعدد عنوان در حل مشکل محقق نائینی (ره) است ، لذا شما محقق نائینی (ره) دیگر نمی توانید تفصیل بدهید چه تفصیل بین موضوع و متعلق که نکته ایشان بود ، چه تفصیل بین سبب و مسبب که نکته ایشان است ، چه اصرار بر ترکیب انضمامی که نکته سوم ایشان است ، هیچ کدام را نمی توانید بگوئید ،

تعابیر حضرت امام و توضیح مختصر آن

لذا دقت کنید ببینید ایشان قشنگ این را درست می کنند ، اما حرف شان این است علیه بنابراینکه من با عنوان ها کار کنم یجری النزاع فی مثل اکرم العالم و لا تکرم الفاسق نزاع در اکرم العالم می آید در لا تکرم الفاسق هم می آید ، که در موضوعات است ، کذا فی مثل اشرب و لا تغصب محقق نائینی (ره) می گفت در اشرب و لا تغصب نمی آید در صلاه و غضب می آید ، چرا ؟ چون خود ماء وقتی غضبی است دیگر ترکیب اتحادی است ، مع کون الماء غضباً پس نزاع اینجا هم می آید چون تعدد عنوان است ، ما با تعدد عنوان مشکل مان حل است ، چه اتحادی و چه انضمامی ، انضمامی هم را که گفتند محل دعوا است .

اصل جواب حضرت امام ره

و كذا في الافعال التوليدية ببينيد اصل جواب اين است ، ما در افعال توليديه و حتى اگر مبناء محقق نائيني (ره) را قبول كنيم و إن قلنا بتعلق الامر بالاسباب فإن قوله اكرم زيدا و لا تكرم عمراً كقوله قم زيدا و لا تقم لعمر هيچ فرقی نمی كند فهما عنوانان مختلفان يجوز تعلق الامر بأحدهما و نهی عن الاخر سواءً في ذلك السبب كه محقق نائینی (ره) با آن كار كرد با يام و عدم قيام ، قم و لا تقم و المسبب اكرام و لا تكرم ما مسئله مهم مان در اینجا اين است كه استاد بزرگوار ما حضرت آقای فاضل (ره) آن حرف اصلی استادشان حضرت امام (ره) را نمی زنند باید آن حرف را بزنند ، چون آن حرف اصلی را كه استادشان حضرت امام (ره) گفته و ایشان بیان نمی كنند كار دچار مشكل می شود

توضیح مجدد برای رد سه مطلب محقق نائینی توسط حضرت امام

لذا ببينيد فرمایش امام اين است ، امام (ره) يك جمله دارند کسی كه با تعدد عنوان كار می كند از هر سه تفصيل محقق نائینی (ره) بی نیاز است و آنها را وارد نمی داند چه بين متعلق و موضوع چه بين غضب هایی كه تركيب شان با ماموربه انضمامی است به قول محقق نائینی (ره) مثل صلاة و غضب و غضب هایی كه تركيب شان با ماموربه اتحادي است ، چه بين سبب و مسبب ، اصلا ما باید حرف اصلی را بزنيم ، حرف اصلی اين است ، حالا چرا استاد بزرگوار ما اين حرف اصلی را نمی زنند ؟

چرا آيت الله فاضل كلام اصلی حضرت امام ره بيان نكرده اند

چون آن در واقع جدا شدنی كه از امام (ره) جدا شد آن گرفتار می كند ایشان را ، چون از امام (ره) آنجا در بحث تعارض و تراحم جدا شدند ایشان ، و آن مبانی بسیار خوبی را كه بعداً از امام (ره) خود ایشان قبول می كنند در پاسخ به محقق نائینی (ره) آن مطالب نمی آید و گفته نمی شود .

ببینید عبارت امام (ره) این است و از اینجا معلوم میشود که توضیحات استاد بزرگوارمان در تقریری که در معتمد هم داشتند این تقریر در واقع نا تمامی است ، لذا عبارت استادشان [این است]: فهما عنوانان مختلفان ما دو عنوان داریم قم لزید و لا تقم لعمر ، اگرم زید لا تکرّم عمر ، هیچ فرقی نمی کند با سبب کار کنید قم و لا تقم ، با مسب کار کنید اکرم و لا تکرّم ، فرقی نمی کند دو عنوان داریم باید این جواب اصلی گفته بشود و از اینجا معلوم می شود که تقریر محتمل متاسفانه منطبق نیست البته ما وقتی این را ملاحظه کردیم احتیاطاً مراجعه به خود مناہج هم کردیم که ببینیم عبارت امام (ره) در مناہج ، حالا یک کسی ممکن است که بگوید معتمد یک تقریر است تہذیب یک تقریر است شما چرا یک تقریر را بر تقریر دیگر محکم می کنید ؟ من عبارت مناہج را هم رفتم و نگاه کردم ببینم نظر امام (ره) در خود مناہج چه چیزی است که در واقع آنجا هم پیگیری کنیم مسئله را و دیدم امام (ره) در مناہج هم همین عبارت را دارند و اصلاً عبارت تہذیب خیلی از جای ها که ما پیگیری می کردیم خیلی منطبق با عبارت مناہج است که بعد خلاصه مسأله این طوری بوده

عبارات حضرت امام در مناہج

ببینید عبارت امام (ره) در مناہج را هم ملاحظه کنیم ، اینجا در امر تاسع شروط جریان نزاع اینها را توضیح می دهند ، قد یقال إن جریان النزاع فی العامین یتوقف علی امور فرمایشات محقق نائینی (ره) را توضیح می دهند بعد شروع می کنند به نقد کردن

توضیح و نقد فرمایشات محقق نائینی

فإنّ قوله و ذا فی الافعال التولیدیة و إن قلنا بتعلق الامر بالاسباب فإنّ قوله اکرم و لا تکرّم کقوله قم و لا تقم عنوانان مختلفان سواء فی ذلک السبب او المسبب التولیدیان

خوب امام (ره) این را می گویند مع أنّ المبناء أى رجوع الامر الى السبب التولیدی محل منع استاد فقط منع مبنائی کرده و منع مبنائی جواب اصلی ما به محقق نائینی (ره) نیست ، خوب پایان این تحقیق که داشتیم ما تبعاً لامام بعد از اینکه آن مقدمات کفایه تمام شد تاسع را فی شروط جریان النزاع فی المقام بررسی کردیم و باقی ماند اینکه دیگر وارد ادله بشویم که انشاءالله مقتضی التحقيق که باید وارد بشویم که مرحوم آخوند امتناعی است و امام (ره) تبعاً محقق اصفهانی (ره) و بعضی از محققین جوازی هستند منتهی با همین توضیحاتی که گفته شد ببینیم جواز را تفکیک مراحل جعل و امتثال و کفایت تعدد عنوان در هر دو مقام را انشاءالله برای آغاز سال تحصیلی آینده .

پایان بحث اصول ما و عذر خواهی هم می کنم وقفه ایی در اثناء بحث پیش آمد بخاطر کسالتی که عارض ما شد و این چند جلسه پایانی درس اصول که باید گفته می شد و تمام می شد وقفه ایی در آن ایجاد شد بنده از همه عزیزان عذر خواهی می کنم و طلب حلالیت دارم کم و زیاد تاخیر تقدیم بالاخره بر ما ببخشند و حلال کنند و ما را از دعای خیرشان در این ایام نورانی ماه ذی الحجة بهره مند کنند انشاءالله روز عرفه افضل اعمال دعا برای دوستان و رفقاء و در واقع مرتبطین و محتاجین است و اگر کسی برای دیگران دعا کند همانطوری که در روایات متعدد داریم خدای متعال به اضعاف مضاعفه انشاءالله به او تقدیم خواهد کرد به لطف و کرم بیکرانش انشاءالله ما را در این ایام نورانی و همه مومنین را و همه مسلمین را دعا کنید و انشاءالله اعتلاء و اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ، موفقیت همه خدمتگزاران خاصه دولت انقلابی خدمت گزار را انشاءالله در انجام مطالبات مردم و مطالبات رهبر فرزانه انقلاب انشاءالله از خدای متعال بخواهیم .

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

